



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۱۰۹۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۷ بخشنامه شماره ۳۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲۸ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور ابطال شد
۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۳/۲۹	رای شماره ۱۰۹۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعلام تعارض تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی سازمان تعزیرات حکومتی به رسمی فاقد مبنا و مستند قانونی است
۴	شورای اسلامی شهر باسمنج	۱۴۰۰/۳/۲۹	رای شماره ۱۱۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: مستند به ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بند «ج» دادنامه شماره ۸۳۵ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نقض شد و بند الف ماده ۱۴ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر باسمنج ابطال شد
۵	شهرداری سمنان	۱۴۰۰/۳/۲۹	رای شماره ۱۱۰۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۴۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری شهر سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹ و تبصره ۲ ماده ۴۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹ ابطال شد
۷	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس	۱۴۰۰/۴/۱	رای شماره ۱۱۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعلام تعارض کارکنان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خارج از شمول مقررات کانون کار می‌باشند
۷	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۴/۱	رای شماره‌های ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعلام تعارض اصلاح عنوان شغلی در لیست بیمه در صلاحیت هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار می‌باشد
۸	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۴/۱	رای شماره ۱۱۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعلام تعارض تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان قراردادی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به پیمانی بدون شرکت در آزمون فاقد وجهت قانونی است
۹	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۴/۸	رای شماره‌های ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: درخواست الزام به پرداخت فوق‌العاده جذب و مزایای مرخصی مناطق محروم به کارکنان سازمان بیمه سلامت ایران حکم به رد شکایت صحیح و منطبق با مقررات قانونی است
۱۱	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۴/۱۵	رای شماره ۱۲۰۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعلام تعارض قانونی بودن اقدامات سازمان بازنشستگی کشوری در محاسبه و اخذ وجوه ناشی از انتقال کسور بازنشستگی و غیرموجه بودن استدلال عدم اطلاع‌رسانی دستگاه متبوع مستخدمان در خصوص نحوه انتقال کسور بازنشستگی
۱۲	شورای اسلامی شهر کرمان	۱۴۰۰/۳/۱	رای شماره ۳۷۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بندهای ۴، ۹، ۱۹، ۲۳ از تعرفه شماره ۲-۱۳ و تعرفه شماره ۲-۲۸ و تعرفه شماره ۲-۲۹ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر کرمان ابطال شد
۱۴	شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۴۰۰/۳/۱۸	رای شماره ۴۹۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) مصوب جلسه شماره ۸۸۹-۱۳۹۶/۱۰/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۱۵	شهرداریها و دهیاریهای کشور	۱۴۰۰/۳/۱۸	رای شماره ۷۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۲ صورت جلسه شماره ۲۴۱۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شهرداریها و دهیاریهای کشور و بخشنامه شماره ۲۵۰۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۵ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور ابطال شد

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱۶	کارگروه آرد و نان و گندم شهرستان گنبدکاووس	۱۴۰۰/۳/۱۸	رای شماره ۷۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بندهای ۳، ۵، ۶ و ۷ از مصوبات دومین کارگروه آرد و نان و گندم شهرستان گنبدکاووس مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ ابطال شد
۱۸	اداره کل بازرسی استان کرمانشاه	۱۴۰۰/۳/۲۲	رای شماره ۷۳۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بخشنامه شماره ۰۳۷/۶۰۳۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۸ اداره کل بازرسی استان کرمانشاه ابطال شد
۱۹	شورای اسلامی شهر کرمانشاه	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۷۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۷ عوارض تفکیک عرصه و اعیان از تعرفه عوارض مصوب شورای اسلامی شهر کرمانشاه از تاریخ تصویب ابطال شد
۲۱	شورای اسلامی شهر رشت	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۹۶۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه جلسه شماره ۴۹۰ رئیس شورای اسلامی شهر رشت مصوب ۱۳۹۱/۹/۱
۲۲	شورای اسلامی شهر خمین	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۹۶۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تعرفه شماره ۲۱ سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۱۸ سال ۱۳۹۶ و تعرفه شماره ۱۶ سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ مصوب شورای اسلامی شهر خمین ابطال شد
۲۴	سازمان امور اراضی کشور	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۹۹۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: جزء (د) بند یک از مصوبه ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی حقوقی سازمان امور اراضی که طی بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ سازمان امور اراضی کشور ابلاغ شده است ابطال شد
۲۶	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۱۰۶۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: عبارت «با سررسید حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۹» از بند ۸ ماده ۳ تصویبنامه شماره ۱۱۳۶۳/ت/۵۷۶۲۲ مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۰ هیأت وزیران ابطال شد
۲۷	شورای اسلامی شهر صدررا	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۱۰۶۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تبصره یک تعرفه شماره ۲-۲۳ عوارض شورای اسلامی شهر صدررا در سال ۱۳۹۶ به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد
۲۹	سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بوشهر	۱۴۰۰/۳/۲۵	رای شماره ۱۰۶۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۲۳ تعرفه منابع درآمدی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بوشهر در سال ۱۳۹۸ که متضمن اخذ ۵٪ مبلغ قرارداد بابت صدور مجوز هر تبلیغ بر روی تابلوها و سازه‌های تبلیغاتی است ابطال شد
۳۰	شهرداری‌های کشور	۱۴۰۰/۴/۱	رای شماره‌های ۱۰۶۸ و ۱۰۶۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۳ از بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدام نیروی پیمانی مشاغل آتش‌نشانی شهرداری‌های کشور (تیر ماه ۱۳۹۸)
۳۱	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۴/۱	رای شماره ۱۰۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۳۷۱۸/ت/۵۷۵۹۳ مورخ ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران که برخی شاغلین را از رعایت حداکثر حقوق و مزایای مستمر مستثنی کرده است
۳۲	سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور	۱۴۰۰/۳/۲۹	رای شماره ۱۰۷۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ماده ۴ عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک مصوب سال ۱۳۹۹ شهر اراک ابطال شد

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواستی واحد ابطال بند ۷ بخشنامه شماره ۳۰۹۹۷ - ۱۳۹۵/۶/۲۸ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند: در بخشنامه ارسالی رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور طی شماره ۳۰۹۹۷ - ۱۳۹۵/۶/۲۸ به معاونین هماهنگی امور عمرانی استانداردهای سراسر کشور در بند ۷ بخشنامه در خصوص دریافت عوارض از تفکیک عرصه‌های کمتر از ۵۰۰ مترمربع توسط شهرداریها مجوز صادر فرموده است که به استناد دلایل ذیل برخلاف قانون شایسته ابطال می‌باشد.

۱- مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و ماده ۶۰ الحاقی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳ دریافت و پرداخت هرگونه وجه و کالا با مجوز قانون باید باشد نه به طریق دیگر که قانونگذار منع فرموده است. در دادنامه صادره هیأت عمومی به شماره ۳۹ - ۱۳۹۲/۱/۲۶ شورای اردبیل که برابر تبصره ۳ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداریها مصوب ۱۳۹۰ شهرداری می‌تواند در اراضی بیش از ۵۰۰ مترمربع مطابق با طرح جامع و تفصیلی و با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک تا ۲۵ درصد از باقی مانده اراضی دریافت نمایند. بنابراین مصوبه شورای اردبیل برای دریافت عوارض ناشی از تفکیک از این حیث که شامل اراضی کمتر از ۵۰۰ مترمربع می‌شود مغایر حکم قانونگذار و باطل نموده است و با توجه به الزامی بودن رعایت مفاد مصوبات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای مراجع اداری در موارد مشابه لازم الاتباع می‌باشد. لذا با توجه به ماده ۹۲ قانون تشکیلات

قوانین و مقررات عمومی

.....

۱۴۰۰/۴/۲۸

شماره ۹۹۰۱۸۴۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۹۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «بند ۷ بخشنامه شماره ۳۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲۸ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۱۰۹۰ شماره پرونده: ۹۹۰۱۸۴۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان حسین و امیرعباس صالحی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۷ بخشنامه شماره ۳۰۹۹۷ - ۱۳۹۵/۶/۲۸

سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۸۰، ۸۶ و ۸۸ قانون دیوان و تأکیداً به آرای صادره مشابه به شماره دادنامه‌های ۱۳۹۵/۵/۱۹-۳۴۲، ۱۳۹۵/۵/۱۹-۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳، ۱۳۹۸/۷/۲۳-۱۴۸۶، ۱۳۹۸/۲/۳-۱۰۱، ۱۳۹۸/۲/۳-۷۳۲ الی ۱۳۹۶/۸/۲-۷۳۵، ۱۳۹۸/۵/۱-۸۴۲، ۱۳۹۵/۹/۱۶-۶۹۷ و ۸، ۱۳۹۸/۸/۳۰-۲۳۲۴، ۱۳۹۶/۱۱/۱۰-۱۱۵۳، ۱۳۹۵/۵/۱-۲۴۴، ۱۳۹۵/۳/۲۶-۹۷، ۱۳۹۵/۳/۲۰-۱۹۸، ۱۳۹۲/۳/۲۰-۱۹۸، ۱۳۹۰/۹/۷-۳۸۱، ۱۳۹۵/۳-۳۴۲، ۱۳۹۵/۳-۳۴۲، ۱۳۹۶/۱۱/۱۰-۱۱۵۳، ۱۳۹۶/۱۱/۱۰-۲۳۵۴ الی ۲۳۵۷ و ۱۳۹۸/۷/۳۰ - ۲۷۲۵ - ۱۳۹۸/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان و در آراء متعدد دیگر توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض بر تفکیک در اشکال مختلف اعم از عرصه و اعیانی ساختمان و اراضی در مصوبات شوراهای اسلامی خلاف قانون و فاقد وجهت تشخیص و ابطال گردیده است و تأکیداً به ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی برای تمکین در برابر آرای صادره دیوان عدالت اداری و در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان استعداعی رسیدگی و ابطال بند ۷ بخشنامه شماره ۳۰۹۹۷ - ۱۳۹۵/۶/۲۸ رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور (وزارت کشور) توجهاً به ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری از زمان تصویب درخواست ابطال بند ۷ بخشنامه را خواستاریم و ضمناً جهت رسیدگی سریع بر حسب مواد ۳۴ و ۳۶ قانون دیوان عدالت اداری دستور موقت تقاضا داریم.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

"معاونین محترم هماهنگی امور عمرانی استانداری‌های سراسر کشور سلام علیکم: در اجرای ماده ۳۰ آیین‌نامه مالی شهرداریها و بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و برای ایجاد هماهنگی، وحدت رویه و رعایت هرچه دقیقتر قوانین و مقررات توسط شوراهای شهرداریهای سراسر کشور در خصوص عناوین تعرفه‌های عوارض که هر سال توسط شوراهای اسلامی شهر تصویب و برای اجرا به شهرداریها ابلاغ می‌گردد، عناوین کلی عوارض به شرح پیوست اعلام می‌شود. ضروری است برای پیشگیری از لغو عوارض مصوب توسط مراجع ذیصلاح موارد ذیل رعایت گردد.

۷ - عوارض تفکیک عرصه‌های کمتر از پانصد مترمربع در صورت امکان تفکیک بر اساس ضوابط شهرداری - رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور"

در پاسخ به شکایت مذکور مدیرکل دفتر حقوقی و امور قراردادهای سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور به موجب لایحه شماره ۴۰۰۰۷ - ۱۳۹۹/۱۰/۶ توضیح داده است که:

"۱- عنوان عوارض «تفکیک برای اراضی کمتر از پانصد مترمربع» پس از بحث و بررسی در کمیته عوارض که با حضور نماینده دیوان عدالت اداری برگزار می‌شود، با توجه به قوانین و مقررات موجود، غیرقابل وصول توسط شهرداریها شناخته شد و از آخرین فهرست ابلاغ عوارض توسط وزیر کشور به شماره ۱۶۶۴۷۲ - ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ حذف گردیده است. بنابراین نامه مورد اعتراض شکات در خصوص موضوع مطروحه در حال حاضر منشاء اثر نمی‌باشد.

۲- با توجه به توضیحات مذکور شکات در صورت اعتقاد به تضييع حقوق خود علی‌الاصول باید نسبت به ابطال مصوبه شورای شهر مذکور اقدام نمایند نه به نامه‌ای که در راستای ماده ۶۲ قانون شهرداری که به منظور راهنمایی و ایجاد رویه واحد و ماده ۳۰ آیین‌نامه مالی شهرداریها به شهرداریها ابلاغ گردیده است. چرا که ابطال نامه مورد نظر این سازمان موجب ابطال مصوبات شورای اسلامی شهر نمی‌شود.

التهابه به استناد ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رد شکایت شکات مورد استعداعست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۱۱ - ۱۳۹۷/۲/۱۸ وضع عوارض برای تفکیک عرصه‌های کمتر از ۵۰۰ مترمربع در تمام اشکال آن توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۷ بخشنامه شماره ۳۰۹۹۷ - ۱۳۹۵/۶/۲۸ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور که متضمن وضع عوارض در خصوص تفکیک عرصه‌های کمتر از ۵۰۰ مترمربع است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال حکم مقرر در ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تسری ابطال مقرر به زمان وضع آن موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۲۱۳۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۲۱۳۷-۹۹۰۳۰۶۳ الی ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۹۹ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ با موضوع: «اعلام تعارض تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی سازمان تعزیرات حکومتی به رسمی فاقد مبنا و مستند قانونی است.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۹ شماره دادنامه: ۱۰۹۵ الی ۱۰۹۹ شماره پرونده‌ها: ۹۹۰۳۰۶۳-۹۹۰۲۱۳۷-۹۹۰۱۸۱۳-۹۹۰۱۷۵۲-۹۹۰۱۷۱۳-۹۹۰۳۰۶۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کنندگان تعارض: آقایان عباس محدث، محسن صلاحی و سید امیر موسوی مقدم و خانم‌ها ارغوان سرتیپ زاده و فاطمه رخ افروزیان

موضوع: اعلام تعارض در آرای صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: شعب دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست کارکنان سازمان تعزیرات حکومتی به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به رسمی اعلام کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳۰ دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست آقای مسعود ملکی به طرفیت سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان اداری و استخدامی کشور و به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به رسمی به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۳۶۰۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ به شرح زیر رأی به ورود شکایت صادر کرده است:

"نظر به این که خواننده ردیف اول شرایط شاکی را جهت تبدیل وضعیت ایشان از قراردادی به رسمی تأیید نموده است و لکن خواننده ردیف دوم بنا به جهاتی از اجرای آن امتناع می‌نماید حال با توجه به تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و این که استخدام در سازمان تعزیرات حکومتی براساس آئین‌نامه خاص خود می‌باشد و با عنایت به تبصره ۲ ماده ۶ آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی شکایت شاکی را موجه تشخیص و مستندا به مواد ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید."

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۳۶۷ - ۱۳۹۹/۲/۸ صادر شده از شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شرح زیر تأیید شده است:

"با عنایت به اینکه کارکنان سازمان تعزیرات حکومتی از نظر اداری و استخدامی تابع آیین‌نامه استخدامی خاص خود می‌باشند و به موجب تبصره ۲ الحاقی به ماده ۶ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی به شماره ۱۳۹۲۳۳/ت/۱۳۹۲۹ مورخ ۱۳۹۰/۷/۳ مصوب نمایندگان ویژه رییس‌جمهور در کارگروه کنترل بازار سازمان مجاز است نسبت به تبدیل وضع کارکنان خود که حداقل ۵ سال سابقه خدمت در سازمان و حداقل مدرک کارشناسی ارشد یا معادل حوزوی باشند از پیمانی یا قراردادی به رسمی اقدام نماید در پرونده پیش رو با توجه به اینکه نامبرده به موجب ابلاغ شماره ۹۸۳۰ - ۱۳۹۲/۵/۲۳ از تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۶ با دارا بودن مدرک کاردانی و با عنوان شغلی متصدی امور دفتری به صورت قرارداد کار معین در سازمان تعزیرات حکومتی تهران شروع به کار کرده است و در حال حاضر نیز به صورت قرارداد کار معین و با دارا بودن مدرک کارشناسی با عنوان شغلی منشی شعبه به موجب قرارداد شماره ۹۸/۱۸۸ مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۴ اشتغال دارد که این امر حکایت از نیاز به خدمات نامبرده توسط تجدیدنظرخواه می‌باشد از طرفی دیگر سازمان تعزیرات حکومتی به موجب نامه شماره ۹۷/۵۳۲۰/۳۶۷۴ مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۶ از اختیار قانونی خود در بند ۴ مصوبه فوق‌الاشاره جهت تبدیل وضعیت تعدادی از نیروهای پیمانی و قراردادی خود استفاده کرده است و مراتب را به سازمان اداری و استخدامی کشور اعلام کرده است و آن سازمان نیز بلاجهت از پذیرش و اجابت خواسته سازمان تعزیرات حکومتی خودداری کرده است. لهذا اعتراض تجدیدنظرخواه غیروارد تشخیص و با اجازه حاصل از ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری دادنامه تجدیدنظرخواسته عیناً تأیید و استوار می‌گردد."

ب: شعبه ۲۵ دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست اشخاص به طرفیت سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان استخدامی و اداری کشور و به خواسته تبدیل وضعیت از قراردادی به رسمی، به موجب دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۱۵۳۷ - ۱۳۹۸/۶/۲۵ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۱۵۳۸ - ۱۳۹۸/۶/۲۵ به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرده است:

از آنجا که مطابق تبصره ۲ ماده ۶ آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی که شاکي به آن استناد نموده است سازمان مجاز دانسته شده است و الزامی نبوده است و اختیاری بوده است و سازمان مزبور تکلیفی برای تبدیل وضع کارکنان قراردادی یا پیمانی به رسمی برعهده ندارد و از طرف دیگر لازمه تبدیل وضعیت، صدور مجوز از سوی سازمان امور اداری و استخدامی میباشد که مطابق لایحه جوابیه خواننده اجابت از سوی آن سازمان صورت نگرفته است با این اوصاف تخلف از قوانین و مقررات حادث نگردیده است به استناد مفهوم مخالف ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

آرای مذکور به علت عدم تجدید نظر خواهی از سوی محکوم علیه، قطعی شده است. ج: شعبه ۳۰ دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست اشخاص به طرفیت سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان اداری و استخدامی کشور و به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به رسمی به موجب دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۳۶۰۷ - ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۳۶۰۸ و ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ - ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۳۶۰۸ و ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ - ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۳۶۰۸ به شرح زیر رأی به ورود شکایت صادر کرده است:

نظر به این که خواننده ردیف اول شرایط شاکي را جهت تبدیل وضعیت ایشان از قراردادی به رسمی تأیید نموده است و لکن خواننده ردیف دوم بنا به جهاتی از اجرای آن امتناع می‌نماید. حال با توجه به تبصره ۲ ماده واحد قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و این که استخدام در سازمان تعزیرات حکومتی براساس آئین‌نامه خاص خود می‌باشد و با عنایت به تبصره ۲ ماده ۶ آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی شاکي را موجه تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکي صادر و اعلام می‌نماید.

شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری ضمن نقض آرای مذکور، به موجب دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۹۲ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۹۱، ۱۳۹۹/۱/۳۱ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۹۱ و ۱۳۹۹/۱/۳۱ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۴۳ به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده و ملاحظه اسناد و مدارک تجدیدنظرخواه و بررسی رأی معترض عنه نظر به اینکه شعبه بدوی دیوان عدالت اداری در صدور رأی مذکور مستنداً به تبصره ۲ ماده ۶ آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی حکم به ورود صادر نموده است در صورتی که تبصره مذکور صرفاً اجازه تبدیل را به سازمان داده است، در نتیجه تجدیدنظرخواهی موجه تشخیص و به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن نقض رأی معترض عنه حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است. ب - اولاً: براساس تبصره ۲ الحاقی به ماده ۶ آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۷۳ هیأت وزیران مقرر شده است که: «سازمان مجاز است نسبت به تبدیل وضعیت کارکنان خود که حداقل دارای پنج سال سابقه خدمت در سازمان و حداقل مدرک کارشناسی یا معادل حوزوی آن می‌باشند، از پیمانی یا قراردادی به رسمی اقدام نماید» و از حکم فوق اختیار و نه الزام سازمان تعزیرات حکومتی برای انجام تبدیل وضعیت کارکنان مزبور مستفاد می‌گردد. ثانیاً: حکم مقرر در تبصره مذکور در راستای اجرای قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی و به موجب نامه شماره ۶۱۳۳۶ ه/ب - ۱۳۹۸/۱۱/۱۳ رئیس مجلس شورای اسلامی مورد ایراد قرار گرفته و ملغی الاثر شده و به موجب بند ۱ نامه مزبور اعلام شده است که: «از آنجا که براساس تبصره ۲ ماده ۵۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه تبدیل وضعیت پیمانی به رسمی بدون نیاز به آزمون با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی با تشخیص و تأیید معاونت و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور مجاز است، علیهذا تبصره ۲ بند (۳) مصوبه ناظر به تبدیل وضعیت کارکنان پیمانی به رسمی از حیث عدم تصریح به لزوم رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی با تشخیص و تأیید مقامات ذیربط، مغایر با قانون است.» ثالثاً: براساس تبصره ماده ۱۱ آئین‌نامه مالی، معاملاتی، استخدامی، نظام پرداخت سازمان تعزیرات حکومتی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۴۲۲ - ۱۳۷۳/۹/۸ نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور): «کارکنان قراردادی اعم از تمام وقت یا پاره وقت از نظر امتیازات و تکالیف تابع قراردادهایی خواهند بود که با سازمان منعقد می‌نمایند و اینگونه قراردادهای واجد هیچگونه تعهد استخدامی برای طرفین نیست...» با توجه به مراتب فوق، تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی سازمان تعزیرات حکومتی به رسمی فاقد مینا و مستند قانونی است و بر همین اساس دادنامه‌های شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۴۳ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۹۱، ۱۳۹۹/۱/۳۱ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۹۲ و ۱۳۹۹/۱/۳۱ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۰۲۹۱ (صادر از شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری) و دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۱۵۳۷ - ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۱۵۳۸ و ۱۳۹۸/۶/۲۵ - ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۱۵۳۸ (صادر از شعبه ۲۵ بدوی دیوان عدالت اداری) که بر همین مینا و به رد شکایت صادر شده‌اند، صحیح و منطبق با موازین قانونی

هستند. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۹۹۷

شماره ۹۹۰۱۹۹۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰/۳/۲۹ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ با موضوع: «مستند به ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری بند «ج» دادنامه شماره ۸۳۵ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نقض شد و بند الف ماده ۱۴ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر باسمنج ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۹ شماره دادنامه: ۱۱۰۰ شماره پرونده: ۹۹۰۱۹۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

درخواست کننده: رئیس دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نسبت به رأی شماره ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵ و ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

گردش کار: ۱- شهردار تاکستان به موجب نامه شماره ۹۹/۲/۱۷/۲۹۴۸ - ۱۳۹۹/۶/۱۷ به رئیس دیوان عدالت اداری اعلام کرده است که:

«با احترام به استحضار آن مقام عالی می‌رساند به موجب بند (ج) رأی شماره ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مقرر گردیده «با عنایت به اینکه در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض بعد از ابقاء اعیانها از حقوق دیوانی شمرده شده و در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۶ با اصلاحات بعدی، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شورای اسلامی بوده و برای جلوگیری از تخلف متخلفان ساختمانی لازم است عوارض متناسب وضع شود و حتماً نباید آن عوارض با عوارض تعیین شده برای شهروندان قانون مدار یکسان باشد لذا وضع عوارض بیش از یک برابر (یک و نیم، دو و سه برابر) در جدول بند (الف) ماده ۱۴ عوارض ابقاء ساختمانیها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات نیست» و همچنین طبق رأی شماره ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تصریحاً مقرر گردید «طبق آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص وضع عوارض برای بناهای احداثی ابقاء شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری فقط عوارض صدور پروانه ساخت مثل سایر شهروندان، علاوه بر جرایم چند برابر از جمله عوارض مضاعف محسوب و فاقد وجهت قانونی و برخلاف آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ بوده و عوارض ابقاء ساختمان در ماده ۱۴ سال ۱۳۹۶ و ماده ۱۲ سال ۱۳۹۷ بیش از یک برابر (نیم، یک و یک و نیم) آن مغایر و خارج از حدود و اختیارات شورای اسلامی شهر اهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.» لذا همان طور که مستحضری در بند (ج) رأی شماره ۸۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مقرر گردید «با عنایت به اینکه در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض بعد از ابقاء اعیانها از حقوق دیوانی شمرده شده و در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۶ با اصلاحات بعدی، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شورای اسلامی بوده و برای جلوگیری از تخلف متخلفان ساختمانی لازم است عوارض متناسب وضع شود و حتماً نباید آن عوارض با عوارض تعیین شده برای شهروندان قانون مدار یکسان باشد لذا وضع عوارض بیش از یک برابر (یک و نیم، دو و سه برابر) در جدول بند (الف) ماده ۱۴ عوارض ابقاء ساختمانیها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات نیست» و همچنین طبق رأی شماره ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تصریحاً مقرر گردید «طبق آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص وضع عوارض برای بناهای احداثی ابقاء شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری فقط عوارض صدور پروانه ساخت مثل سایر شهروندان، علاوه بر جرایم چند برابر از جمله عوارض مضاعف محسوب و فاقد وجهت قانونی و برخلاف آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ بوده و عوارض ابقاء ساختمان در ماده ۱۴ سال ۱۳۹۶ و ماده ۱۲ سال ۱۳۹۷ بیش از یک برابر (نیم، یک و یک و نیم) آن مغایر و خارج از حدود و اختیارات شورای اسلامی شهر اهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.» لذا همان طور که مستحضری در بند (ج) رأی شماره ۸۳۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مقرر گردید «با عنایت به اینکه در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض بعد از ابقاء اعیانها از حقوق دیوانی شمرده شده و در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۶ با اصلاحات بعدی، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحات بعدی، تعیین نوع و میزان عوارض از

رسیدگی و نتیجه را جهت اطلاع و بهره‌برداری به شهرداری تاکستان ابلاغ فرمایند. «
۲- متن رأی شماره ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵ و ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی به شرح زیر است:

دادنامه شماره ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵:

الف -

.....

ج - با عنایت به اینکه در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض بعد از ابقاء اعیانها از حقوق دیوانی شمرده شده و در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحات بعدی، تعیین نوع و میزان عوارض از

اختیارات شورای اسلامی بوده و برای جلوگیری از تخلف متخلفان ساختمانی لازم است عوارض متناسب وضع شود و حتماً نباید آن عوارض با عوارض تعیین شده برای شهروندان قانون مدار یکسان باشد. لذا وضع عوارض بیش از یک برابر (یک و نیم، دو و سه برابر) در جدول بند (الف) ماده ۱۴ عوارض ابقاء ساختمانها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات نیست و ابطال نشد.

دادنامه شماره ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵:

طبق آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص وضع عوارض برای بناهای احدائی ابقاء شده در کمیسیون ماده صد شهرداری فقط عوارض صدور پروانه ساخت مثل سایر شهروندان، علاوه بر جرایم مندرج در آراء کمیسیونها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص داده نشده است لیکن علاوه بر آن مثل یک و نیم برابر یا دو و چند برابر از جمله عوارض مضاعف محسوب و فاقد وجهت قانونی و برخلاف آراء هیأت عمومی از جمله رأی شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ بوده و عوارض ابقای ساختمان در مواد ۱۴ سال ۱۳۹۶ و ماده ۱۲ سال ۱۳۹۷ دستورالعمل تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شهرداری اهر مصوب شورای اسلامی شهر اهر مبنی بر وضع عوارض بیش از یک برابر (نیم، یک و یک و نیم) آن مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۳- معاون نظارت و بازرسی دیوان عدالت اداری به موجب گزارش شماره ۱۳۹۸/۴/۲۵ - ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی به استحضار می‌رساند: هیأت عمومی دیوان در خصوص عوارض برای بناهای احدائی که توسط رأی کمیسیون ماده صد ابقاء شده‌اند آرای متعارض صادر نموده‌اند. هیأت مذکور در رأی شماره ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵ وضع عوارض فوق‌الذکر را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای شهر تشخیص نداده و مصوبه شورای شهر را ابطال ننموده ولی در رأی شماره ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ در خصوص وضع عوارض برای بناهای احدائی ابقاء شده توسط رأی کمیسیون ماده صد، این گونه عوارض را عوارض مضاعف محسوب نموده و آن را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص داده است. بنابراین با توجه به صدور آرای متعارض توسط هیأت عمومی پیشنهاد می‌گردد که موضوع در راستای ماده ۹۱ مورد بررسی قرار گیرد.

۴- رئیس دیوان عدالت اداری پس از ملاحظه گزارش معاون نظارت و بازرسی دیوان عدالت اداری موضوع را جهت بررسی به هیأت تخصصی مربوط ارجاع می‌کند و پس از ملاحظه نظر اکثریت هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری در همامش گزارش مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ موضوع را به هیأت عمومی ارجاع می‌کند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض دادنامه‌های شماره ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵ و ۹۳۶ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص وضع عوارض برای بناهای احدائی که بر مبنای رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ابقاء شده‌اند، محرز است.

ب - بر اساس رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه‌های شماره ۱۰۳۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و ۱۷۴۸ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ این هیأت، وضع عوارض برای بناهای احدائی ابقاء شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری صرفاً در رابطه با عوارض صدور پروانه ساخت مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات نیست و علاوه بر آن مانند یک و نیم برابر یا دو و یا چند برابر از مصادیق عوارض مضاعف محسوب شده و دریافت آن فاقد وجهت قانونی و برخلاف مفاد آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ این هیأت است. بنا به مراتب فوق، بند «ج» دادنامه شماره ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که بر مبنای تأیید عوارض مذکور صادر شده، مبتنی بر اشتباه بوده و مستند به ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان

عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نقض شده و بند «الف» ماده ۱۴ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر باسمنج نیز مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۹۴۴

۱۴۰۰/۴/۲۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۱۱۰۱ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ با موضوع: «ماده ۴۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری شهر سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹ و تبصره ۲ ماده ۴۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹ ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۹ شماره دادنامه: ۱۱۰۱ شماره پرونده: ۹۹۰۱۹۴۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای احمد مثنویون مطلق

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- ماده ۴۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری شهر سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹

۲- تبصره ۲ ماده ۴۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری شهر سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال ماده ۴۱ و تبصره ۲ ماده ۴۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری شهر سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«پیرو ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و اجرای اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رعایت صلاحیت وفق بند (الف) از ماده ۱۰ قانون مذکور به مواد ذیل از مصوبه شورای شهر سمنان اعتراض داشته و وفق دلایل و منضمات پیوست تقاضای ابطال آن از محضر شریفتان خواستارم.

۱- ماده ۴۱ مصوبه مبنی بر اخذ هزینه آماده‌سازی و تبصره‌های آن به شماره ۱ الی ۸ از آنجاییکه طبق بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری، ایجاد خیابانها، کوچه‌ها، میدان‌ها، باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود مقررات موضوع از وظایف شهرداری‌ها است و در قوانین موضوعه فقط در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت اراضی املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداریها در هنگام تقاضای ورود به محدوده و استفاده از امکانات شهری هزینه آماده‌سازی به عهده مالکین گذاشته شده است. بنابراین اخذ وجه تحت عنوان هزینه آماده‌سازی مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات بوده و همچنین موضوع قبلاً نیز برای شهرداری سرخه مطرح گردیده که منجر به صدور رأی از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۱۵۱ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ گردیده است. لازم به ذکر است ملک فوق خارج از محدوده شهری و بدون خدمات شهری بوده و پرداخت چنین مبلغی دور از انصاف و حقوق شهروندی می‌باشد.

۲- تبصره ۲ از ماده ۴۷ مصوبه مبنی بر پرداخت همزمان جریمه، عوارض، بهای

خدمات در صورت ابقا بنا از کمیسیون ماده ۱۰۰

همانطور که مستحضرد نظر به اینکه وضع قاعده آمره در باب چگونگی اخذ وجه از جمله عوارض شهرداری و جرایم تخلفات ساختمانی به قوه مقننه اختصاص دارد و قانونگذار در این زمینه مرجع تعیین عوارض مذکور و کیفیت احتساب جرایم تخلفات ساختمانی و نحوه وصول آنها تعیین تکلیف کرده است از آنجایی که قانونگذار در تبصره ۴ از ماده ۱۰۰ شهرداریها جریمه را با تأیید استحکام بنا مجاز تلقی و صرفاً عدم پرداخت جریمه را در وقت مقرر موقوف به صدور رأی تخریب بنا در تبصره ۲ و ۳ ماده ۱۰۰ اشاره نموده همچنین جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ ارتباطی به عوارض نداشته و مرجع تشخیص آن متفاوت بوده است کماکان در مصوبه شورای شهر اسلامی دریافت عوارض را به روز موقوف کرده و تأخیر یا فرار از پرداخت عوارض و ... ضرری به شهرداری وارد نمی‌کند. بلکه تأخیر آن بیشتر به ضرر شهروند می‌باشد. لذا شهرداری تلاش داشته با تصویب تبصره ۲ از ماده ۴۷ مصوبه مذکور جریمه کمیسیون را ضمانت پرداخت عوارض و ... خود

مالکین اراضی و اجرای آن به عهده شهرداری خواهد بود که در راستای اقدام شهرداری هزینه‌های مربوطه بر اساس تعرفه مصوب عوارض شهرداری هر سال از مالکین بهره‌بردار از اراضی حریم شهر وصول خواهد شد شایان ذکر است جهت اقدامات عمرانی شهرداری در حریم شهر در ردیف بودجه سالانه هزینه‌های اختصاص نمی‌یابد. شاکای دلائل مغایرت قانونی ماده ۴۱ تعرفه عوارض سال ۹۹ شهرداری سمنان را الف - بند یک ماده ۵۵ قانون شهرداری و ب - رأی شماره ۱۱۵۱ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اعلام نموده که رأی مورد استناد هیأت عمومی دیوان عوارض تحت عنوان هزینه آماده‌سازی معابر مصوب شورای اسلامی شهر سرخه را ابطال نموده است. در خصوص بند (الف) با عنایت به مراتب فوق و مواد قانونی اشاره و نحوه اجرای هزینه‌های محدوده و حریم شهر اعتراض شاکای فاقد وجهت قانونی و قابل پذیرش نمی‌باشد. توضیحاً در خصوص بند (ب) مربوط به رأی شماره ۱۱۵۱ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ به استحضار می‌رساند شاکای پرونده رأی مذکور به موجب دادخواست تقدیمی به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال عبارت «همچنین بناهایی که قبلاً احداث شده و فاقد پروانه هستند» از عوارض آماده‌سازی موضوع ماده ۱۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ شهرداری سرخه را نموده است در ماده ۱۷ تعرفه عوارض سال ۹۵ شهرداری سرخه که شاکای خواهان ابطال قسمتی از ماده مذکور بوده است با این عبارت «تعرفه هزینه آماده‌سازی برای کلیه املاک که قصد تفکیک دارند اخذ پروانه و همچنین بناهایی که قبلاً احداث شده و فاقد پروانه می‌باشند تعرفه عوارض محلی مصوب شورای شهر سرخه در سال ۱۳۹۵ را قابل اجرا دانسته است.» با عنایت به اینکه ماده ۱۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ شهرداری سرخه مربوط به اراضی و املاک داخل در محدوده شهر بوده که بر اساس بند یک ماده ۵۵ قانون شهرداری مشمول دریافت هزینه آماده‌سازی از مالکین اراضی نخواهد بود و اجرای آن به عهده شهرداری مربوطه است و به همین لحاظ تعرفه مزبور بر دریافت هزینه آماده‌سازی در محدوده شهر مغایر با قوانین و مقررات خارج از حدود وظایف شهرداری تشخیص داده شده و ابطال گردیده است. با عنایت به موارد فوق‌الذکر و دلائل توجیهی بیان شده و قوانین و مقررات موضوعه و با این توضیح که ماده ۴۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهری شهرداری سمنان در سال ۱۳۹۹ مربوط به اراضی خارج از محدوده شهر (حریم شهر و خدمات قانونی) به تصویب رسیده که مربوط به اراضی بلافضل پیرامون محدوده شهر می‌باشد و با شرح وظایف شهرداری مندرج در بند یک ماده ۵۵ قانون شهرداری تسری نداشته و تأمین هزینه‌های آماده‌سازی این اراضی خارج از حدود وظایف قانونی شهرداری می‌باشد. مضافاً هزینه آن در ردیف بودجه سالانه شهرداریها تأمین نخواهد شد. بنا به مراتب معروضه و مواد قانونی اشاره شده رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - مطابق بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری، ایجاد خیابانها، کوچه‌ها، میدانها، باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود مقررات از وظایف شهرداریها است و در قوانین موضوعه نیز صرفاً در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت اراضی و املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداریها مقرر شده است که در هنگام تقاضای ورود به محدوده و استفاده از امکانات شهری، دریافت هزینه آماده‌سازی از مالکین مجاز است. بنا به مراتب فوق، اطلاق ماده ۴۱ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ شهرداری سمنان که با عنوان آماده‌سازی به تصویب شورای اسلامی شهر سمنان رسیده و متضمن اخذ وجه در سطح شهر تحت عنوان هزینه آماده‌سازی معابر و شوارع است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - با توجه به اینکه بر مبنای دادنامه‌های شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، جرایم مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری به عنوان مجازات تخلفات ساختمانی و عوارض شهری با عنوان حقوق دیوانی از یکدیگر متمایز دانسته شده و ضمانت اجرای متفاوتی نیز بر عدم پرداخت جرایم مذکور و عوارض فوق‌الاشاره مترتب بوده و نحوه وصول آنها هم در قوانین مربوطه پیش‌بینی شده است، بنابراین حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۴۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ شهرداری سمنان که متضمن اخذ همزمان جریمه کمیسیون و عوارض یا بهاء خدمات متعلقه بوده و به تصویب شورای اسلامی شهر سمنان رسیده، خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

نماید که با عدم صدور قبض جریمه منجر به صدور حکم تخریب از کمیسیون ماده ۱۰۰ گردد تا شهروندان از ترس قلع بنا مبالغی که شهرداری مطالبه می‌نماید را پرداخت نمایند نتیجتاً این امر بر خلاف قانون و حقوق شهروندی بوده و تصویب تبصره مذکور خارج از حدود اختیارات شورا می‌باشد.

متن تعرفه‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف: ماده ۴۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری شهر سمنان مربوط به سال ۱۳۹۹ ماده ۴۱: آماده سازی

مالکینی که املاک آنها در محدوده خدمات قانونی و حریم شهر واقع می‌گردند مشمول پرداخت هزینه آماده‌سازی معابر می‌گردند لذا موظفند هزینه‌های مذکور را به شرح ذیل پرداخت نمایند:

(هزینه آماده‌سازی شامل: هزینه خاک برداری، زیرسازی، جدول‌گذاری و آسفالت می‌باشد)

هزینه آماده‌سازی به ازای هر متر از عرض مشرف به معبر زمین به ریال:

($1/800/000$) × (طول دهانه مشرف به معبر) × (عرض معبر) × (0.50)

تبصره ۱: در معابر بالای ۲۰ متر حداکثر عرض معبر ۲۰ متر در نظر گرفته شود.

تبصره ۲: هزینه آماده‌سازی در زمان صدور پروانه احداث بنا، نقل و انتقال فقط برای یک بار قابل وصول خواهد بود.

تبصره ۳: هزینه آماده‌سازی مشمول کلیه بره‌های مشرف به خیابان می‌گردد.

تبصره ۴: در زمان نقل و انتقال اراضی خارج از محدوده، هزینه آماده‌سازی تفهیم و در زمان صدور پروانه بروز محاسبه و وصول خواهد شد.

تبصره ۵: آماده‌سازی املاکی که در سنوات قبل انجام و هزینه آن پرداخت نگردیده

به شرح ذیل وصول گردد.

قبل از سال ۹۰ = ۵۰٪ هزینه آماده سازی	بعد از سال ۹۰ = به صورت کامل
--------------------------------------	------------------------------

تبصره ۶: در صورت ارائه مستندات از سوی مالکین مبنی بر انجام عملیات آماده‌سازی در سنوات گذشته توسط مالکین یا مسکن و شهرسازی و غیره از شهرداری که مورد تأیید شهرداری واقع گردد، شهرداری حق دریافت هیچ‌گونه هزینه آماده‌سازی را ندارد اما آماده‌سازی املاکی که در سنوات قبل توسط شهرداری سمنان انجام و هزینه آن دریافت نگردیده در زمان مراجعه بر مبنای تعرفه روز محاسبه و اخذ گردد.

تبصره ۷: در خصوص اراضی وقفی آماده‌سازی به صورت ۷۰٪ وصول گردد.

تبصره ۸: پلاک‌هایی که دارای هرگونه بنا در سنوات قبل می‌باشند در صورتی که بنای احداث شده تخلف محسوب نشود مشمول آماده‌سازی نمی‌گردند.

ب: تبصره ۲ ماده ۴۷ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری شهر سمنان مربوط

به سال ۱۳۹۹

مبلغ جریمه کمیسیون و عوارض یا بهاء خدمات متعلقه می‌بایست به صورت همزمان وصول گردد. در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر سمنان به موجب لایحه شماره ۱۵/۹۹/۱۴۲۴ - ۱۳۹۹/۹/۹ این گونه توضیح داده است که:

«اولاً دادخواست خواهان دارای ایراد شکلی است و قابلیت طرح در مراجع قضائی را ندارد. زیرا خواهان در دادخواست تقدیمی و مستندات ضمیمه آن برای اثبات مالکیت خود جهت طرح شکایت به طرفیت شورای اسلامی شهر سمنان به مباحثه نامه‌های عادی استناد نموده و به استناد اسناد عادی مذکور خود را مالک قانونی پلاک ثبتی ۴۹ تفکیکی از پلاک ثبتی ۳۵۶۰ بخش یک سمنان معرفی نموده و به عنوان خواهان علیه شورای اسلامی شهر سمنان طرح شکایت نموده است و مدعی است که شهرداری سمنان در زمان محاسبه عوارض مربوط به پلاک ثبتی مذکور عوارض آماده‌سازی را از وی که خود را مالک پلاک ثبتی می‌داند مطالبه نموده است. نظر به اینکه بر اساس مستندات ضمیمه دادخواست شاکای مالک قانونی پلاک ثبتی نبوده لذا دادخواست از لحاظ شکلی دارای ایراد است و قابلیت طرح در مراجع قضایی را ندارد.

در پاسخ به ماهیت دعوا به استحضار می‌رساند مستند به مواد ۲ و ۵۵ قانون شهرداری و

ماده ۱ و ۲ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا و شهرک وظایف قانونی شهرداری در دو حوزه متفاوت الف - محدوده قانونی شهر - حریم شهر به طور مجزا تعیین گردیده و برای هر کدام از آنها قانون گذار مقررات خاصی را مقرر داشته است. شهرداریها علاوه بر وظایف قانونی خود در محدوده شهر که توسط مراجع قانونی به تصویب رسیده در حریم شهر و محدوده خدمات قانونی آن وظایفی را به عهده دارند که در این خصوص مستلزم تأمین هزینه‌های خدماتی از جمله هزینه آماده‌سازی می‌باشد که به دلیل عدم شمول اراضی و املاک واقع در حریم شهر به بند یک ماده ۵۵ قانون شهرداری تأمین هزینه‌های آماده‌سازی خارج از حدود وظایف شهرداری می‌باشد و به عبارت دیگر احداث خیابان‌ها و کوچه‌ها و معابر در محدوده شهر و تأمین هزینه‌های آماده‌سازی و اجرای آن به عهده شهرداری و تأمین هزینه آماده‌سازی در حریم شهر بر عهده

شماره ۹۹۰۲۴۹۱

۱۴۰۰/۴/۲۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۱۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ با موضوع: «اعلام تعارض کارکنان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خارج از شمول مقررات کانون کار می‌باشند.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۴/۱ شماره دادنامه: ۱۱۱۲ شماره پرونده: ۹۹۰۲۴۹۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواست اشخاص به خواسته اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و الزام به پرداخت حقوق و مطالبات، با توجه به اینکه یا کارکنان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مشمول قانون کار می‌باشند یا خیر، شعب دیوان عدالت اداری آراء متفاوتی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۶۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۸۰۹۹۸۰۹۰۱۱۰۰۴۸۳ با موضوع دادخواست آقای سعید امیدی به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمال شرق تهران و به خواسته اعتراض به رأی شماره ۱۰۸۱۹-۱۳۹۸/۱/۲۷ هیأت حل اختلاف کار به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۱۱۰۰۵۸۳-۱۳۹۹/۲/۲۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست آقای سعید امیدی به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمال شرق تهران به خواسته اعتراض به رأی شماره ۱۰۸۱۹-۱۳۹۸/۱/۲۷ هیأت حل اختلاف کار با بررسی مدارک ابرازی از جمله شکایت شاکی عدم وصول لایحه دفاعیه از سوی خواننده با وجود ابلاغ نسخه ثانی دادخواست و ضامنه ادعای مطروحه را مقرون به صحت تشخیص داد و نظر به اینکه کارکنان شاغل در نهادهای انقلابی و وابسته به آن در اجرای دادنامه شماره ۱۲۷ - ۱۳۷۹/۳/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مشمول قانون کار شناخته شده‌اند لذا هیأت مربوطه مکلف است به رسیدگی به اختلاف طرفین و لذا حکم به ورود شکایت و نقض رأی معترض‌عنه و ارجاع امر به هیأت مربوطه جهت رسیدگی مجدد در اجرای مواد ۱۰ - ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری خواهد بود.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافت.

ب: شعبه ۳۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۰۳۶۸۵ با موضوع دادخواست آقای یوسف ظاهری نژاد به طرفیت بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس (ستاد کل نیروهای مسلح) - اداره کل تأمین اجتماعی استان خوزستان و به خواسته ۱- الزام به بازگشت به کار ۲- الزام به پرداخت ۳ درصد حق بیمه بیکاری و حق سعی ۳- الزام به احتساب سوابق حق پرداخت حق بیمه و برقراری مقرری بیمه بیکاری به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۰۲۴۴۳-۱۳۹۸/۶/۱۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به اینکه بر اساس ماده ۱ قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶ بیمه بیکاری مخصوص مشمولین قانون کار است در حالی که به کارگیری شاکی همان گونه که در صدر قرارداد سال ۱۳۹۷ منعقد شده بین شاکی و بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس ذکر شده است. به استناد ماده ۱۳ اساسنامه بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۸ صورت گرفته است و بنیاد حفظ آثار، تابع ضوابط مصوب هیأت امنا است و کارکنان آن مطابق ماده ۱۸۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ از شمول قانون کار خارج‌اند و با عنایت به اینکه در ماده ۱۶ قرارداد تصریح شده است «این قرارداد هیچ‌گونه تعهدی مبنی بر استخدام رسمی یا پیمانی را از طرف بنیاد برای داوطلب یا تعهد دیگری جز آن چه در متن این قرارداد ذکر شده برای بنیاد به وجود نخواهد آورد» و با توجه به اینکه در ماده ۱۱ قرارداد، موارد جواز فسخ آن قبل از انقضاء مدت پیش‌بینی شده است که بند (ج) آن مربوط به تعدیل نیرو است و شاکی در مقام تعدیل نیرو از خدمت رها شده است، بنابراین به جهت عدم شمول مقررات کار بر روابط طرفین و لحاظ مندرجات مفاد قرارداد، حکم به رد شکایت شاکی صادر می‌گردد. این رأی برابر ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب

تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است. (لازم به ذکر است شاکی چنانچه معتقد به شمول مقررات قانون کار بر روابط خویش با بنیاد است به استناد ماده ۱۵۷ قانون کار می‌بایست جهت احقاق حقوق مورد مطالبه به اداره کار محل مراجعه و طرح دعوا نماید.)

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - براساس تبصره ۲ لایحه قانونی عدم شمول مقررات قانون کار درباره کارکنان نهادهای انقلابی مصوب ۱۳/۴/۱۳۵۹: «نهادهای انقلابی به ارگانهای اطلاق می‌گردد که بنا به نیاز دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران (۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷) به بعد با تصویب مراجع قانونگذاری به وجود آمده است.» نظر به اینکه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس براساس مقدمه اساسنامه بنیاد مذکور مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۸ به موجب فرمان مقام معظم فرماندهی کل قوا در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۲ تأسیس شده و مطابق ماده ۲ اساسنامه یادشده، هدف از تشکیل آن «حفاظت و بهره‌برداری از آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و ثبت حماسه‌های جاودانه امت اسلام و آثار آن در شئون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی» است، لذا بنیاد فوق از مصادیق نهادهای انقلابی موضوع تبصره ۲ لایحه قانونی عدم شمول مقررات قانون کار درباره کارکنان نهادهای انقلابی محسوب می‌شود و از شمول مقررات قانون کار خارج است. بنا به مراتب فوق، دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۰۲۴۴۳-۱۳۹۸/۶/۱۱ صادره از شعبه ۳۲ بدوی دیوان عدالت اداری که بر مبنای همین استدلال بر رد شکایت صادر شده و کارکنان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را خارج از شمول مقررات قانون کار اعلام کرده، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

۱۴۰۰/۴/۲۸

شماره ۹۹۰۱۶۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۱۱۴ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۱۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ با موضوع: «اعلام تعارض اصلاح عنوان شغلی در لیست بیمه در صلاحیت هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار می‌باشد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۴/۱ شماره دادنامه: ۱۱۱۵ - ۱۱۱۴

شماره پرونده‌ها: ۹۹۰۱۷۱۱ - ۹۹۰۱۶۲۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص صلاحیت هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار در رسیدگی به خواسته اصلاح عنوان شغلی در لیست بیمه، شعب دیوان عدالت اداری متعارض صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: در خصوص دادخواست اشخاص به طرفیت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران و به خواسته اعتراض به آراء هیأت‌های حل اختلاف و تشخیص اداره کار مبنی بر تعیین مرجع صالح در رسیدگی به دعاوی مربوط به اصلاح عناوین شغلی، شعبه ۵۱ بدوی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه‌های شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۷۷۰۱۳۷۵ - ۱۳۹۹/۳/۲۴ و ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۷۷۰۱۰۷۷ - ۱۳۹۹/۳/۷، شعبه ۶۱ بدوی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۱۱۰۲۸۹۳ - ۱۳۹۸/۸/۸، شعبه ۶۴ بدوی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۲۳۱۹ - ۱۳۹۸/۷/۲۰ و شعبه ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۱۷۲۹ - ۱۳۹۹/۶/۲۴ ضمن نقض دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۰۶۲۸ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۰۶۲۸ صادره از

شعبه ۵۲ بدوی دیوان عدالت اداری مستدل به اینکه اختلاف در تعیین عنوان شغل کارگر در اجرای بند (الف) ماده ۱۰ قانون کار از جمله موضوعات دعاوی ناشی از کار تلقی می‌گردد که در اجرای ماده ۱۵۷ قانون کار مراجع حل اختلاف اداره کار صلاحیت رسیدگی به اختلاف فی‌مابین کارگر و کارفرما را دارا می‌باشند، بنابراین حکم به ورود شکایت صادر و مراجع حل اختلاف اداره کار را صالح به رسیدگی در خصوص موضوع فوق دانسته‌اند.

ب: شعبه ۴۸ بدوی دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست خانم زهرا محمودیان به طرفیت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران و به خواسته اعتراض به رأی هیأت تشخیص اداره کار جنوب غرب تهران مبنی بر صلاحیت سازمان تأمین اجتماعی در خصوص اصلاح عنوان شغلی، به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۴۰۲۵۲۶/۱۳۹۸/۶/۱۰، به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرده است: "با توجه به رونوشت مدارک شاکی، لایحه دفاعیه خوانده، اینکه ادعای اصلاح عنوان شغلی از طریق سازمان تأمین اجتماعی قابل پیگیری است و دادنامه شماره ۲۴-۱۳۹۵ هیأت تخصصی بیمه، کار و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری و عدم ارائه دلیل مؤثر از سوی شاکی و احراز مقررات مربوطه در صدور رأی معترض‌عنه، رأی مزبور را در مجموع غیرقابل تحدیش تشخیص، دعوی شاکی را وارد ندانسته و به استناد مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید." رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۵۰۳۱۳۶/۱۳۹۸/۱۱/۷ صادره از شعبه ۱۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری عیناً تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیره صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - اولاً: براساس بند (الف) ماده ۱۰ قانون کار، علاوه بر مشخصات طرفین باید نوع کار یا حرفه یا وظیفه‌ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد، در قرارداد کار قید گردد و اختلاف در درج عنوان شغلی در لیست بیمه به جهت اینکه از مصادیق اختلاف در اجرای ماده ۱۴۸ قانون کار است، با توجه به حکم مقرر در ماده ۱۵۷ همان قانون، اختلاف ناشی از اجرای قانون کار محسوب می‌شود و باید در مراجع حل اختلاف کار مورد رسیدگی قرار بگیرد. ثانیاً: رأی صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه‌های شماره ۳۰-۲۹ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ و ۸۵۳-۱۳۸۷/۱۲/۱۱ آن هیأت مبنی بر الزام سازمان تأمین اجتماعی به تبعیت از رأی مراجع حل اختلاف کار نافی صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری در بررسی اسناد و مدارک ارائه شده در دعوی الزام آن سازمان به اصلاح عنوان شغلی نخواهد بود و عندالاقضاء شعب دیوان عدالت اداری در صورت احراز وجود ایراد در آراء هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف کار، رأی مقتضی را صادر خواهند کرد. ثالثاً رسیدگی سازمان تأمین اجتماعی به درخواست کارگر مبنی بر اصلاح عنوان شغلی مندرج در لیست بیمه ارسالی از سوی کارفرما فاقد مینا و مستند قانونی است. بنا به مراتب فوق، دادنامه شماره ۱۷۲۹-۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۱۳۹۹/۶/۲۴ صادره از شعبه ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری که در مقام نقض دادنامه شماره ۶۲۸-۹۸۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۰۶۲۸/۱۳۹۹/۳/۶ صادره از شعبه ۵۲ بدوی دیوان عدالت اداری صادر شده و همچنین دادنامه شماره ۱۸۰۲۳۱۹-۹۸۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۲۳۱۹/۱۳۹۸/۷/۲۰ صادره از شعبه ۶۴ بدوی دیوان عدالت اداری که بر مبنای استدلال فوق رسیدگی به خواسته اصلاح عنوان شغلی در لیست بیمه را در صلاحیت هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف کار دانسته و بر ورود شکایت صادر شده‌اند، صحیح و منطبق با موازین قانونی هستند. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۲۱۷۳

۱۴۰۰/۴/۲۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۱۱۲۰ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ با موضوع: «اعلام تعارض تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان قراردادی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به پیمانی بدون شرکت در آزمون فاقد وجهت قانونی است.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۴/۱ شماره دادنامه: ۱۱۲۰ شماره پرونده: ۹۹۰۲۱۷۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقای عدالت لطفی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص لزوم شرکت در آزمون جهت تبدیل وضعیت استخدامی

کارکنان قراردادی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به پیمانی، شعب دیوان عدالت اداری آراء متفاوتی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره

۹۹۰۹۹۸۰۹۰۲۳۰۰۵۵۴ با موضوع دادخواست آقای عدالت لطفی به طرفیت ۱- سازمان

اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۲- سازمان اداری استخدامی کشور و به خواسته

تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانی بر اساس ماده ۱ قانون احکام دائمی و بند (ج) ماده ۹

آیین‌نامه استخدامی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۱۰۱۲-۱۳۹۹/۵/۲۲ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی فوق‌الذکر به طرفیت خواندگان فوق‌الذکر به خواسته

فوق‌الاشعار این شعبه با بررسی محتویات پرونده، ملاحظه شکایت شاکی و دلایل

مستندات ارائه شده از ناحیه‌ایشان نظر به آراء وحدت رویه شماره ۱۳۹۶/۲/۱۲، ۶۵۹-۶۵۶

مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۸، ۹۱-۸۷ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و

ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مبنی بر اینکه استخدام پیمانی و رسمی وفق

ضوابط مندرج در قانون مدیریت خدمات کشوری که تنها با رعایت سقف اعتبارات و

مجوزهای استخدامی به ترتیب با تشخیص معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی

رئیس‌جمهور و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور در استخدام پیمانی

و رسمی نیروی انسانی مورد نیاز با برگزاری آزمون استخدامی از طریق نشر آگهی عمومی

مقدور است لذا شاکی از طریق شرکت و قبولی در آزمون عمومی با نشر آگهی سراسری

می‌تواند تبدیل وضع شود بنابراین شکایت شاکی را موجه ندانسته و مستنداً به مواد ۱۰ و

۶۵ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت شاکی صادر و

اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر

دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۱۵۸۵/۱۳۹۹/۶/۲۲ در

شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۴۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره

۹۴۰۹۹۸۰۹۰۴۴۰۱۳۶۷ با موضوع دادخواست خانم راهله فرخی به طرفیت ۱- سازمان

اسناد و کتابخانه ملی ۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به خواسته تبدیل وضع

استخدامی از قرارداد کار معین به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۴۰۰۳۷۲-۹۵۰۹۹۷۰۹۰۴۴۰۰۳۷۲

به شرح زیر رأی صادر کرده است:

۱- با ملاحظه ادله و مدارک ابزازی از جمله قراردادهای منعقد شده بین شاکی و

سازمان اسناد و کتابخانه ملی که از تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱ تاکنون بدون فاصله خدمتی

شاکی در سازمان مذکور تحت عنوان قرارداد کارمکن، اشتغال به خدمت داشته است.

۲- نظر به اخذ دانشنامه کارشناسی و کارشناسی ارشد از طرف شاکی ۳- نظر به

اینکه مطابق ماده ۱ قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب

۱۳۶۹/۸/۲، کتابخانه مذکور مؤسسه‌ای آموزشی - تحقیقاتی است. ۴- نظر به مفاد

مواد ۷ و ۸ قانون اخیرالذکر که تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و نصب و

عزل کلیه کارکنان کتابخانه را به ترتیب بر عهده هیأت‌امنا و رئیس کتابخانه قرارداد

است. ۵- نظر به بند ۳ مصوبه شماره ۹۴/۱۰۶۱-ص ۱۳۹۱/۲/۱۹ هیأت امنای

سازمان اسناد و کتابخانه ملی که متعین تجویز به سازمان مذکور جهت تبدیل وضع

استخدامی کارکنان قرارداد کارمکن به پیمانی که حداقل دارای ۵ سال سابقه خدمت

مستمر در سازمان بوده و مدرک تحصیلی دانشگاهی داشته باشند. ۶- نظر به اینکه

مطابق با بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه مؤسسات پژوهشی که مصوبات

و آیین‌نامه‌های استخدامی آنها به تصویب هیأت‌امنا و تأیید رئیس‌جمهور برسد از

حکم ماده ۵۱ قانون برنامه پنجم توسعه که هرگونه به کارگیری نیروی انسانی رسمی

و پیمانی در دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت را ممنوع کرده است را

مستثنی نموده است. همچنین نظر به اینکه شاکی استخدام کتابخانه ملی بوده و بار

مالی اضافی نیز با تبدیل وضعیت ایشان به دستگاه وارد نمی‌کنند بنابراین با رد

دفاعیات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی شاکی

را وارد و ثابت دانسته، مستند به قوانین و مقررات پیش گفته و ماده ۱۱ قانون

تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری، ضمن صدور حکم به ورود شکایت

شاکی، هر دو طرف شکایت را به تبدیل وضعیت استخدامی شاکی از قرارداد انجام

کارمعیان به پیمانی ملزم می‌نماید. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۴۰۲۰۷۸ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۶۴۰۱۲/۴ در شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۲۸ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۴۱۰۲۱۸۹ با موضوع دادخواست آقای صمد مرادی به طرفیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی - سازمان اداری و استخدامی کشور و به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۱۰۱۴۴۹ - ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۱۰۱۴۴۹ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به بررسی اوراق و محتویات پرونده مطابق بند ۳ مصوبه هیأت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی به شماره ۹۱/۱۰۶۱/ص - ۱۳۹۱/۲/۱۹ تبدیل وضع استخدامی کارکنان قرارداد کار معین به پیمانی که حداقل دارای ۵ سال سابقه خدمت مستمری در سازمان بوده و مدرک تحصیلی دانشگاهی داشته باشند، تجویز گردیده است و با عنایت به اینکه مطابق ماده ۱ قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه ملی مؤسسه‌ای آموزشی، علمی و تحقیقاتی است لذا مشمول مقررات ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ و بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه می‌باشد و در چارچوب مصوبات هیأت امنای اداره می‌شود و از آنجا که شاکی نیز واجد شرایط مذکور در بند ۳ صدرالذکر می‌باشد. بنابراین شکایت مطروحه موجه تشخیص و مستنداً به ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

این رأی به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی یافت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - اولاً: براساس ماده ۱ قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹، کتابخانه ملی مؤسسه‌ای است آموزشی (علمی)، تحقیقاتی و خدماتی زیر نظر مستقیم ریاست جمهوری که طبق مقررات این اساسنامه اداره خواهد شد و از این رو از مصادیق دستگاههای اجرایی محسوب می‌شود. ثانیاً: در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و به موجب ماده ۵۷ قانون مذکور مقرر شده بود که: «جذب نیروی انسانی به صورت رسمی یا پیمانی در قوه مجریه با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی به ترتیب با تشخیص و تأیید معاونت (برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور) و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور موکول به آزمون عمومی است» و صرفاً به استناد تبصره ۲ ماده ۵۷ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، «تبدیل وضعیت پیمانی به رسمی با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی با تشخیص و تأیید معاونت (برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور) و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور نیاز به آزمون نداشته است. بنا به مراتب فوق و با توجه به اینکه مجوز شماره ۲۲۰/۹۲/۲۹۰۸ - ۱۳۹۲/۲/۱۸ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور در اختصاص ۴۰۰ سهمیه استخدامی به کتابخانه ملی ایران مستند به تبصره ۲ ماده ۵۷ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (درخصوص تبدیل وضعیت پیمانی به رسمی) بوده و برای تبدیل وضعیت کارکنان قرارداد کار معین به پیمانی (موضوع بندهای ۲ و ۳ مصوبه شماره ۹۱/۱۰۶۱/ص - ۱۳۹۱/۲/۱۹ هیأت امنای کتابخانه ملی ایران) مجوزی ارائه نشده است، بنابراین خواسته شاکیان مبنی بر الزام به تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به پیمانی بدون شرکت در آزمون عمومی فاقد وجهت قانونی است و دادنامه شماره ۱۰۱۲۰۲۳۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۱۰۱۲ - ۱۳۹۹/۵/۲۲ صادره از شعبه ۳۰ بدوی دیوان عدالت اداری که بر همین اساس رد شکایت صادر شده، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۰۰۰۰۳۸۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۱۷۰ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۱۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۴/۸ با موضوع: «درخصوص خواسته الزام به پرداخت فوق‌العاده جذب و مزایای مرخصی مناطق محروم به کارکنان سازمان بیمه سلامت ایران حکم به رد شکایت صحیح و منطبق با مقررات قانونی است» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۴/۸ شماره دادنامه: ۱۱۶۹ - ۱۱۷۰

شماره پرونده: ۰۰۰۰۳۸۸ - ۰۰۰۰۳۱۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقای مرادعلی قادرپور و مدیرکل حقوقی و امور مجلس سازمان بیمه سلامت ایران

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواست اشخاص مبنی بر پرداخت فوق‌العاده جذب و مزایای مرخصی مناطق محروم به کارکنان بیمه سلامت ایران، شعب دیوان آراء متفاوتی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۳۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۸۰۹۹۸۰۹۵۷۶۰۱۷۸۳ با موضوع دادخواست آقای مرادعلی قادرپور به طرفیت سازمان بیمه سلامت کرمانشاه - صندوق بازنشستگی کشوری و به خواسته پرداخت فوق‌العاده جذب و مزایای مرخصی ارفاقی خدمت در مناطق جنگی موضوع قانون جذب نیروی انسانی به مناطق محروم و دورافتاده جنگی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۷ به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۹/۳/۶ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۷۶۰۰۶۷۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است: در خصوص دادخواست شاکی به طرفیت خوانده به خواسته فوق‌الذکر با توجه به مندرجات اوراق پرونده و متن دادخواست شاکی و ضامنه پیوست نظر به اینکه مطابق تصاویر احکام کارگزینی پیوست خدمت نامبرده در مناطق محروم به لحاظ احصاء محل خدمت وی در لیست جدول گروه‌بندی کشور جزو مناطق محروم محرز است به استناد ماده ۲ قانون جذب نیروی انسانی به نقاط محروم و دورافتاده جنگی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۷ که برای مستخدمین شاغل در مناطق مذکور علاوه بر مرخصی استحقاقی حق استفاده از یک ماه مرخصی در ازای هر سال خدمت را منظور نموده که در صورت عدم استفاده از آن حقوق و فوق‌العاده‌های مربوطه در پایان هر سال تقویمی به وی پرداخت خواهد شد شکایت موجه تشخیص و به استناد مواد مذکور و ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و دادنامه شماره ۸۳ - ۸۷ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام خوانده به پرداخت موضوع شکایت مدت اشتغال شاکی در مناطق محروم اسلام آباد غرب از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵/۱۲/۲۹ بر اساس حقوق مندرج در آخرین حکم کارگزینی دوران خدمت صادر و اعلام می‌شود. در خصوص دعوی شاکی به طرفیت صندوق بازنشستگی کشوری مستند به بند (پ) ماده ۵۳ قانون دیوان قرار رد شکایت صادر می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور، شعبه ۲۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۹۹۰۲۸۱۴ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۹۹۰۲۸۱۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص تجدیدنظرخواهی به عمل آمده از دادنامه شماره ۶۷۱ - ۱۳۹۹/۳/۶ شعبه ۳۹ بدوی دیوان عدالت اداری که به موجب آن نسبت به خواسته تجدیدنظرخوانده مبنی بر الزام به پرداخت فوق‌العاده جذب و حقوق و مزایای مرخصی خدمت در مناطق محروم و دورافتاده از سال ۱۳۷۵ تا پایان سال ۱۳۸۵ حکم به ورود شکایت صادر شده است. با بررسی مندرجات اوراق پرونده و دقت در دفاعیات طرفین پرونده و در مستندات قانونی، صرف نظر از اینکه تجدیدنظرخوانده همه احکام کارگزینی خود را پیوست دادخواست بدوی ارسال نکرده است نظر به اینکه بر اساس ماده ۱ قانون جذب نیروی انسانی به نقاط محروم و دورافتاده مزایای قانون مذکور با شرایط مندرج در آن قانون به کارکنان دستگاه‌های دولتی مشمول قانون استخدام کشوری و مقررات استخدامی شرکتهای دولتی پرداخت می‌شده است و با توجه به اینکه سازمان بیمه سلامت ایران که

استفاده از یک ماه مرخصی در ازای هر سال خدمت با دریافت حقوق و فوق العاده مربوطه را دارا می‌باشند. لذا اولاً: در خصوص مطالبه مزایای قانون فوق‌الاشعار از تاریخ ۱۳۸۶ به بعد توسط شاکی با توجه به مصوبه شماره ۷۶۲۲۹/ت/۴۰۹۹۶هـ - ۱۳۸۸/۴/۱۰ هیأت وزیران که مناطق مشمول قانون جذب نیروی انسانی به مناطق محروم و ... را منحصر به دهستانها و روستاها نموده و محل اشتغال شاکی شهرستان بوده و خروج موضوعی از مقررات فوق دارد. ادعای شاکی را غیروارد می‌داند و ثانیاً: برابر احکام کارگزینی ارائه شده شاکی فوق‌العاده جذب مناطق محروم در سالهای ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۵ به شاکی پرداخت شده است که در قسمت‌های مذکور تجدیدنظرخواسته را نقض و رأی به رد شکایت صادر می‌شود و در خصوص سایر قسمت‌های دادنامه تجدیدنظرخواسته نظر به اوراق پرونده و مستندات ابرازی در مرحله بدوی اظهارات تجدیدنظرخواه در دادخواست تجدیدنظرخواهی و با عنایت به اینکه تجدیدنظرخواهی به عمل آمده نسبت به دادنامه تجدیدنظرخواسته به کیفیت نیست که موجبات نقض اساس دادنامه صادره را فراهم سازد و ایراد شکلی و ماهوی موثری از حیث رسیدگی بر آن وارد نمی‌باشد، بنابراین مستنداً به مواد ۷۱ و ۱۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ناظر به ماده ۳۴۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب در امور مدنی و آراء شماره ۱۹-۱۳۷۶/۳/۱۷، ۷۲۳-۱۳۸۶/۸/۲۲، ۴۵۹ الی ۴۹۶-۱۳۸۹/۱۱/۱۱، ۳۵ الی ۳۶-۱۳۹۲/۱/۲۶ و ۵۹۳-۱۳۸۷/۹/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده دادنامه تجدیدنظرخواسته را در این قسمت تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - اولاً: سازمان بیمه خدمات درمانی به موجب ماده ۵ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳، به صورت شرکت دولتی تأسیس شده و به موجب اصلاحیه ماده ۵ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۴/۸/۷، سازمان بیمه خدمات درمانی در صورتی تابع مقررات عمومی دولت و مؤسسات تشکیل شده با سرمایه دولت می‌شود که در مقررات مزبور صراحتاً از آن یاد شده باشد. همچنین بر مبنای تبصره ۲ ماده مذکور مقرر شده است که نحوه اداره و حدود و شمول عملیات و فعالیت سازمان بیمه خدمات درمانی بر طبق اساسنامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور به پیشنهاد شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. به موجب تصویب‌نامه شماره ۲/۱۷۷۸/ت/۱۴۸۶۱هـ - ۱۳۷۴/۲/۲۲ هیأت وزیران، اساسنامه سازمان مذکور به تصویب رسیده و به موجب ماده ۲ آن، سازمان بیمه خدمات درمانی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و براساس بند «ت» ماده ۱۰ و بند «ت» ماده ۱۷ این تصویب‌نامه، تصویب آیین‌نامه اداری، مالی، معاملاتی و استخدامی سازمان بیمه خدمات درمانی برعهده مجمع عمومی سازمان است و در نتیجه سازمان مذکور از شمول قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۵ و قانون مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب سال ۱۳۵۲ خارج است. ثانیاً: به موجب بند «ب» ماده ۳۸ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده است که: «به دولت اجازه داده می‌شود بخش‌های بیمه‌های درمانی کلیه صندوق‌های موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور را در سازمان بیمه خدمات درمانی ادغام نماید. تشکیلات جدید «سازمان بیمه سلامت ایران» نامیده می‌شود. کلیه امور مربوط به بیمه سلامت در این سازمان متمرکز می‌شود. اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران با پیشنهاد معاونت به تصویب هیأت وزیران می‌رسد...» در همین راستا، اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران نیز به موجب تصویب‌نامه شماره ۱۰۲۸۲۸/ت/۴۷۶۴۴هـ - ۱۳۹۱/۵/۲۲ به تصویب هیأت وزیران رسیده و براساس ماده ۲ آن مقرر شده است: «سازمان از ادغام بخش‌های بیمه درمانی کلیه صندوق‌های موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور در سازمان (صندوق) بیمه خدمات درمانی، تأسیس و بر اساس مفاد این اساسنامه، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و سایر قوانین مربوط اداره می‌شود و کلیه امور، وظایف و فعالیت‌های مربوط به بیمه سلامت در این سازمان متمرکز می‌گردد» و به موجب بند «د» ماده ۱۰ اساسنامه مذکور، تصویب آیین‌نامه اداری و استخدامی، مالی و معاملاتی سازمان بیمه سلامت برعهده هیأت امنای سازمان قرار داده شده است. با توجه به مراتب فوق و با توجه به اینکه مزایای قانون جذب نیروی انسانی به نقاط محروم و دورافتاده و مناطق جنگی مصوب سال ۱۳۶۷ شامل مستخدمینی است که مشمول قانون استخدام کشوری

قبلاً با نام سازمان بیمه خدمات درمانی بود بر اساس اساسنامه خاص خود که توسط هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۴ به تصویب رسیده و در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده و دارای شخصیت حقوقی مستقل اداره می‌شده و کارکنان آن سازمان بر اساس آن اساسنامه به کار گرفته می‌شوند علیهذا از مقررات قانون استخدام کشوری و مقررات استخدامی شرکتهای دولتی خارج بوده‌اند علیهذا تجدیدنظرخواهی موجب تشخیص می‌شود و به استناد آراء وحدت رویه صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله شماره ۲۲۵ - ۱۳۸۷/۴/۹ و شماره ۵۹۳ - ۱۳۸۷/۹/۳ و ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته به شماره یاد شده، حکم به رد شکایت تجدیدنظرخوانده صادر و اعلام می‌شود. این رأی قطعی است.

ب: شعبه ۲۸ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۸۰۹۹۸۰۹۰۴۱۰۰۷۹۳ با موضوع دادخواست آقای مرتضی سنجابی به طرفیت اداره بیمه سلامت کرمانشاه و به خواسته پرداخت فوق‌العاده مرخصی مناطق محروم از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ به موجب دادنامه شماره ۱۴۴۶-۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۱۰۱۴۴۶ - ۱۳۹۸/۷/۱۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با توجه به بررسی اوراق و محتویات پرونده و لایحه جوابیه مطابق ماده ۲ قانون جذب نیروی انسانی به نقاط محروم و دورافتاده و مناطق جنگی مستخدمین مشمول ماده یک قانون علاوه بر مرخصی استحقاقی به نسبت مدت خدمت در نقاط مذکور برابر قانون حق استفاده از یک ماه مرخصی در ازای هر سال خدمت با دریافت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط را خواهند داشت و با عنایت به اینکه طرف شکایت مدرکی دال بر پرداخت فوق‌العاده مذکور ارائه ننموده است و از طرفی دلیل و مدرکی که حاکی از این امر باشد که شاکی مشمول ماده ۴ قانون یاد شده می‌باشد و موظف به خدمت در محل خدمتی وی باشد ارائه نگردیده است بنابراین شکایت مطروحه موجه تشخیص و مستنداً به ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود آن صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره طرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۳۹۶۹-۹۸۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۳۹۶۹ - ۱۳۹۸/۱۰/۱۸ در شعبه ۲۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۳۱ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۸۰۹۹۸۰۹۰۶۰۰۴۸۴ با موضوع دادخواست آقای حسین حسینی به طرفیت ۱- سازمان بیمه سلامت ۲- دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه و به خواسته پرداخت وجوه مرخصی ارفاقی خدمت در مناطق جنگی موضوع قانون جذب نیروی انسانی به مناطق محروم و دورافتاده جنگی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۷ به موجب دادنامه شماره ۲۲۴-۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۰۴۸۴ - ۱۳۹۹/۱/۲۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست شاکی به طرفیت خوانده به خواسته فوق‌الذکر با توجه به مندرجات اوراق پرونده و متن دادخواست شاکی و ضمیمه پیوست نظر به اینکه مطابق تصاویر احکام کارگزینی پیوست خدمت نامبرده در مناطق محروم به لحاظ احصاء محل خدمت وی در لیست جدول گروه‌بندی کشور جزء مناطق محروم محرز است به استناد ماده ۲ قانون جذب نیروی انسانی به نقاط محروم و دورافتاده جنگی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۷ که برای مستخدمین شاغل در مناطق مذکور علاوه بر مرخصی استحقاقی حق استفاده از یک ماه مرخصی در ازای هر سال خدمت را منظور نموده که در صورت عدم استفاده از آن حقوق و فوق‌العاده‌های مربوطه در پایان هر سال تقویمی به وی پرداخت خواهد شد شکایت موجه تشخیص و به استناد مواد مذکور و ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ و دادنامه شماره ۸۳-۸۷ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام خواندگان به پرداخت موضوع شکایت مدت اشتغال شاکی در مناطق محروم به تناسب خدمت در هر یک از سازمان‌های خوانده بر اساس حقوق مندرج در آخرین حکم کارگزینی دوران خدمت صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور، شعبه ۲۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۱۲۸-۹۹۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۱۱۲۸ - ۱۳۹۹/۴/۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

مطابق مادتين ۱ و ۲ قانون جذب نیروی انسانی به نقاط محروم و دورافتاده و مناطق جنگی مصوب ۱۳۶۷ به منظور جذب و نگهداری نیروی انسانی به مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری و مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی که در نقاط محروم و دورافتاده و مناطق جنگی انجام وظیفه می‌کنند، فوق‌العاده‌ای به عنوان فوق‌العاده جذب و نگهداری پرداخت است و مستخدمین مزبور علاوه بر مرخصی استحقاقی که بر اساس مقررات مربوط به آنان تعلق می‌گیرد به نسبت مدت خدمت در نقاط محروم حق

تجدیدنظرخواهی مقرون به صحت تشخیص و ضمن نقض رأی معترض عنه با اجازه حاصله از ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

ب: شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست خانم طاهره روعفی به خواسته ابطال تصمیم صندوق بازنشستگی در خصوص انتقال کسور بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۲۰۰۸۳۸ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرده است:

مستفاد از ماده ۳ آییننامه اجرایی تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵/۳/۲۷ و اینکه تخلف از قوانین و مقررات از ناحیه طرف شکایت در روند اقدامات مورد اعتراض شاکی برای این مرجع در بررسی‌های به عمل آمده و حسب مدارک موجود احراز نگردید و اینکه شاکی دلیل، مدرک یا مستند متقنی که دلالت بر صحت ادعای وی و استحقاقش باشد ارائه ننموده است علیهذا نظر به مراتب معنونه و به مستفاد از قاعده فقهی «البینه علی المدعی» شکایت و ادعای شاکی را وارد و محرز ندانسته به استناد اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۱، ۱۰، ۱۷، ۵۸، ۶۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۲۹۸۲ - ۱۳۹۸/۱۰/۴ صادره از شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید گردیده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۵ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - اولاً: عمل صندوق بازنشستگی کشوری که به محاسبه و مطالبه مبلغ مابه‌التفاوت از شاکیان که به صندوق مذکور انتقال پیدا کرده‌اند، اقدام نموده، خلاف قوانین و مقررات نیست. زیرا طبق ماده ۳ آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی اصلاحی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۶ مقرر شده است که: «در مورد اشخاصی که طبق ضوابط قانونی و یا به لحاظ تغییر محل کار یا خدمت، مشترک صندوق دیگری بشوند حق بیمه یا کسور بازنشستگی متعلقه (سهم شخص) هر ماه از سنوات خدمت مورد نظر به مأخذ نرخ کسور مورد عمل صندوق جدید (طبق قوانین و مقررات مربوط) و براساس حقوق و مزایای ماهانه زمان تقاضا در محل خدمت جدید که مبنای کسور بازنشستگی قرار می‌گیرد، محاسبه و مابه‌التفاوت آن با کسور بازنشستگی یا حق بیمه (سهم شخص و کارفرما) که از صندوق قبلی به صندوق جدید منتقل شده است، از شخص متقاضی وصول خواهد شد.» ثانیاً: با عنایت به اینکه جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست و قوانین و مقررات با گذشت مدت قانونی مشخص پس از تصویب، لازم‌الاجرا می‌گردند، بنابراین صندوق بازنشستگی کشوری تکلیفی برای ابلاغ مصوبات به شاکیان نداشته و عدم ابلاغ، موجد حق برای مشارالیه نخواهد بود. ثالثاً: با توجه به نامه شماره ۱۶۵۹۸/ص/۲۵۰ - ۱۳۹۳/۸/۲۱ صندوق بازنشستگی کشوری به دستگاههای متبوع شاکیان که درخصوص نحوه محاسبه مابه‌التفاوت کسور ناشی از انتقال حق بیمه بوده و طی آن، ماده ۳ آیین‌نامه تبصره ۳ ماده واحده قانون نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی اصلاحی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۶ ابلاغ گردیده، صندوق بازنشستگی کشوری نحوه محاسبه مابه‌التفاوت کسور ناشی از انتقال حق بیمه را بیان داشته است. بنا به مراتب فوق و با عنایت به عدم وجود تکلیف برای دستگاههای اجرایی و صندوق بازنشستگی مقصد به ابلاغ ضوابط مربوط به انتقال صندوق بازنشستگی، دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۲۰۰۸۳۸ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ (صادر از شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری) که به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۲۹۸۲ - ۱۳۹۸/۱۰/۴ (صادر از شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری) تأیید گردیده و حکم به رد شکایت صادر نموده است، در حدی که متضمن قانونی بودن اقدامات سازمان بازنشستگی کشوری در محاسبه و مطالبه مبلغ مابه‌التفاوت از شاکیانی است که سوابق بیمه‌ای آنان به صندوق مذکور انتقال پیدا کرده است، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

مصوب سال ۱۳۴۵ و قانون مقررات استخدامی شرکتهای دولتی مصوب سال ۱۳۵۲ هستند و کارکنان سازمان بیمه خدمات درمانی تا زمان تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری و به جانشینی سازمان بیمه سلامت ایران مشمول مقررات استخدامی خاص خود بوده‌اند و با لحاظ مفاد آرای شماره ۷۵ الی ۷۸ - ۱۳۸۴/۲/۲۵، شماره ۹۰۸ - ۱۳۸۶/۸/۲۹، شماره ۲۲۵ - ۱۳۸۷/۴/۹ و شماره ۱۰۵۸ الی ۱۰۶۱ - ۱۳۹۸/۵/۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۲۸۱۴ - ۱۳۹۹/۹/۱۶ صادره از شعبه ۲۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری که درخصوص خواسته الزام به پرداخت فوق‌العاده جذب و مزایای مرخصی مناطق محروم به کارکنان سازمان بیمه سلامت ایران (سازمان بیمه خدمات درمانی) بر رد شکایت صادر شده، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۹۲۳

۱۴۰۰/۴/۲۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۲۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱۵ با موضوع: «اعلام تعارض قانونی بودن اقدامات سازمان بازنشستگی کشوری در محاسبه و اخذ وجوه ناشی از انتقال کسور بازنشستگی و غیرموجه بودن استدلال عدم اطلاع‌رسانی دستگاه متبوع مستخدمان درخصوص نحوه انتقال کسور بازنشستگی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۴/۱۵ شماره دادنامه: ۱۲۰۳ شماره پرونده: ۹۹۰۱۹۲۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقای رضا حیدری مقدم به وکالت از خانم طاهره روعفی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواست اشخاص به خواسته ابطال تصمیم صندوق

بازنشستگی کشوری در مورد نحوه محاسبه و مطالبه مابه‌التفاوت ناشی از انتقال کسور بازنشستگی و با این استدلال که دستگاه متبوع آنها در خصوص نحوه انتقال کسور بازنشستگی به آنان اطلاع‌رسانی نکرده، شعب دیوان عدالت اداری آرای متعارضی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۲۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست خانم فاطمه غفاریان به خواسته ابطال کلیه اقدامات از جمله تصمیم صندوق بازنشستگی در خصوص نحوه محاسبه میزان کسور انتقال بیمه از صندوق اجتماعی به صندوق بازنشستگی کشوری به طرفیت سازمان بازنشستگی کشور ضمن نقض دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۷۰۰۲۳۳۳ - ۱۳۹۶/۱۱/۳۰ صادره از شعبه ۳۶ بدوی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۵۹۳۰۱۴۳۳ - ۱۳۹۷/۴/۵ به شرح زیر رأی به ورود شکایت صادر کرده است: نظر به اینکه حسب گواهی معاون قضایی رئیس کل و منابع انسانی دادگستری خراسان رضوی بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۱۳۵۸۵۱/۵۰۰ - ۱۳۹۳/۹/۱۱ اطلاع‌رسانی نشده و حق بهره‌مندی از بخشنامه مذکور برای تجدیدنظر ایجاد شده و سلب این حق مغایر قاعده قبح عقاب بلابیان است و علاوه بر آن احترام به حقوق مکتسبه که به موجب قانون یا در طول یک زمان معقول و به گونه‌ای قانونی و مشروع شکل گرفته و ثبات یافته به عنوان یک اصل کلی حقوقی الزامی است و از حقوق بنیادین و تضمین شده و مورد حمایت نهادهای قضایی است و بر همین مبنا در حقوق اداری به موجب «اصل احترام به حقوق مکتسبه» مقام اداری نمی‌تواند اقدام یا تصمیم خود را که مستلزم محدود نمودن، فسخ یا سلب حق مکتسبه قانونی است به دارنده این حق تعمیم و تسری دهد به عبارت بهتر حقوق اشخاص نباید به موجب اقدام یا تصمیم لاحق سلب یا تحدید گردد و قاعده فقهی عقاب بلابیان و اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین و مقررات و تصمیمات و اصل انتظارات مشروع و اصل قانونی بودن تصمیمات و اقدامات مقام اداری نیز در حمایت از اصل لزوم التزام به حقوق مکتسبه بوده و ارتباط نزدیک با آن دارد علاوه بر آن لزوم رعایت «اصل احترام به حقوق مکتسبه» در پرتو آراء شماره ۷۰۵ - ۱۳۸۴/۲/۱۰، ۵۴۴ - ۱۳۸۳/۱۰/۲۷، ۴۳۰ - ۱۳۸۶/۶/۱۸ و ۳۸۶ - ۱۳۸۶/۶/۱۴ بروز و ظهور پیدا نموده و تبعیت از این آراء برای شعب دیوان طبق ماده ۸۹ قانون دیوان الزامی است لذا بنا به جهات فوق تقاضای

شماره ۹۸۰۳۱۳۸

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۳۷۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۱ با موضوع: «بندهای ۴، ۹، ۱۹، ۲۳ از تعرفه شماره ۲-۱۳ و تعرفه شماره ۲-۲۸ و تعرفه شماره ۲-۲۹ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر کرمان ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۱ شماره دادنامه: ۳۷۰ شماره پرونده: ۹۸۰۳۱۳۸

مرجع رسیدگی: هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای محسن نیکخواه راوری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای ۴، ۹، ۱۹، ۲۳ تعرفه ۲-۱۳ و تعرفه ۲-۲۸ و تعرفه ۲-۲۹ دفترچه عوارض ساخت و ساز شورای اسلامی شهر کرمان در سال ۱۳۹۸

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بندهای ۴، ۹، ۱۹، ۲۳ تعرفه ۲-۱۳ و تعرفه ۲-۲۸ و تعرفه ۲-۲۹ دفترچه عوارض ساخت و ساز سال ۱۳۹۸، شورای اسلامی شهر کرمان از تاریخ تصویب را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و دعای خیر

احتراماً، در خصوص مصوبه شورای اسلامی شهر کرمان مندرج در بند ۲-۱۲ دفترچه تعرفه عوارض شهرداری کرمان در سال ۱۳۹۸ با عنوان «مهلت و تمدید اعتبار ساخت پروانه‌های ساختمانی» به علت خروج شورا از حدود و اختیار خود و تصویب مقرر، بر خلاف مفاد قانونی درخواست ابطال مصوبه مذکور را به شرح ذیل به استحضار آن عالی مقام معروض می‌دارم تا بدین وسیله اجحاف اعمال شده در حق شهروندان برطرف گردد:

شورای اسلامی شهر کرمان به موجب مصوبه‌ای در خصوص عوارض تمدید و تجدید و تأخیر پروانه ساختمانی مبادرت به تصویب مقررهای نموده که طی آن اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانی که عملیات ساختمانی را شروع نموده‌اند و ساختمانی‌های نیمه‌کاره‌ای و ساختمان‌هایی که هنوز عملیات ساختمانی آنها شروع نشده‌اند و موقعیت آنها غیراز میدان‌ها و معابر اصلی شهر قرار گرفته‌اند را بر خلاف مقررات قانونی تجویز کرده است در این مصوبه موضوع قابل تأمل اینجاست که با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری که در جهت زیباسازی شهری برای ساختمانی‌هایی که در میدان‌ها و معابر اصلی شهر واقع گردیده‌اند در تمدید پروانه‌های ساختمانی آنها عوارض وضع شده تا این گونه ساختمانها هر چه زودتر عملیات ساختمانی خود را به پایان برسانند ولی در این تعرفه‌ها برای ساختمانی‌هایی که محل استقرار آنها غیراز میدان‌ها و معابر اصلی شهر قرار گرفته‌اند یا هنوز عملیات ساختمانی خود را آغاز نکرده‌اند و مطابق با تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری هیچ‌گونه عوارضی را برای آنها وضع نکرده است شورای شهر کرمان عوارض بیشتری را وضع کرده که خلاف مقررات قانونی است.

دلایل غیرقانونی بودن وصول عوارض تمدید پروانه ساختمانی یا تأخیر اتمام ساختمان

۱- مغایرت با آراء هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری

بر اساس دادنامه‌های متعدد هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری از جمله: دادنامه شماره ۱۶۳۰ - ۱۳۹۷/۷/۱۷ هیأت‌عمومی، رأی شماره ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ هیأت‌عمومی، دادنامه شماره ۲/۱۵۵۵ - ۱۷۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۶ هیأت‌عمومی، دادنامه شماره ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ و شماره ۳۰۸ - ۱۳۹۷/۲/۱۸، دادنامه شماره ۱۱۷۷ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ هیأت‌عمومی، دادنامه شماره ۳۳۶ - ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ هیأت‌عمومی، دادنامه شماره ۵۱۵ - ۱۳۸۳/۱۰/۱۳ هیأت‌عمومی، دادنامه شماره ۴۷۱ - ۱۳۹۵/۷/۱۳ هیأت‌عمومی.

به موجب رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۵۰۱ الی ۱۵۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۴ و رأی هیأت‌عمومی به شماره ۶۶ الی ۸۸ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲ اخذ عوارض مجدد تحت هر عنوان از سوی شوراهای مختلف ممنوع است از جمله آراء شماره ۱۵۲۸ - ۱۳۹۳/۹/۲۴، ۱۷۹۶ لغایت ۱۸۰۵ و ۱۸۰۸ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۹، ۲۱۰ - ۱۳۹۵/۳/۱۸ تکلیف به اخذ مابه‌التفاوت عوارض، مازاد بر میزان مقرر قانون نوسازی در هنگام درخواست تمدید پروانه ساختمانی یا در صورت تأخیر در اتمام آن، پس از اتمام مهلت

مقرر در پروانه خلاف قانون است تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷، در خصوص مهلت اتمام ساختمان و ضمانت اجرای عدم رعایت آن تعیین تکلیف کرده است، بنابراین هر نوع مصوبه شورای اسلامی شهر که طی آن برای تأخیر در اتمام ساختمان یا تمدید پروانه بعد از ۵ سال عوارض تعیین نماید، این مصوبه مغایر قانون بوده و از حدود اختیارات مرجع وضع آن خارج است.

همچنین تمدید رایگان برای مدت دو سال خواهد بود، لذا اخذ هر گونه وجه در این مدت خلاف قانون است، در حالی که مصوبه این را رعایت نکرده عوارض تمدید به آن تعلق می‌گیرد، مضافاً تفکیک میان درخواست قبل از اتمام پروانه و بعد از اتمام پروانه فاقد محمل قانونی است، میزان عوارض تمدید نهایتاً باید ۴ درصد باشد.

در ساختمانی‌هایی که نوسازی آنها در کلیه سطوح تکمیل و اجرا نشده، نهایتاً می‌بایست در صورت اتمام مهلت پروانه ساختمانی، پروانه ساختمان آن تمدید گردد و نباید عوارض دیگری بر آن تحمیل گردد.

در ادامه مطلب فوق باید این را افزود که تعیین و اخذ عوارض باید به تجویز قانون باشد. (ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه) ماده ۵۹ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور همچنین به موجب نظر فقهای شورای نگهبان، دریافت وجه با تجویز آیین‌نامه و دستورالعمل مغایر شرع است، در نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۶۲۰ - ۱۳۹۰/۳/۲۹ اعلام کرده است که: چنانچه موضوع مصوبه مجوز قانونی وجود نداشته باشد خلاف موازین شرع می‌باشد. البته تبیین این امر از باب تشحیذ اذهان قضات می‌باشد نه ادعای خلاف شرع بودن مصوبه.

شورای نگهبان در نظریه شماره ۸۳/۳۰/۹۴۸۶ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ چنین اظهارنظر می‌کند «اجرای مصوبه ابطال‌شده و نیز تصویب مصوبه‌ای با همان مضمون و یا مبتنی بر همان ملاکی که موجب ابطال است مانند عدم وجود مجوز قانونی و بدون اخذ مجوز جدید بوده و بر خلاف نظریه تفسیری شماره ۸۰/۲۱/۱۲۷۹ - ۱۳۸۰/۲/۱۸ شورای نگهبان می‌باشد.» از سوی دیگر مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مدنی و قاعده «اکل مال به باطل» از سوی شهرداریها و شوراها بر موضوع حاکم است.

لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبات شورای اسلامی شهر کرمان و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری کرمان را از زمان تصویب و خارج از نوبت دارم.

شاکي در پاسخ به اخطار رفع نقص به طور خلاصه عنوان داشته است که:

تعیین و اخذ عوارض باید به تجویز قانون باشد. (ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه) ماده ۵۹ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱، همچنین بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری و اصل برابری افراد در برابر قانون و اصل عدالت مالیاتی (بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی) و قاعده (هماهنگی و اصل وحدت رویه و ایجاد یکنواختی در نظام عوارض) مستند به ماده ۱۴ آیین‌نامه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای شهرها سال ۱۳۷۸، همچنین نظر فقهای شورای نگهبان، در نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۶۲۰ - ۱۳۹۰/۳/۲۹ که اعلام کرده است: چنانچه موضوع مصوبه مجوز قانونی وجود نداشته باشد خلاف موازین شرع می‌باشد و نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۶۲۱ - ۱۳۷۸/۸/۱۳ شورای نگهبان اخذ هرگونه وجهی چنانچه استناد قانونی نداشته باشد خلاف شرع تلقی می‌شود بر خلاف قانون نوسازی و عمران شهری است. البته ادعای در خصوص خلاف شرع بودن مصوبات مورد اعتراض ندارم.

متن مقرره‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

تعارف شماره (۲-۱۳): مهلت و تمدید اعتبار ساخت پروانه‌های ساختمانی

بند ۴: کسانی که در موقعیت‌هایی غیراز آنچه در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مشخص گردیده (غیر از میدانها و معابر اصلی شهر) اقدام به اخذ پروانه می‌نمایند نیز بایستی ظرف مدت مقرر در پروانه، ساختمان خود را به اتمام برسانند و یا قبل از اتمام مهلت مقرر ساخت نسبت به مراجعه به شهرداری و تمدید اعتبار ساخت اقدام نمایند. در غیراینصورت جهت تمدید اعتبار ساخت به نرخ و فرمول روز محاسبه و با پرداخت تفاوت عوارض می‌توانند برای یک دوره تمدید گردد.

تبصره: در خصوص مسکونی‌های قبل از سال ۱۳۶۱ به میزان ۳۰٪ تفاوت عوارض بایستی محاسبه می‌گردد.

در خصوص مسکونی‌های بین سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۳ به میزان ۵۰٪ تفاوت عوارض بایستی محاسبه می‌گردد.

در خصوص مسکونی‌های بین سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۱ به میزان ۶۰٪ تفاوت عوارض بایستی محاسبه می‌گردد.

در خصوص مسکونی‌های بین سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۹۶ به میزان ۷۰٪ مبلغ فوق بایستی محاسبه می‌گردد.

بند ۹: شهرداری کرمان مکلف است ضمن شناسایی ساختمان‌های نیمه‌تمامی که پروانه ساختمانی آنها قبل از تصویب این دستورالعمل صادر شده است، مدت اعتبار ساخت آن به اتمام رسیده نسبت به صدور اخطار جهت اتمام ساختمان اقدام نماید و در صورت عدم اقدام برابر مقررات موضوع را جهت تعیین تکلیف به مرجع قضایی ارسال و پیگیریهای لازم را معمول نماید.

بند ۱۹: ضوابط این دستورالعمل مربوط به صدور، تمدید، اصلاح پروانه‌های ساختمانی صرفاً در خصوص عوارض زیربنا و پذیره می‌باشد. لذا سایر ضوابط و مقررات بایستی رعایت گردد.

بند ۲۳: برای آن دسته از متقاضیانی که پروانه ساختمانی آنها صادر شده و نسبت به ساخت بخشی از مترائز پروانه در مهلت اعتبار ساخت پروانه اقدام نموده ولیکن بنا به مشکلات و دلایلی از ساخت مابقی زیربنا مندرج در پروانه (طبق تراکم مجاز و مازاد بر تراکم) انصراف داده (در کلیه کاربری‌ها) و پایانکار اخذ نموده‌اند در صورت تقاضای ادامه ساخت طبق پروانه صادره اولیه پس از پرداخت تفاوت عوارض (زیربنا و کلیه عوارض متعلقه) طبق روال قانونی با ارایه نقشه مصوب (جدید) پروانه جدید صادر می‌گردد. ضمناً شهرداری هیچگونه مسئولیتی در قبال عودت عوارض پرداختی مترائز ساخته نشده ندارد. انتقال عوارض پرداختی بر روی ملکی دیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد.

تعرفه شماره (۲-۲۸): عوارض تأخیر در اجرای نمای ساختمان صاحبان

کلیه ساختمان‌های احدائی اعم از پروانه یا بدون پروانه و یا دارای پایان کار که اجرای نمای ساختمان را انجام نداده‌اند از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا شهریور ۱۳۹۸ مهلت دارند نسبت به اجرای نما اقدام نمایند. در غیراینصورت به ازای هر سال تأخیر در اجرای نما از مهلت ساخت پروانه ساختمانی مشمول عوارض به شرح ذیل خواهند بود.

$M \times 6\% \times \text{عرض ملک} \times \text{ارتفاع} = \text{تعرفه در اجرای نماکاری برای یک سال}$

این تعرفه شامل ساختمان‌های واقع در گذرهای ۱۲ متری و بیشتر با هر تعداد طبقه می‌باشد.

به املاک واقع در معابر با عرض گذر ۱۲ تا ۱۶ متر ۲٪ و به املاک واقع در معابر با عرض گذر ۱۶ تا ۲۰ متر ۴٪ و به املاک واقع در معابر با عرض گذر ۲۰ تا ۲۴ متر ۶٪ و به ۲۴ متر به بالا ۸٪ به تعرفه فوق افزوده می‌گردد.

در گذرهای کمتر از ۱۲ متری ساختمان‌های ۳ و بیش از سه طبقه نیز شامل این تعرفه می‌باشد.

صدور پایان کار برای کلیه املاک و ساختمان‌ها منوط به اجرای نماکاری می‌باشد و صدور گواهی پایان کار بدون رعایت این تبصره تخلف محسوب می‌شود.

شهرداری‌های مناطق مکلف به شناسایی املاک موجود فاقد نما و اطلاع‌رسانی مناسب و ابلاغ کتبی جهت اجرای آن می‌باشد.

تعرفه شماره (۲-۲۹): راهکار جلوگیری از تخلف مالکین واحدهای تجاری و مجتمع‌های بدون اخذ پایانکار مستند به وظایف مندرج در ماده ۷۷ اصلاحی قانون شوراها و به جهت جلوگیری از تخلف مالکین مجتمع‌های تجاری عوارضی با شرح ذیل جهت مجتمع‌های تجاری اخذ می‌گردد:

عوارض این تعرفه جهت مجتمع‌هایی که مهلت ساخت آنها به اتمام رسیده و قبل از پایان کار اقدام به بهره‌برداری می‌نمایند به میزان دو برابر عوارض تمدید پروانه خواهد بود.

مالکین آن دسته از مجتمع‌هایی که قبل از این مصوبه بدون پایان کار اقدام به بهره‌برداری نموده‌اند در صورتی که تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۹۸ اقدام به اخذ پایان کار نمایند از شمول این محاسبه مستثنی می‌گردد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رییس شورای اسلامی شهر کرمان به موجب لایحه شماره ۵۸۴۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۳ توضیح داده است که:

«۱- همانگونه که مستحضرید حسب مندرجات بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۱/۳ و اصلاحات بعدی آن «تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن در صلاحیت شورای اسلامی شهر است.»

۲- ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۱/۳ و اصلاحات بعدی آن مقرر می‌دارد: «شورای اسلامی شهر می‌تواند نسبت به وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر طبق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران اقدام نماید.»

۳- طبق ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران، مرجع تعیین نحوه وضع و وصول عوارض در مورد شهرها، شوراهای اسلامی شهرها هستند. در مصوبه مورد اعتراض نیز به همین نحو عمل شده است.

۴- طبق ماده ۱۴ آیین‌نامه اخیرالذکر یکی از سیاست‌های دولت که باید در مصوبات شوراها رعایت شود، نیل به سمت خودکفایی شهرداری و نهایتاً تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر است. در مصوبه مورد اعتراض نیز به همین نحو عمل شده است.

۵- بر مبنای تبصره ۱ ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، وضع عوارض محلی که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده بر عهده شورای اسلامی شهر و بخش است.

۶- بر مبنای ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر این قانون لغو شده است.

۷- با توجه به مراتب معروضه فوق، ملاحظه می‌فرمایید وضع، لغو و تغییر نوع و میزان عوارض محلی که تکلیف آن در قانون مالیات بر ارزش افزوده تعیین نشده، در صلاحیت شورای اسلامی شهر است.

۸- از سوی دیگر با عنایت به ماده ۸ آیین‌نامه نحوه وضع و وصول عوارض مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران، در صورتی که مؤیدان در مورد میزان و نحوه محاسبه و وصول و سایر موضوعات عوارضی که توسط شوراها وضع می‌گردد اعتراض و یا شکایتی دارند مرجع آن کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری می‌باشد. به استناد تبصره ذیل ماده ۸ آیین‌نامه اخیرالذکر دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها است. شاکای بدون طی مراحل مذکور به دیوان عدالت اداری مراجعه و درخواست ابطال مصوبه را نموده است.

الف: در خصوص تعرفه ۲-۱۳ به استحضار می‌رساند طبق تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری و به استناد نامه‌های متعدد وزارت کشور و مصوبات شماره ۲۸۱۸ - ۱۳۹۸/۵/۱۴ و شماره ۱۸۹۷ - ۱۳۹۸/۳/۲۲ شورای اسلامی شهر کرمان اقدام می‌شود و تعرفه ۴۳۳۳ اصلاح شده است.

ب: در خصوص تعرفه ۲-۲۸ طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ اقدام شده است و طبق پاراگراف آخر تعرفه مذکور که عنوان می‌دارد «شهرداریهای مناطق مکلف به شناسایی املاک موجود فاقد نما و اطلاع‌رسانی مناسب و ابلاغ کتبی جهت اجرای آن می‌باشد.» ولی تاکنون نه تنها عوارض فوق از شهروندان اخذ نشده بلکه شهرداریهای مناطق نیز تاکنون به اجرای پاراگراف اشاره شده اقدام ننموده‌اند و همانگونه که استحضار دارید جهت ایجاد شهری زیبا باید شهروندان به کمک شهرداری آمده و بدنه‌های خارجی نمای ساختمان خود که به معابر عمومی مشرف می‌باشند را با نماهای ایرانی - اسلامی و سازگار با محیط اجرا نمایند که شهرداری در مرحله اول با اعلام مهلت به این دسته از شهروندان، در مرحله دوم به ایجاد شرایطی ایجابی و وضع عوارض به استناد قانون اخیرالذکر نموده است.

ج: در خصوص تعرفه ۲-۲۹ نیز طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و تبصره یک ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ و همچنین مستند به بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری، اتخاذ تدابیر مقرر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطرات در معابر عمومی، کوچه‌ها و اماکن عمومی از وظایف شهرداری است و تعرفه مذکور منطبق بر تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی است.

لذا با عنایت به مراتب فوق از آنجا که اقدام شهرداری در راستای قانون و مقررات بوده و اعتراض خواهان فاقد وجهت قانونی و منطقی می‌باشد بدینوسیله از آن مقام تقاضای رد دادخواست تقدیمی مورد استدعاست.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۰۰۶۰۱۰۰۲-۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶-۱۴۰۰/۱/۱۵ بندهای ۳، ۱۳ و ۱۸ از تعرفه شماره (۲-۱۳) تحت عنوان مهلت و تمدید اعتبار ساخت پروانه‌های ساختمانی مصوب شورای اسلامی شهر کرمان سال ۱۳۹۸ را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافت.

«رسیدگی به بند ۴، ۹، ۱۹ و ۲۳ از تعرفه شماره (۲-۱۳) تحت عنوان مهلت و تمدید اعتبار ساخت پروانه‌های ساختمانی و تعرفه شماره (۲-۲۸) تحت عنوان عوارض تأخیر در اجرای نمای ساختمان صاحبان و تعرفه شماره (۲-۲۹) تحت عنوان راهکار جلوگیری از تخلف مالکین واحدهای تجاری و مجتمع‌ها بدون اخذ پایانکار از تعرفه سال ۱۳۹۸ شهرداری کرمان مصوب شورای اسلامی شهر کرمان در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.» هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷، روش خاصی برای تعیین و اخذ عوارض تمدید پروانه‌های ساختمانی پیش‌بینی کرده و در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض تمدید پروانه ساختمان توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است. بنا به مراتب فوق، بندهای ۴، ۹، ۱۹ و ۲۳ از تعرفه شماره (۲-۱۳) تحت عنوان مهلت و تمدید اعتبار ساخت پروانه‌های ساختمانی، تعرفه شماره (۲-۲۸) تحت عنوان عوارض تأخیر در اجرای نمای ساختمان صاحبان و تعرفه شماره (۲-۲۹) تحت عنوان راهکار جلوگیری از تخلف مالکین واحدهای تجاری و مجتمع‌ها بدون اخذ پایان کار از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شهرداری کرمان که به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، به دلیل مخالفت با حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۰۶۲۲

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۴۹۱ مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با موضوع: «ابطال مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) مصوب جلسه شماره ۸۸۹- ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۱۸ شماره دادنامه: ۴۹۱ شماره پرونده: ۹۹۰۰۶۲۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مزدک نصوری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی

کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) مصوب جلسه شماره ۸۸۹- ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۲ ماده ۱۰، ماده ۲۷ و ماده ۳۷

آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) مصوب جلسه شماره ۸۸۹- ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به موجب بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله وظایف اصلی جمهوری اسلامی ایران، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌باشد. در مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه و تبصره ذیل آنها در خصوص تخطی دانشجویان از منش دانشجویی و ارتکاب برخی تخلفات از سوی آنها اقدام به جرم انگاری و دادگستری شده است. این در حالی است که موارد مصرح در این دو ماده قبلاً در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ جرم انگاری و تعیین مجازات شده است و در محدوده مغایرت با اصول ۵۶، ۵۸، ۷۱ و ۸۵ قانون اساسی قرار خواهند گرفت و اقدام شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی در این زمینه هیچ‌گونه موضوعیتی ندارد. به علاوه مجازات‌های تعیین شده در مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه مارال‌الذکر از مصادیق نقض حقا و آزادی‌های شهروندان می‌باشد که باعث ایجاد محدودیت در حوزه تعمیم و تسهیل آموزش عالی خواهد شد. یعنی همان حوزه‌ای که در بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی نسبت به اهمیت آن تأکید شده است. همچنین به موجب اصل ۶۱ قانون اساسی اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاه‌های دادگستری انجام می‌پذیرد. همچنین در اصل ۱۵۶ قانون اساسی بر استقلال قوه قضاییه جهت تحقق بخشیدن به عدالت اشاره شده است و اینکه اصل ۱۵۹ قانون اساسی بر صلاحیت عام محاکم دادگستری در رسیدگی به دعاوی تأکید می‌نماید و از مدلول این اصول و روح حاکم بر قوانین می‌توان نتیجه گرفت که حدود و

اختیارات هر مرجع قضایی (وحتی شبه قضایی) را قانون معین می‌کند نه مأموران اداره. با توجه به مطالب فوق‌الاشعار، رویکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تدوین مواد و تبصره‌های ذیل آنها مصداق بارز خروج از صلاحیت دستگاه اجرایی و ورود در صلاحیت تقنینی و قضایی شده است و سبب تداخل وظایف و صلاحیت‌های قوه مجریه با قوای مقننه و قضاییه خواهد گردید و در مغایرت گسترده با اصول متعدد قانون اساسی می‌باشد و عاقبت با چنین رویه‌ای منجر به اعمال و تحمیل نظرات و سلايق شخصی در صدور احکام و آراء خواهد شد. در نهایت صدور حکم بر ورود شکایت به شرح خواسته مورد استدعاست."

متن مقررره مورد شکایت به شرح زیر است:

" آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی)

ماده ۲۷- چنانچه دانشجو در حین تحصیل و انجام پژوهش و تدوین پایان‌نامه مرتکب تخلف علمی (جعل، تقلب، کپی‌برداری و مانند اینها) شود و تخلف او از سوی دانشگاه تأیید گردد، از ادامه تحصیل محروم و اخراج می‌شود. تبصره - احراز و اثبات تخلف علمی دانشجو پس از اتمام تحصیلات از سوی دانشگاه، منجر به ابطال مدرک تحصیلی صادر شده خواهد شد.

ماده ۳۷- چنانچه دانشجو در حین تحصیل و انجام پژوهش و تدوین رساله مرتکب تخلف علمی (جعل، تقلب، کپی‌برداری و مانند اینها) شود و تخلف او از سوی دانشگاه تأیید گردد، از ادامه تحصیل محروم و اخراج می‌شود.

تبصره - احراز و اثبات تخلف علمی دانشجو پس از اتمام تحصیلات از سوی دانشگاه، منجر به ابطال مدرک تحصیلی صادر شده خواهد شد."

در پاسخ به شکایت مذکور مدیرکل دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به موجب لایحه شماره ۷/۷۵/۱۶۵۲۱۸ - ۱۳۹۹/۸/۷ توضیح داده است که:

" همان طور که مستحضرید شورای عالی برنامه‌ریزی بر طبق مصوبه جلسه مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور سیاستها و خط مشی‌ها و اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در امر برنامه‌ریزی و تدوین و تصویب آیین‌نامه و مقررات آموزشی تشکیل گردیده است. تبصره ۱ ماده ۹ آیین‌نامه داخلی شورای عالی برنامه‌ریزی مصوب ۱۳۶۶/۸/۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر می‌دارد: «آیین‌نامه‌های آموزشی، ایجاد رشته‌های جدید و یا حذف رشته‌های فعلی باید به تصویب نهایی شورای عالی برنامه‌ریزی برسد.» بنابراین شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی بر اساس اختیاراتی که به شرح بند ۳ بخش (ب) و بند ۱ بخش (ج) ماده ۲ و ماده ۶ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳/۵/۲۸ مجلس شورای اسلامی و در اجرای ماده ۲ سیاستها و ضوابط اجرایی حاکم بر آمایش آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران (موسوم به طرح آمایش) مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به تدوین و تصویب آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی اقدام نموده است. به استناد بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و بند (ت) ماده ۸۰ همان قانون، در تقاضای ابطال مصوبات در هیأت عمومی دیوان، دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی و یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده باید به صراحت ذکر شود که در مانحن‌فیه این چنین نبوده است. شاکي در دادخواست تقدیمی خود ضمن اشاره به اصول ۵۶، ۵۸ و ۷۱ قانون اساسی مواد ۲۷ و ۳۷ و تبصره‌های آن را از مصادیق نقض حق و آزادی شهروندان دانسته و بیان داشته است که این موارد قبلاً در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده است. هرچند در قوانین مختلف از جمله قانون مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، مجازات‌هایی تعیین شده اما تصریح تخلف علمی و تنبیهات مندرج در مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه معترض‌عنه تأکید موکد بوده و به هیچ عنوان برخلاف قوانین و مقررات نبوده است. بنابراین ایراد وارد محمل قانونی ندارد.

همچنین رسیدگی مراجع شبه قضایی یا اداری اختصاصی، همچون کمیته انضباطی دانشجویان، هیأت تخلفات اداری، هیأت انتظامی اعضای هیأت علمی و سایر مراجع مشابه، بر تفکیک میان جرم و تخلف استوار است و هدف از پیش‌بینی آن، رعایت شئون کاری یا صنفی یا اختصاصی برخی نظام‌های خاص مانند نظام آموزش عالی است. بنابراین دانشگاه‌ها طبق اصول قانون اساسی نسبت به بررسی این گونه تخلفات در کمیته انضباطی اقدام می‌نمایند. مطابق قاعده فقهی، اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند، بنابراین شاکي نمی‌تواند به استناد اینکه چون قبلاً در این خصوص جرم انگاری شده است، مواد ۲۷ و ۳۷ و تبصره‌های آن را نقض کند همان طور که در مواد مزبور ذکر شده است چنانچه دانشجو در حین تحصیل و انجام پژوهش و تدوین پایان‌نامه مرتکب تخلف علمی شود و تخلف از سوی دانشگاه تأیید گردد از ادامه تحصیل محروم و اخراج می‌شود و حتی پس از اتمام تحصیل مدرک تحصیلی وی نیز باطل خواهد شد.

دهیاری‌های کشور و بخشنامه شماره ۲۵۰۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۵ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۱۸ شماره دادنامه: ۷۲۸ شماره پرونده: ۹۹۰۱۱۶۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- بند ۲ صورتجلسه شماره ۲۴۱۵۱-۱۳۹۳/۶/۹

شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

۲- نامه شماره ۲۵۰۴۳-۱۳۹۳/۶/۱۵ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری

اطلاعات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال ۱- بند ۲ صورتجلسه شماره

۲۴۱۵۱-۱۳۹۳/۶/۹ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شهرداری‌ها و دهیاری‌های

کشور ۲- نامه شماره ۲۵۰۴۳-۱۳۹۳/۶/۱۵ مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و

فناوری اطلاعات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور را از تاریخ صدور خواستار شده و

در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

” ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی وحدت رویه شماره ۴۰-۱۳۹۱/۲/۴

تبدیل وضعیت از استخدام کارگری به استخدام پیمانی در شهرداری‌ها بدون برگزاری

آزمون و مسابقه را ممکن ندانسته است. با التفات به ماده ۸ اصلاحی آیین‌نامه استخدام

پیمانی مصوب هیأت وزیران، منظور از امتحان و آزمون وفق شرایط حاکم بر مستخدمین

رسمی است. از آنجاییکه پس از رأی وحدت رویه صادره، شورای توسعه مدیریت و سرمایه

انسانی شهرداری‌ها طی بند ۲ مصوبه ۲۴۱۵۱-۱۳۹۳/۶/۹ و به تبع آن مدیرکل دفتر

نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات سازمان شهرداری‌ها طی مکاتبه شماره ۲۵۰۴۳-

۱۳۹۳/۶/۱۵، امکان تبدیل وضعیت کارگر موضوع تبصره ذیل ماده ۴ قانون استخدام

کشوری به استخدام پیمانی را ممکن و امر به ابلاغ نمودند که با رأی وحدت رویه

صدرالاشاره مغایرت دارد و علاوه بر آن متجاوز از مفاد تفویض صادره شورای توسعه

مدیریت و سرمایه انسانی موضوع مصوبه ۲۰۰/۹۲/۱۶۸۷۷-۲۰۰/۴-۱۳۹۲/۱۰/۴ با موضوع ایجاد

شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شهرداری‌ها که صرفاً محدود به بررسی ارتقاء

شغلی بوده، می‌باشد. بنابراین تقاضای ابطال آن را از تاریخ صدور استدعا دارم.

متن مقرره‌های مورد شکایت به قرار زیر است:

” (۱) بند ۲ صورتجلسه شماره ۲۴۱۵۱-۱۳۹۳/۶/۹

شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، در پنجمین

جلسه مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۸ موارد زیر را تصویب نمود:

۲- شورا با تبدیل وضعیت مستخدمین رسمی کارگری که در سنوات قبل دارای

پست با نام کارگری مصوب از سوی این سازمان بوده‌اند و در مشاغل کارمندی هم اکنون

مشغول به کار می‌باشند، به کارمند پیمانی در صورت داشتن شرایط زیر با احتساب تجربه

بر اساس ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی طرح طبقه‌بندی مشاغل موافقت نمود.

(۲) نامه شماره ۲۵۰۴۳-۱۳۹۳/۶/۱۵

معاونین محترم عمرانی سراسر کشور

با سلام

پیرو مصوبه شماره ۲۴۱۵۱-۱۳۹۳/۶/۹ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی

شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور مبنی بر تبدیل وضعیت مستخدمین کارگری به کارمند

پیمانی، خواهشمند است دستور فرمایید فهرست افراد واجد شرایط زیر را در قالب جدول

پیوست برای بررسی و موافقت به این دفتر ارسال نمایند:

۱. دارا بودن پست با نام کارگری مصوب در سنوات قبل با تأیید این سازمان

۲. اشتغال در مشاغل کارمندی شهرداری در حال حاضر

۳. درخواست کتبی مستخدم دارای پست با نام کارگری مبنی بر تبدیل وضعیت

استخدامی به کارمند پیمانی

۴. دارا بودن مدرک تحصیلی دانشگاهی

۵. دارا بودن پست بلا تصدی متناسب با شرایط احراز در شهرداری مربوطه

۶. تأیید دفتر امور شهری و شوراهای استانداری

شایان ذکر است به استناد تبصره ذیل ماده ۵ قانون استخدام کشوری پس از تبدیل

وضعیت استخدامی کارگران دارای پست با نام کارگری به کارمند پیمانی، ادامه فعالیت

افراد دارای پست با نام کارگری در شاغلی به جز مشاغل مندرج در احکام کارگزینی آنان،

شایان ذکر است تنبیهات مقرر در آیین‌نامه مزبور جنبه جزایی نداشته و مجازات محسوب نمی‌شود. چرا که هیچ یک از عناوین تنبیه‌های مقرر، تشابهی با مجازات‌های مذکور در قوانین جزایی ندارد و به واقع تنبیهاتی هستند که ناظر بر دانشگاه و دانشجو و نظام آموزش عالی است (مانند منع موقت تحصیل، اخراج دانشجو از دانشگاه، تبدیل دوره تحصیلی دانشجو از روزانه به شبانه). پاسداری از جایگاه رفیع دانشگاه و کمک به سالم‌سازی محیط‌های آموزشی و پژوهشی و تأمین حقوق عمومی دانشگاهیان از طریق ترغیب دانشجویان به حفظ کرامت دانشجویی و مقابله با بی‌نظمی و هنجارشکنی و نادیده گرفتن حقوق فردی و اجتماعی، از اهداف مهمی محسوب می‌شود که شورای انضباطی در راستای کمک به تحقق آنها تشکیل گردیده است. بدیهی است توجه به شیوه برخورد صحیح و عالمانه با تخلفات دانشجویی و رعایت تقوا در امر قضاوت و تصمیم‌گیری جزء اصول اساسی و خدشه‌ناپذیر شوراهای انضباطی تلقی می‌شود. با عنایت به مراتب فوق و اینکه مقررات مندرج در آیین‌نامه مورد اعتراض در چارچوب مقررات و اختیارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با انطباق کامل با مقررات بالادستی تهیه و تصویب شده و عدول از قوانین و مقررات نشده است، تقاضای امعان نظر و رد دادخواست مطروحه را دارم.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۸-۱۴۰۰/۱/۱۶ تبصره ۲ ماده ۱۰ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) مصوب جلسه شماره ۸۸۹-۱۳۹۶/۱/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیست یافت.

رسیدگی به مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) مصوب جلسه شماره ۸۸۹-۱۳۹۶/۱۰/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر مبنای تبصره ۶ ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶/۵/۳۱، در صورت استفاده از آثار متقلبانه موضوع این قانون توسط اعضای هیأت علمی، دانشجویان، کارکنان اداری و طلاب، ضمن سلب هرگونه امتیاز مادی و یا معنوی مترتب بر آن و ملغی‌الاثربودن هرگونه مدرک تحصیلی، پایه، مرتبه علمی، رتبه و یا عناوین مشابه علمی، به تخلفات نامبردگان حسب مورد توسط هیأت‌های انتظامی اعضای هیأت علمی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیته‌های انضباطی دانشجویان و یا دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی شده و به مجازات‌های مقرر در این تبصره محکوم می‌شوند. با توجه به حکم قانونی فوق، اطلاق حکم مقرر در مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) که در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۱ از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شده، از جهت عدم طرح موضوع تخلف علمی دانشجو در کمیته‌های انضباطی موضوع تبصره ۶ ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

۱۴۰۰/۵/۵

شماره ۹۹۰۱۱۶۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه

۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۷۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با موضوع: «بند ۲ صورتجلسه شماره

۲۴۱۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شهرداری‌ها و

«استخدام پیمانی از طریق امتحان یا مسابقه و گزینش بر طبق ضوابط و مقررات مورد عمل در مورد استخدام رسمی صورت خواهد پذیرفت» و در حال حاضر استخدام رسمی و پیمانی در دستگاههای اجرایی از جمله شهرداریها صرفاً از طریق انتشار آگهی عمومی و برابری فرصتها امکان پذیر بوده و تبدیل وضعیت کارکنان استخدامی نیروهای کارگری به پیمانی در قوانین حاکم پیش‌بینی نشده است، ثالثاً: به موجب آرای وحدت رویه شماره ۸۲۹ و ۸۳۰ - ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ و شماره ۲۷۲۴ - ۱۳۹۸/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعمیم و تسری مقررات قانونی در باب تبدیل وضعیت مستخدمین غیررسمی به رسمی به افرادی که با تنظیم قرارداد و به صورت کارگری مشمول قانون کار بوده و به خدمت گمارده شده‌اند، مجوزی ندارد و رابعاً: پیش‌تر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی وحدت رویه شماره ۴۰ - ۱۳۹۱/۲/۴ خود تبدیل وضعیت از کارگری به کارمندی در شهرداریها را بدون برگزاری آزمون و مسابقه مغایر با قانون تشخیص داده است؛ بنابراین و با توجه به مراتب فوق، بند ۲ صورتجلسه شماره ۲۴۱۵۱ - ۱۳۹۳/۶/۹ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی شهرداریها و دهیاریهای کشور و بخشنامه شماره ۲۵۰۴۳ - ۱۳۹۳/۶/۱۵ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور که ضوابطی را جهت تبدیل وضعیت کارگران رسمی به مستخدمین پیمانی وضع کرده، مغایر با موازین قانونی فوق‌الذکر و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۲۹۱ ۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۷۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با موضوع: «بندهای ۳، ۵، ۶ و ۷ از مصوبات دومین کارگروه آرد و نان و گندم شهرستان گنبد کاووس مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۱۸ شماره دادنامه: ۷۳۰ شماره پرونده: ۹۹۰۱۲۹۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای طوی محمد کهن

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبات دومین کارگروه آرد و نان شهرستان گنبد کاووس مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱

گردش کار: شاکلی به موجب دادخواستی ابطال مصوبات دومین کارگروه آرد و نان شهرستان گنبد کاووس مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

۱. اینجانب دارای یک واحد نانوايي دولتي در یکی از محروم‌ترین روستاهای بخش داشلی برون از توابع شهرستان گنبد کاووس می‌باشم و از حدود ده سال قبل تا کنون به نحو احسن با پخت و عرضه نان رضایت عامه مردم را کسب کرده‌ام. شایان ذکر است که در ضمن مدیریت نانوايي مذکور به عنوان مدیر عامل شرکت تعاونی نانویان گنبد و نائب رئیس اول اتحادیه صنف خبازان گنبد کاووس اشتغال دارم.

۲. اخیراً پیرو شایعاتی که برای یکی از واحدهای نانوايي سطح شهرستان منتشر گردید، مسئولین ذیربط بدون اینکه از واحد نانوايي بنده بازدید و بازرسی به عمل آورند با تشکیل دومین جلسه کارگروه آرد و نان شهرستان گنبد کاووس به تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ بر خلاف قوانین و مقررات مربوطه و بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی اینجانب مبادرت به تصویب توقف فعالیت نانوايي و عطف به آن قطع سهمیه آرد دولتي نانوايي بنده نموده‌اند. در حالیکه اتهامات انتسابی تحت هیچ شرایطی اثبات نگردیده و دلایلی نیز وجود ندارد. بر فرض وجود دلیل نیز کارگروه مذکور از نظر قانونی مجاز به ابطال پروانه کسب و قطع سهمیه نانوايي قبل از تصویب و اعلام کارگروه آرد و نان استان گلستان نمی‌باشد.

۳. مع‌الاسف کارگروه مذکور بر خلاف قانون مبادرت به تصویب ابطال جواز نموده و با وجود مکاتبات سازمان صمت استان گلستان مبنی بر غیرقانونی بودن مصوبات کارگروه مبادرت به قطع سهمیه آرد دولتي نانوايي بنده از تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ کرده‌اند. این موضوع موجب توقف اشتغال و کسب درآمد بنده و چندین نفر کارگر فعال در آن می‌باشد در شرایطی که تمامی مسئولین خصوصاً مقام معظم رهبری بارها بر استمرار اشتغال و واحدهای صنفی و تولیدی با برداشته شدن موانع اشتغال تأکید داشته‌اند.

به صورت ابلاغی یا انشایی برای انجام بخشی از وظایف پست‌های سازمانی کارمندی مصوب شهرداری ممنوع و تبعات حقوقی و قانونی ناشی از این اقدام متوجه شهرداری ذیربط خواهد بود. / مدیرکل دفتر نوسازی، تحول اداری و فناوری اطلاعات

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر کل دفتر حقوقی و امور قراردادهای سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور به موجب لایحه شماره ۳۵۲۸۹ - ۱۳۹۹/۹/۴ به طور خلاصه توضیح داده است که:

۱- بخشنامه معترض‌عنه، مفاد آن متضمن تبدیل نوع قرارداد کارگران واجد شرایط پس از اخذ رضایت نامبردگان در حد تغییر نوع قرارداد بوده و در واقع تبدیل وضعیت از قراردادی به رسمی و یا به کارگیری نیروی جدید نمی‌باشد. چرا که افراد مذکور از قبل در ساختار سازمانی شهرداری دارای پست سازمانی بوده‌اند و این موضع منشأ اثرات مثبت در شهرداریها از جمله ارج نهادن به نیروهای موجود و ممانعت از تحمیل بار مالی مضاعف و جلوگیری از بکارگیری افراد بی‌تجربه در پست‌های مربوطه می‌باشد.

۲- مطابق با تبصره ماده ۵ قانون استخدام کشوری و واگذاری پست‌های سازمانی به اشخاص غیر از مستخدمین رسمی ممنوع است ولی در صورتی که برای تصدی برخی از پست‌های تخصصی نتوان از مستخدمین رسمی استفاده نمود ممکن است با تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور مستخدمین شرکت‌ها و مؤسسات دولتی مستثنی شده از این قانون را به عنوان مأمور به تصدی پست‌های سازمانی مذکور منصوب نمود و با آنان مانند مستخدم پیمانی رفتار کرد و در صورتی که در مؤسسات مزبور هم شخص مورد نظر یافت نشود با تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور می‌توان مستخدم مورد احتیاج را به عنوان مستخدم پیمانی برای تصدی پست مزبور استخدام نمود. با عنایت به اینکه در سنوات ماضی این نیروها تحت عنوان نیروی کارگری در ساختار و تشکیلات شهرداریها وجود داشته‌اند و برخی از آنان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و در مشاغل اداری و استخدامی کشور و شرایط مصرح در مصوبه شورای توسعه و مدیریت و سرمایه انسانی از نیروهای کارگری موجود برای جذب و به کارگیری در پست کارمندی استفاده گردید و طبق ماده ۲۷ قانون استخدامی کشور و مطابق بند (ت) ماده ۲ آیین‌نامه مسابقات و امتحانات مصوب سال ۱۳۶۳ سازمان امور اداری و استخدامی کشور و بند (ب) دستورالعمل اصلاح شده شماره ۲۷ سازمان مذکور استخدام افراد با معافیت از شرط آگهی در موارد خاص امکان پذیر می‌باشد. مفاد بخشنامه فوق‌الذکر جهت بهره‌مندی از تجارب و توانمندی کارگران موجود که دارای مدرک دانشگاهی هستند و پست با نام کارگری دارند، با رعایت اصل شایسته‌گزینی طبق فرآیند پیش‌بینی شده در مشاغل کارمندی مورد نیاز شهرداری استخدام گردیده‌اند.

۳- در سنوات گذشته نیز مطابق با ماده ۱۳۷ قانون استخدام کشوری افرادی را که طبق قوانین خاص خود کارگر شناخته شده‌اند با شرایط مصرح در ماده مذکور می‌توانسته‌اند به مستخدم رسمی تبدیل نمایند.

۴- مطابق مفاد نامه جانشین (وقت) معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور به شماره ۲۰۰/۹۲/۱۶۸۷۷ - ۱۳۹۲/۱۰/۴ رسیدگی و بررسی مسائل مربوط به حوزه‌های اداری و استخدامی و راهبری شوراهای اداری و استخدامی شهرداریها به این سازمان ابلاغ گردیده و این شورا جلسات خود را با حضور نماینده سازمان اداری و استخدامی کشور برگزار و نسبت به بررسی مسائل فوق اتخاذ تصمیم نموده است. در همین راستا و جهت انجام تکالیف قانونی مصرح در ماده ۶۲ قانون شهرداری و اساسنامه سازمان با برون سپاری مشاغل خدماتی به بخش خصوصی آن دسته از کارگرانی که در مشاغل کارمندی اشتغال داشته‌اند و دارای پست با نام کارگری بوده‌اند و تعداد آن نیز محدود می‌باشد با تصویب شورای مذکور، نسبت به ایجاد چهار چوب و ضوابط، مطابق با قوانین و مقررات اقدام گردیده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: به موجب ماده واحده لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشوری (غیر از شهرداری پایتخت) درباره کارکنان شهرداریهای سراسر کشور مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۹ شورای انقلاب، کلیه مستخدمین شهرداریها و مؤسسات تابعه و وابسته و اتحادیه شهرداریهای کشور مشمول قانون استخدام کشوری بوده و به استناد ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مشمول قانون یادشده نیستند، ثانیاً: استخدام در قانون استخدام کشوری شامل استخدام رسمی و استخدام پیمانی است و نحوه استخدام پیمانی در قانون استخدام کشوری به آیین‌نامه آن موکول شده است که به موجب ماده ۸ اصلاحی آیین‌نامه استخدام پیمانی مصوب ۱۳۸۱/۵/۳۰ هیأت وزیران مقرر شده:

۷. مقرر گردید گشت مشترک توسط ادارات فرمانداری ویژه، سازمان صنعت، معدن و تجارت، بهداشت و اتحادیه در خصوص بررسی سهمیه‌های تخصصی از تمامی نانوائی‌ها اقدام و در صورت احراز تخلف عرضه خارج از شبکه و یا خرید بر خلاف ضوابط آرد، نسبت به برخورد قانونی و معرفی به تعزیرات اقدام و همچنین موضوع در کمیته کارشناسی جهت تصمیم‌گیری برای کسر و یا قطع سهمیه نانوائیان متخلف، مطرح گردد.

در پاسخ به شکایت مذکور، اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان گنبدکاووس به موجب لایحه شماره ۱۶۰۱/۴۱۶۰۱ - ۱۳۹۹/۹/۴ توضیح داده است که:

۱. در خصوص بند یک اظهارات شاکی آقای طوی محمد کهن به عرض می‌رساند حسب بازرسی‌های متعدد از نانوائی نامبرده که در روستای هوتن از بخش مرزی اینچه برون و با فاصله حدود ۱۳۰ کیلوتری از شهرستان گنبد قرار داشته و همچنین بازدیدهای مکرر و بصورت مشترک با حضور کارشناسان بهداشت، غله و فرمانداری از نانوائی بربری آزاد بدون سهمیه به نام پرویز آق بندئی واقع در شهرستان گنبد که نامبرده باجناق آقای طوی محمد کهن بوده و برادرش به نام عبدالعزیز کهن را به عنوان مباشر در آنجا قرار داده است که تا کنون اقدامات و پرونده‌های متعددی برای ایشان تشکیل گردیده و نسبت به معرفی به تعزیرات حکومتی اقدام شده است همچنین پس از احراز تخلف سوء استفاده از منصب شغلی در زمان تصدی مدیرعاملی ایشان بر شرکت تعاونی خبازان، هیأت مدیره مذکور اقدام به جابجایی و عزل نامبرده از سمت مدیرعاملی می‌نمایند.

۲. در خصوص شایعاتی که آقای کهن عنوان نموده‌اند، به اطلاع می‌رساند طی کشف و تخلیه آرد دولتی در نانوائی آزاد بدون سهمیه متعلق به آقای پرویز آق بندئی که شرح آن در بند فوق‌الذکر بیان گردید و طی گزارشات واصله و بازدید مشترک با اداره اماکن و اطلاعات ناجا در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۱۲ مشاهده گردید که تعداد ۳۹ کیسه آرد آزاد سهمیه نانوائیان آزادپز به صورت غیرمجاز در آن واحد موجود بوده و همچنین مقدار ۲۰ کیسه نیز آرد در کیسه‌های زرد رنگ آرد ولی بدون کاغذ سرکیسه و بصورت باز موجود بوده و حسب اطلاع مأمورین انتظامی که از سهمیه آرد دولتی نانوائی متعلق به آقای کهن واقع در روستای هوتن حمل و به این نانوائی منتقل و تخلیه و تقلب در کسب و کیسه به کیسه نیز صورت گرفته است، سپس این اداره اقدام به تشکیل پرونده برای نانوائی پرویز آق بندئی تحت عنوان خرید بر خلاف ضوابط آرد و تقلب در کسب نموده و برای روشن شدن موضوع و در تحقیقات لازم، اقدام به دعوت از رانندگان برای بررسی موضوع جابجایی آرد دولتی توسط آقای کهن نموده و همچنین مرجع انتظامی نیز اقدام به تشکیل پرونده و بازجویی از پیمانکار حمل آرد و اخذ اقرار بر جابجایی در چندین مرحله از سهمیه آرد آقای کهن به نانوائی آق بندئی نموده است که موارد مذکور تشکیل پرونده و به تعزیرات حکومتی ارجاع می‌گردد و مرجع انتظامی نیز به تشکیل پرونده در دادستانی تحت عنوان سوء استفاده از موقعیت و منصب شغلی (آقای کهن مدیرعامل وقت شرکت تعاونی حمل و توزیع خبازان بوده) و تحصیل مال از طریق نامشروع اقدام می‌نماید ولی به علت عدم صلاحیت ذاتی رسیدگی به موضوع عرضه خارج از شبکه آرد در دادستانی و به صلاحیت اداره تعزیرات برای بررسی موضوع، پرونده جهت بررسی به اداره تعزیرات حکومتی شهرستان ارجاع می‌گردد و اداره یاد شده نیز جهت اخذ نظریه کارشناسی از این اداره استعلام می‌نماید که موضوع مورد بررسی قرار گرفته و با احضار رانندگان حمل و توزیع آرد منطقه و همچنین پیمانکار توزیع آرد شهرستان و اخذ اظهارات و اقرار بعمل آمده از پیمانکار و رانندگان حمل و توزیع که آرد سهمیه‌ای آقای کهن مربوط به روستای هوتن را به دفعات و به کرار و با سوء استفاده و با استفاده از جبر و فشار بر رانندگان در ایامی که به عنوان مدیرعامل در شرکت تعاونی فعالیت داشته، رانندگان را مجبور می‌نموده که مقداری از آرد سهمیه تخصصی به نانوائی دولتی متعلق به خودش در روستای هوتن از توابع بخش مرزی اینچه برون را به نانوائی آزاد بدون سهمیه به نام باجناقش پرویز آق بندئی واقع در گنبد تخلیه نموده که جدول مقدار سهمیه تخصیصی از فروردین سال ۹۸ لغایت خرداد ۹۹ که مجموعاً مقدار ۲۹۰۰ کیسه آرد سهمیه تخصیصی ایشان بوده ولی راننده مسیر روستای هوتن آقای اراز قربان حسین زاده طی اقرار و دفاعیه در این اداره بیان نمودند که مجموعاً مقدار ۲۰۱۳ کیسه آرد را در بازه زمانی یاد شده در نانوائی روستای هوتن تخلیه نموده است و مابقی در نانوائی پرویز آق بندئی تخلیه گردیده و جمعاً مقدار ۸۷۷ کیسه آرد بعنوان تخلف به عرضه خارج از شبکه صورت گرفته است که با احتساب هر کیسه آرد مبلغ ۳۵۲۵۰۰ ریال کل ارزش تخلف نامبرده به میزان ۳۱۲،۶۶۷،۵۰۰ میلیون ریال می‌باشد که با تکمیل تحقیقات و تشکیل پرونده موضوع به اداره تعزیرات حکومتی ارجاع می‌گردد که پس از رسیدگی و در تاریخ ۱۳۹۹/۸/۱۲ منجر به اصدار رأی بر محکومیت عرضه خارج از شبکه آرد برای آقای کهن به مقدار ۸۸۷ کیسه و به ارزش ۶۲۵/۳۳۵/۰۰۰ میلیون ریال و در تاریخ ۱۳۹۹/۵/۳۰ نیز برای نانوائی آق بندئی تحت عنوان تقلب در کسب و جابجایی و خرید آرد دولتی منجر به صدور رأی به مبلغ ۲۱/۵۰۰/۰۰۰ میلیون ریال می‌گردد.

۴. مطابق مستندات پیوست تعدادی از اهالی روستای هوتن و اعضای شورای اسلامی و دهیاری روستا مراتب رضایتمندی خودشان را از فعالیت اینجانب در قالب قانون گواهی کرده‌اند. از طرفی سازمان صمت استان نیز بارها و به صورت موکد به غیرقانونی بودن مصوبات و الزام به برقراری سهمیه آرد با اداره صنعت معدن شهرستان گنبد کاووس به عنوان دبیر کارگروه و سایر مراجع ذیربط مکاتبه داشته است.

۵. تمامی موارد فوق در شرایط کنونی و وضعیت اقتصادی جامعه در زمان انتشار ویروس منحوس کرونا موجب تضرر شدید بنده و کارگران شده است. به عبارتی کارگروه مذکور و مسئولین مربوط به آن بر خلاف موازین قانونی و شرعی اینجانب را بدون در اختیار داشتن دلیل محکمه‌پسند از حقوق اجتماعی خود محروم کرده‌اند.

۶. شایان کر است که در بندهایی از مصوبات کارگروه به تشکیل پرونده علیه اینجانب در مراجع قضایی و دیگر مراجع مربوطه اشاره شده است. در واقع پرونده‌ای که در خصوص واحد نانوائی باشد تشکیل نگردیده است و پرونده استنادی در مرجع قضایی نیز بعد از مصوبات کارگروه تشکیل و با رسیدگی در شعبه ۵ بازپرسی گنبد کاووس با قرار منع تعقیب مواجه شده است.

۷. برابر تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۸ به شماره ویژه ۷۳۷ که اعضای کارگروهی به منظور مدیریت، هدایت و تصمیم‌گیری چگونگی اصلاح کیفیت و تعیین قیمت‌ها و تهیه طرح جامع مرحله‌ای اصلاح نظام یارانه گندم، آرد و نان که برابر آن اعضای کارگروه را در سطح کشور مشخص نموده و در سطح استان‌ها با اعضای مشخص به استانداران تفویض اختیار نموده است و در ادامه تصویب‌نامه هیچ‌گونه قیدی مبنی بر تشکیل کارگروه در سطح شهرستان‌ها با ریاست فرمانداران به عمل نیامده است و برابر نص صریح تصویب‌نامه تشکیل کارگروه در سطح شهرستان‌ها و جاهد قانونی ندارد چرا که بعضاً به دلیل عدم آشنایی به قوانین و مقررات و خروج از حیطه قانونی اختیارات و دعوت افراد و ادارات به صورت کاملاً سلیقه‌ای مشکلات عدیده‌ای را در سطح شهرستان به وجود آورده است. به طور مثال در در مانحن‌فیه و مصوبات کارگروه مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ بدون انجام بازرسی از واحد نانوائی بنده و وجود دلیلی که به صراحت و قانوناً موجب ابطال جواز نانوائی گردد مبادرت به تصویب ابطال جواز نانوائی کرده‌اند.

۸. لذا ضمن درخواست ابطال مصوبات جلسه دوم کارگروه آرد و نان شهرستان گنبد کاووس مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ تقاضای رأی شایسته مبنی بر عدم تشکیل کارگروه در سطح شهرستان‌ها بدون تجویز قانونی و همچنین برقراری سهمیه آرد دولتی نانوائی و محکومیت اعضای کارگروه به پرداخت خسارت وارده را دارم.

شایان ذکر است که؛ شاکی با تقدیم لایحه‌ای که به شماره ۹۹ - ۱۲۹۱ - ۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ ثبت دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی گردیده، انصراف خود مبنی بر درخواست رسیدگی از بعد شرعی را اعلام نموده است.

متن مقرر مورد شکایت به قرار زیر است: " ۱. در خصوص تعیین تکلیف پروانه کسب پرویز آق بندئی متصدی نانوائی بربری آزادپز بدون سهمیه و همچنین پروانه کسب طوی محمد کهن متصدی نانوائی بربری دولتی واقع در روستای هوتن و با توجه به تخلف سوء استفاده از موقعیت شغلی و مشکلات بوجود آمده در خصوص جابجایی آرد دولتی و خرید آرد آزاد بر خلاف ضوابط و با عنایت به پیشنهاد ابطال پروانه با نظر کلیه اعضای کارگروه، مقرر گردید دبیرخانه نسبت به استعلام از سازمان متبوع استانی اقدام و برابر قوانین مربوطه رفتار گردد.

۲. با عنایت به اظهارات نیروی انتظامی مبنی بر تخلف جابجایی آرد توسط نانوائی دولتی به تصدی آقای طوی محمد کهن و احراز موضوع، مقرر گردید اداره غله نسبت به قطع سهمیه آرد ایشان اقدام و تا تعیین تکلیف توسط کارگروه از هر گونه تخصیص سهمیه به نامبرده خودداری گردد.

۳. در خصوص لزوم انجام تکالیف قانونی برابر بند (ب) مصوبات اولین جلسه کارگروه آرد و نان استان مبنی بر صدور پروانه کسب آزادپز بدون سهمیه، مقرر گردید کمیته کارشناسی نسبت به بررسی موضوع اقدام و نتایج برای طرح در جلسه بعدی ارسال گردد.

۴. مقرر گردید شرکت تعاونی و پیمانکار حمل آرد برابر مصوبات قبلی کارگروه نسبت به ارائه گزارش توزیع بصورت هفتگی اقدام و در غیراین صورت نسبت به تعیین تکلیف وضعیت فعالیت پیمانکار حمل آرد، اقدام گردد.

۵. مقرر گردید نرخ نانوائی‌های فانتزی شهرستان در کمیته کارشناسی مطرح و تصمیم‌گیری شده و برای طرح در جلسه بعدی ارسال گردد.

۶. برابر ابلاغیه سازمان صمت استان مقرر گردید کارخانجات آردسازی نسبت به تسریع در تغییر رنگ کیسه‌های آرد به ترتیب آرد یارانه‌ای نوع ۱ و آرد نیمه‌یارانه‌ای نوع ۲ و آرد آزاد و آرد نول اقدام و در غیراین صورت نسبت به کسر سهمیه گندم تخصیصی اقدام گردد (موضوع توسط ادارات سازمان صنعت، معدن و تجارت، غله، جهاد کشاورزی و تعزیرات پیگیری گردد).

عدالت اداری تشخیص داده نشد و پرونده جهت رسیدگی به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود.

ب - بر مبنای مفاد دادنامه شماره ۱۴۳۸ - ۱۳۹۸/۷/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تصویب‌نامه شماره ۹۷۴۷۷/۹۷۴۷۷/۵۱۲۵۲ هـ - ۱۳۹۳/۸/۲۶ هیأت وزیران که به منظور تشکیل کارگروه‌هایی در سطح کشور و استان برای تنظیم امور مربوط به گندم، آرد و نان وضع شده، متضمن تشکیل کارگروه‌های موضوع این تصویب‌نامه در سطح شهرستان نیست و ایجاد کارگروه‌های شهرستانی جز در مواردی که اختیارات مقرر در تصویب‌نامه مذکور توسط کارگروه‌های استانی به آنها تفویض شود، مبنای حقوقی ندارد. با عنایت به این موضوع و با وجود آنکه تشکیل جلسات کارگروه آرد و نان شهرستان گنبد کاووس بر مبنای تفویض اختیار مقرر در بند «الف» مصوبات چهارمین جلسه کارگروه آرد و نان استان گلستان در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۹ صورت گرفته است، ولی با عنایت به اینکه بر مبنای مصوبه مذکور کارگروه استان گلستان، مصوبات و تصمیمات کارگروه‌های شهرستانی پس از تأیید در کارگروه استان اجرایی می‌شود و بر مبنای مفاد نامه شماره ۱۲۸/۵/۶۲۳۲ - ۱۴۰۰/۲/۸ رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان گلستان، مصوبات مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ دومین کارگروه آرد و نان و گندم شهرستان گنبد کاووس بدون تأیید کارگروه استان اجرایی شده‌اند؛ بنابراین وضع بندهای ۳، ۵، ۶ و ۷ از مصوبات مذکور، خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۸۴۱ ۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۷۳۶ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۲ با موضوع: «بخشنامه شماره ۰۳۷/۶۰۳۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۸ اداره کل بازرسی استان کرمانشاه ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۲ شماره دادنامه: ۷۳۶ شماره پرونده: ۹۹۰۱۸۴۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای منوچهر اسفندیاری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۰۳۷/۶۰۳۹۵ - ۱۳۹۹/۳/۱۸

اداره کل بازرسی استان کرمانشاه

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۰۳۷/۶۰۳۹۵ -

۱۳۹۹/۳/۱۸ اداره کل بازرسی استان کرمانشاه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته

اعلام کرده است که:

۱- اداره کل بازرسی استان کرمانشاه خطاب به اشخاص حقوقی و دستگاه‌های اداری به آنان تکلیف کرد که در موارد ارجاع کارشناسی صرفاً (به معنای الزام) درخواست خود را از طریق مکاتبه با کانون یا مرکز کارشناسان رسمی دادگستری مطرح کنند سپس در ادامه این بخشنامه انجام مکاتبه توسط دستگاه‌های مورد خطاب با کارشناسان رسمی دادگستری را اقدام خودسرانه و موجب نقض مواد ۳۰ و ۳۱ آیین‌نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری تشخیص داده و با استناد به بند (ج) ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی آن همکاری مستقیم بین مراجع مورد خطاب با کارشناسان رسمی دادگستری را منجر به وقوع تخلف و بی‌انضباطی در امور محوله و کارشناسی امور جاری ارزیابی کرده است؛ بر اساس مواد ۱ و ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور حیطه مأموریت و صلاحیت این سازمان مشخص شده و بر این اساس سازمان بازرسی حق دخالت در امور شرکتهای خصوصی و تعیین تکلیف برای آنها را ندارد؛ بنابراین خطاب قراردادن مدیران عامل شرکتهای غیردولتی و الزام آنها در خصوص نحوه استفاده از خدمات کارشناسی فاقد وجهت قانونی و برخلاف صلاحیت آن اداره کل است.

۲- در هیچ یک از مواد قانون کارشناسان رسمی دادگستری و آیین‌نامه اجرایی آن هیچگونه تکلیف و اجباری به اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی به منظور مراجعه و مکاتبه با کانون کارشناسان برای تعیین کارشناس وجود ندارد و صرفاً تنها تکلیف

۳. مهمترین نکته اینکه حسب بررسی موضوع در دومین جلسه کارگروه آرد و نان شهرستان در مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ و برابر توضیحات بازرسی این اداره و مرجع انتظامی و احراز تخلفات ابرازی توسط آقای کهن و بنا بر تصمیم اعضای کارگروه و برای پیشگیری از ادامه وقوع تخلف و همچنین جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان در روستای هوتن که سهمیه برای آن منطقه محروم و مرزی تخصیص داده شده ولی در آن منطقه مصرف نشده و به عنوان نوعی حق واقعی و قانونی اهالی آن روستا ضایع گردیده است و با توجه به احراز تخلف برای کلیه اعضا و رییس محترم کارگروه و برای جلوگیری از ادامه ارتکاب تخلف و جلوگیری از ضایع شدن حقوق دولتی و شهروندان مقرر به اتخاذ تصمیم بر قطع سهمیه تا تعیین تکلیف از ناحیه مراجع قضایی و تعزیرات در آن ایام گرفته می‌شود و همچنین واحدهای خبازی نامبرده با دستور مرجع قضایی و به جهت پیشگیری از ادامه ارتکاب تخلف پلمب می‌گردد.

۴. بدین ترتیب مطابق بند یک صورتجلسه دومین جلسه کارگروه آرد و نان شهرستان مقرر گردید در خصوص امکان ابطال پروانه کسب از سازمان متبوع استعلام صورت بگیرد و همچنین برای جلوگیری از ابطال پروانه نامبرده نیز این اداره برابر نامه شماره ۱۳۵۳۵/۲۴/۱۲۸ - ۱۳۹۹/۴/۲ اقدام به اعلام مفاد قانون نظام صنفی به اتحادیه خبازان این شهرستان نموده و پیگیری ممنوعیت اتخاذ هر گونه تصمیم برای ابطال را نموده است. و سپس به اتحادیه مربوط طی نامه شماره ۱۳۵۳۵/۲۴/۱۲۸ - ۱۳۹۹/۴/۲ در خصوص جلوگیری از ابطال پروانه تا اخذ پاسخ استعلام از استان اخطار می‌گردد که در این خصوص مقتضی است از هر گونه اقدام بر خلاف نص صریح قوانین یاد شده خودداری نمایند. و طی نامه شماره ۱۸۳۷۲/۲۴/۱۲۸ - ۱۳۹۹/۴/۱۲ نیز پاسخ استعلام دریافتی از استان به اتحادیه اعلام می‌گردد که در این خصوص حسب مکاتبه شماره ۱۴۸۹۱/۴/۱۲۸ - ۱۳۹۹/۴/۱ سازمان متبوع شرایط ابطال پروانه کسب مطابق ترصه ۵ ماده ۱۲ قانون نظام صنفی می‌باشد که اتفاق رخ داده (حمل و عرضه خارج از شبکه و خرید بر خلاف ضوابط آرد) با لحاظ مقررات قانونی برای امکان ابطال پروانه و تخلفات ابرازی نامبرده جزو شرایط ابطال پروانه کسب نمی‌باشد که با توجه به عدم توجه رییس اتحادیه به این موضوع که ایشان دستور بر ابطال جواز کسب آقای کهن در سامانه می‌نمایند که با دستور کمیسیون نظارت استان مجدداً سامانه ایرانیان اصناف بازگشایی گردیده و نسبت به برگشت پروانه ایشان اقدام می‌گردد و در حال حاضر نیز پروانه نامبرده فعال و دارای اعتبار می‌باشد و در خصوص تخلف رئیس اتحادیه نیز موضوع در کمیسیون نظارت شهرستان مطرح و نسبت به اخطار کتبی با درج در پرونده برای رئیس اتحادیه حکم صادر می‌گردد.

۵. در خصوص بازگشایی سامانه خرید آرد برای آقای طوی محمد کهن نیز از همان ماه بعد یعنی از تیرماه سال جاری مجدداً سهمیه ایشان برقرار و از همان ایام شروع به فعالیت و پخت نان می‌نماید و هر دو نانوائی آقای کهن و آقای بندئی در حال فعالیت و با اعتبار پروانه کسب و تخصیص سهمیه صورت گرفته است.

۶. در خصوص برگزاری جلسات کارگروه شهرستانی نیز با توجه به تفویض اختیار داده شده برابر بند الف مصوبات چهارمین جلسات کارگروه آرد و نان استان در مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۹ اقدام به تشکیل جلسات کارگروه در شهرستان می‌گردد و مصوبات و تصمیمات پس از تأیید کارگروه استان به منصفه اجرا قرار می‌گیرد. لذا با جمیع مطالب معنونه و ضمن پیوست کلیه مکاتبات و مستندات یاد شده مراتب جهت استحضار ایفاد می‌گردد.» هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - براساس بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیتها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه بندهای ۱، ۲ و ۴ از مصوبات مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۱ دومین کارگروه آرد و نان و گندم شهرستان گنبد کاووس متضمن وضع قاعده آمره عام‌الشمول نبوده و از مصادیق مقررات موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌شوند، بنابراین رسیدگی به شکایت مطروحه به خواسته ابطال مقررات مذکور قابل طرح در هیأت عمومی دیوان

کارشناسی و نظارت کامل بر عملکرد کارشناسان و اخذ مالیات بر درآمد و رعایت جغرافیا و محدوده فعالیت کارشناسان و عدالت در تقسیم کارشناسی، در اجرای ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی قانون موصوف، نامه مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۸ توسط بازرسان کل استان مربوطه به دستگاه‌های مربوط منعکس شده است. در متن نامه مورد شکایت نیز عنوان شده که «مراتب در اجرای بند (ب) ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی آن» صادر شده است بنابراین صدور نامه هشدار فوق اطلاق بر بخشنامه نداشته و از وظایف احصایی این سازمان در راستای حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین است و شکایت شاکي در شمار موارد مصرح در ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیست؛ بنا به مراتب و با توجه به اینکه بازرسی استان این سازمان به وظایف قانونی خود در ارسال نامه مورد شکایت عمل نموده است، لذا رد خواسته مشارالیه مورد درخواست می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: مفاد بخشنامه شماره ۰۳۷/۶۰۳۹۵ - ۱۳۹۹/۳/۱۸ اداره کل بازرسی استان کرمانشاه به دلیل آن که در قسمت پایانی خود متضمن وضع قاعده آمره عام‌الشمول و لازم‌الاجرا است، از مصادیق مقررات موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ محسوب می‌شود. ثانیاً: هرچند به موجب بند «ج» ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۵) و ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۵ به مدیران کل نظارت و بازرسی سازمان بازرسی کل کشور اختیار داده شده است تا نسبت به ارائه گزارشهای نظارتی هشداردهنده به هنگام، به مقامات مسئول جهت پیشگیری از وقوع جرم، تخلف و سوء جریانات احتمالی اقدام کنند، اما اعمال این اختیار متضمن این امر نیست که مدیران یادشده در امور اجرایی دخالت کرده و یا در چهارچوب اعمال این اختیار بتوانند نسبت به صدور بخشنامه لازم‌الاجرا اقدام کنند. بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه در بخشنامه شماره ۰۳۷/۶۰۳۹۵ - ۱۳۹۹/۳/۱۸ اداره کل بازرسی استان کرمانشاه علاوه بر اشاره به قوانین و مقررات مربوطه، در بخش پایانی اقدام به وضع مقرره‌ای شده است که متضمن ایجاد تکلیف برای دستگاههای اجرایی و حتی بخشهای غیردولتی استان کرمانشاه در خصوص روش اجرای قوانین و مقررات مربوطه است و مبنای قانونی برای ایجاد تکلیف فوق وجود ندارد، بنابراین بخشنامه مذکور خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۰۶۱۵

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۷۵۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «ماده ۷ عوارض تفکیک عرصه و اعیان از تعرفه عوارض مصوب شورای اسلامی شهر کرمانشاه از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.
مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۷۵۰ شماره پرونده: ۹۹۰۰۶۱۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: خانم شهلا عاصی و آقای محمدرسول صفاری با وکالت آقای پیام خنجری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۷ عوارض تفکیک عرصه و اعیان از تعرفه عوارض مصوب شورای اسلامی شهر کرمانشاه

گردش کار: شاکیان با وکالت آقای پیام خنجری به موجب دادخواستی ابطال ماده ۷ عوارض تفکیک عرصه و اعیان و ماده ۵ عوارض احداث بنا در تراکم مازاد از تعرفه عوارض مصوب شورای اسلامی شهر کرمانشاه را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

موجود مربوط به استفاده از خدمات کارشناسان رسمی دادگستری است ضمن اینکه در همین قانون استثناء خاصی برای دستگاه و مراجع قضایی در استفاده نکردن از خدمات کارشناسان رسمی دادگستری پیش‌بینی شده است؛ بنابراین الزام آنان در خصوص نحوه استفاده از خدمات کارشناسان رسمی دادگستری ناقض حقوق مخاطبان و همچنین کارشناسان رسمی دارای پروانه معتبر هم از نظر انتخاب کارشناس مورد وثوق دستگاه‌ها و هم از نظر آزادی ارائه خدمت توسط کارشناسان رسمی دادگستری است.

۳- استناد اداره کل بازرسی استان کرمانشاه به بند (ج) ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور ناظر به مجوز دخالت آن سازمان در فرآیند رجوع و تعیین کارشناس رسمی نیست و به نوعی تفسیر موسع و مصادره به مطلوب از متن صریح این ماده قانونی است. همچنین هشدار مندرج در ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی با دخالت در امور جاری و فرایندهای داخلی دستگاه تفاوت دارد. از سوی دیگر نمی‌توان روال ارائه خدمات را بر اساس سیستم سهمیه بندی و ارجاع از جانب اتحادیه یا نظام صنفی مربوطه و غیره استوار کرد چرا که زمینه‌های خلاقیت و رقابت حرفه‌ای را به شدت کاهش می‌دهد. بنابراین مستنداً به مواد ۱۸ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، مواد ۳۰ و ۳۱ آیین‌نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری، مواد ۱ و ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، اصول ۲۲ و ۴۹ قانون اساسی، ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی آن و ماده ۱ و سایر مواد قانون دیوان عدالت اداری، صدور حکم مبنی بر ابطال بخشنامه مورد اشاره که فاقد وجهت قانونی و خارج از حدود اختیارات است را دارم.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«مدیران کل محترم دستگاه‌های اجرایی استان کرمانشاه
مدیرعامل شرکت‌های دولتی و غیردولتی استان کرمانشاه
رؤسای محترم دانشگاه‌های استان کرمانشاه
شهرداران محترم استان کرمانشاه
مدیران محترم امور شعب شبکه بانکی استان

سلام علیکم، احتراماً پیرو نامه‌های شماره ۲۵۳۲۵۳ - ۱۳۹۴/۱۲/۱۹، ۱۳۹۴/۰۳/۰۳ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ و ۱۳۹۶/۱۱/۱ - ۲۳۹۳۹۰ بر اساس مقررات مورد اشاره در این نامه‌ها ضرورت دارد کلیه دستگاه‌های اجرایی در زمان ارجاع امورات جاری خود به کارشناسی رسمی دادگستری در رشته و تخصص مورد تقاضا به منظور رعایت طرفیت و صلاحیت در ارجاع نظرات کارشناسی بی‌طرفانه و به دور از هرگونه جانبداری مطابق با ماده ۱۸ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۸ فروردین ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی: «کلیه وزارتخانه‌ها مؤسسات دولتی شرکتهای دولتی نهادهای غیردولتی وسایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا ذکر صریح نام می‌باشد باید از وجود کارشناسان رسمی استفاده نمایند...» صرفاً موضوع درخواست خود را در این خصوص از طریق مکاتبه با کانون یا مرکز کارشناسان رسمی دادگستری استان مطرح و پیگیری نمایند لیکن با توجه به گزارشات واصله مبنی بر بروز مشکلاتی در زمینه نحوه پرداخت دستمزد کارشناس رسمی دادگستری عدم احراز صلاحیت تخصص کارشناس مورد نظر ممنوعیت و محدودیت‌های قانونی و قضایی حوزه جغرافیایی و ... مشاهده شده است که از برخی دستگاه‌های اجرایی و یا سایر دستگاه‌های اشاره شده بدون رعایت قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی قانون اقدام به مکاتبه خودسرانه با کارشناسان رسمی نموده و کارشناسان نیز مستقیماً نظریه خود را به دستگاه اعلام می‌نمایند که این امر موجب نقض مواد ۳۰ و ۳۱ آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری نیز شده است از این رو مراتب در اجرای بند (ج) ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی آن و با توجه به اینکه این امر منجر به وقوع تخلف و بی‌انضباطی در امور محوله و کارشناسی امور جاری خواهد شد ضروری است کانون یا مرکز کارشناسان رسمی دادگستری استان کاربرگهایی تهیه و تنظیم نمایند تا کلیه کارشناسان محترم موظف به ارائه گزارش برای کاربرگ‌هایی از قبل تهیه شده باشد لذا به منظور جلوگیری از نقض قانون و ساماندهی امورات کارشناسان دستور فرمایید در اسرع وقت نسبت به تعیین تکلیف و اصلاح وضعیت موصوف اقدام و مستندات نتایج حاصله به این اداره کل ارسال گردد. - بازرس قضایی و بازرس کل استان کرمانشاه

در پاسخ به شکایت مذکور مدیرکل دفتر امور حقوقی سازمان بازرسی کل کشور به‌موجب لایحه شماره ۳۰۲/۲۲۳۰۶۶ - ۱۳۹۹/۸/۱۸ توضیح داده است که:

«در سنوات گذشته و اخیر غالباً بانک‌ها و تعدادی از ادارات استان کرمانشاه در انجام امور کارشناسی رأساً و بدون اطلاع کانون کارشناسان رسمی و مرکز کارشناسان رسمی دادگستری از کارشناس مورد نظر و بعضاً ثابت استفاده می‌کردند؛ این شیوه ارجاع به کارشناس باعث تضییع حقوق طرف مقابل علی‌الخصوص در تملک اموال غیرمنقول می‌گردید. لذا به منظور اجرای قانون و جلوگیری از سوء جریان و رعایت تخصص امورات

تبصره ۱: مقررات این ماده مشمول تفکیک عرصه اراضی کمتر از ۵۰۰ مترمربع می‌باشد و در اراضی بالای ۵۰۰ مترمربع ملاک عمل تفکیک ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری‌ها می‌باشد. لازم بذکر است املاکی که سند مالکیت آن‌ها به موجب مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اسناد و الحاقات بعدی و هم چنین املاک قولنامه‌ای اوقافی، و غیره که از سوی سایر مراجع بدون اخذ استعلام از شهرداری صادر می‌گردد از این تبصره مستثنی بوده و مشمول پرداخت عوارض معادل دو برابر جدول این ماده به ازاء هر مترمربع می‌گردد.

تبصره ۲: هرگونه تفکیک عرصه خارج از ضوابط طرح تفصیلی (حدنصاب شهرسازی) مشمول عوارضی معادل ۳ برابر جدول فوق به ازاء هر متر مربع می‌گردد. (مرجع تشخیص حد نصاب شهرسازی واحد شهرسازی می‌باشد).

تبصره ۳: در محاسبه سهم عرصه زیربنا خالص واحدها ملاک محاسبه و اخذ عوارض عرصه می‌باشد.

تبصره ۴: عوارض تفکیک عرصه لازم است قبل از صدور پروانه اخذ گردد در مورد موارد مندرج در تبصره یک در زمان توافقات و یا هرگونه استعلام قابل وصول است.

تبصره ۵: عوارض افزای املاک مشابه تفکیک و با شرایط تفکیک قابل وصول می‌باشد. (ب) تفکیک اعیان: عوارض تفکیک اعیان برای هر متر مربع براساس جدول ۷ - ۲ محاسبه می‌گردد.

جدول (۷ - ۲)

ردیف	کاربری	عوارض تفکیک اعیان
۱	مسکونی	A ۱۰٪
۲	تجاری - خدماتی	A ۶۵٪
۳	کارگاهی - صنعتی	A ۳۳٪
۴	باغات	A ۲۵٪
۵	اداری - انتظامی و نظامی	A ۳۰٪
۶	نیم طبقه تجاری	A ۳۳٪
۷	سایر	A ۵٪

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر کرمانشاه به موجب لایحه شماره ۷۱۲/ش - ۱۳۹۹/۴/۸ توضیح داده است که: "مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با سلام و تحیات الهی

احتراماً، در خصوص دادخواست خانم شهلا عاصی و آقای محمدرسل صفاری موضوع شماره پرونده ۹۹۰۰۳۳۱-۹۹۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۳۲۰/۱۳۹۹/۳/۲۰ با کلاسه پرونده ۹۹۰۰۶۱۵ که در دبیرخانه شورای اسلامی شهر کرمانشاه به شماره ۷۱۲/ش - ۱۳۹۸/۳/۳۱ به ثبت رسیده است اشعار می‌دارد: این شورا در راستای اجراء آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۳۲۲-۱۳۹۷/۳/۲۵ موضوع کلاسه پرونده ۱۲۳/۹۵ و ۳۱-۱۳۹۷/۱/۲۱ موضوع کلاسه پرونده ۱۴۱۳/۹۵ در خصوص چگونگی اخذ پذیره ساختمانی (ابقاً بنا بعد از کمیسیون ماده ۱۰۰) و دادنامه شماره ۳۱۱-۱۳۹۷/۲/۱۸ موضوع کلاسه پرونده ۴۱۱/۹۶ در خصوص عدم دریافت عوارض تفکیک در اشکال مختلف اعم از عرصه و اعیانی نسبت به تصویب طرح شماره ۳۳۸۲/ش - ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ اقدام نمود که بر اساس این طرح شهرداری کرمانشاه موظف گردید عوارض پذیره را بر اساس سال پروانه ساخت اخذ نموده و در خصوص تفکیک اعیانی هم عوارض از شهروندان دریافت ننماید که از فرمانداری کرمانشاه طی نامه شماره ۷۱۴۱/۱/۱۲۳۶۲-۱۳۹۸/۴/۲۰ بند ۶ ابهام مطرح نموده که نهایتاً منجر به بند ۶ مصوبه شماره ۱۴۶-۱۳۹۸/۵/۱۳ گردید که موضوع طی نامه شماره ۷۱۴۱/۱/۱۴۲۸۲-۱۳۹۸/۵/۱۷ عدم مغایرت مصوبه توسط فرمانداری اعلام گردیده و برابر قوانین موجود از همان روز لازم‌الاجرا می‌باشد که متأسفانه شهرداری کرمانشاه هیچگونه توجهی به مصوبه مذکور نداشته و کماکان نسبت به اخذ پذیره ساختمانی (ابقاً بنا بعد از کمیسیون ماده ۱۰۰) به نرخ روز و بر پایه ضرایب دفترچه و همچنین عوارض تفکیک اعیان اقدام می‌نماید که این تخلف (یعنی عدم اجرای مصوبه شورا) طی نامه شماره ۲۳۴۱/ش - ۱۳۹۸/۹/۱۹ به استحضار فرماندار - دادستان - مدیر کل سازمان بازرسی استان کرمانشاه جهت رسیدگی و پیگیری ارسال گردیده که متأسفانه تاکنون هیچگونه اقدامی از سوی این مراجع نظارتی صورت نگرفته است که نیازمند صدور حکم صریح به ابطال دو مورد مذکور مربوط به مصوبه سال ۱۳۹۷ و الزام به اجرای مصوبه اصلاح شده شورا توسط شهرداری می‌باشد و همچنین شورای اسلامی شهر کرمانشاه در راستای وظایف قانونی خود نسبت به تغییرات ماده ۴ دفترچه تعرفه عوارض (ساختمانی، محلی و صنوف) به استناد آراء شماره ۳۲۲ و ۵۷۸ هیأت عمومی دیوان اقدام و شهرداری را مکلف به اخذ عوارض به نرخ سال صدور پروانه و همچنین حذف ضرایب و حذف اخذ عوارض تفکیک اقدام نمود که متأسفانه باز هم شهردار کرمانشاه در یک عمل خلاف

"ریاست محترم و اعضاء گرانقدر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با سلام

احتراماً اینجانب پیام خنجری با اختیار حاصل از مدلول یک برگ وکالتنامه ملصق به تمبر مالیاتی به استحضار آن عالی مقامان می‌رساند:

۱) شورای اسلامی شهر کرمانشاه، بدون در نظر گرفتن مقررات فوق، طی مصوبه‌ای تحت عنوان «تعیین و وصول عوارض اخذ تفکیک اعیانی و عرصه» مبادرت به اخذ جواز به شهرداری کرمانشاه جهت اخذ وجوهی غیرقانونی از شهروندان کرمانشاه نموده است. مطابق این مصوبه عوارض تفکیک اعیان به نحو ذیل می‌باشد:

۱- بر اساس جدول شماره ۷ - ۲ عوارض تفکیک اعیان مسکونی به ازای هر متر مربع ۱۰٪ (مندرج در صفحه ۱۶ دفترچه)

۲- عوارض تفکیک اعیان تجاری خدماتی ۶۵٪

۳- عوارض تفکیک اعیان کارگاهی صنعتی ۳۳٪

۲) این در حالی است که مطابق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور، مصوب سال ۱۳۷۵ تصویب لوائح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن از جمله وظایف شورای اسلامی شهرها است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت یکی از رسالت‌های شوراها وضع عوارض است که شهرداری وضع این عوارض را به صلاح و صرفه خود شهروندان می‌داند. اما این اخذ عوارض نباید از طریق غیرقانونی وصول گردد؛ همچنین ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی را از اخذ وجوه خلاف مقررات منع می‌کند. در این راستا، حکم مقرر در تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مبنی بر ممنوعیت دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات مازاد بر حکم مقنن در قبال ارائه خدمات توسط مراجع مذکور در قوانین یاد شده، اخذ عوارض تفکیک اعیان توسط شهرداری کرمانشاه خلاف قانون می‌باشد.

۳) همچنین، در ارتباط با عوارض تفکیک عرصه و حق تفکیک اعیانی، بر اساس دادنامه‌های شماره ۹۷ - ۱۳۹۵/۲/۲۸، ۳۱ - ۱۳۹۷/۱/۲۱، ۲۱۸ - ۱۳۸۷/۴/۹، ۵۳ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۵، ۳۱ - ۱۳۹۷/۱/۲۱ و ۶۲۱ - ۱۳۹۱/۹/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ تعیین و دریافت عوارض تفکیک اعیان و عرصه خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی شهر تشخیص داده شده است. با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای مشابه اخذ چنین وجوهی در شهرهای دیگر را خلاف قانون قلمداد کرده است، اصل عدالت مالیاتی و حفظ حقوق شهروندی نیز اقتضا می‌کند وقتی اخذ عوارض از شهروندان بخشی از این سرزمین در مغایرت با قانون تشخیص داده شده است، نمی‌توان از مردم بخشی دیگر همان وجه را دریافت و آن را قانونی بشمار آورد؛ چرا که این امر با اصل ۲۰ و بند ۱۴ از اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر یکسانی افراد برابر قانون در تعارض آشکار می‌باشد. هیأت عمومی بارها اخذ عوارض تفکیک عرصه و اعیان از سوی شهرداری شهرستانهای دیگر را ابطال نموده اما علیرغم این موضوع و درج آن در روزنامه رسمی یا اعلان آن توسط اشخاص به شورا تأثیری بر روند نادرست آن شورا نداشته و باز هم مبادرت به اخذ این مصوبه نموده‌اند.

۴) از سوی دیگر مستنداً به ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب دی ماه سال ۱۳۸۹ اخذ عوارض صدور پروانه ساختمانی مجاز است اما بر اساس صدر رأی شماره ۳۳۶ - ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ عوارض صدور پروانه ساختمانی از جمله عوارض پذیره باید بر اساس ضوابط و مأخذ معتبر در تاریخ صدور آن (پروانه) دریافت شود؛ نه به نرخ روز، از سوی دیگر با عنایت به آرای ذکر شده از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر غیرقانونی بودن اخذ عوارض تفکیک اعیانی اخذ وجوه مذکور بر خلاف ماده ۴ قانون بخشی از مقررات مالی دولت است.

حال و نظر به مراتب و معنونه در فوق، مستنداً به مواد ۱۳، بند یک ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ از قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر کرمانشاه و جلوگیری از اخذ غیرقانونی شهرداری مذکور از زمان تصویب و خارج از نوبت را دارم. لازم به ذکر است اینجانب از حیث خلاف بین شرع بودن هیچ ادعایی ندارم. ضمناً اعمال ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری را نیز از محضر ریاست خواستارم.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

"ماده ۷: عوارض تفکیک عرصه و اعیان

(الف) تفکیک عرصه: عوارض تفکیک عرصه و برای هر مترمربع بشرح جدول ذیل محاسبه می‌شود. جدول (۷ - ۱)

ردیف	کاربری	عوارض تفکیک عرصه	ردیف	کاربری	عوارض تفکیک عرصه
۱	مسکونی	P	۴	باغات	P ۴
۲	تجاری، خدماتی	P ۳	۵	اداری - انتظامی و نظامی	P
۳	کارگاهی - صنعتی	P ۱/۵	۶	سایر	p

کارکنان شرکتی خود را طی حکم کارگزینی ابدایی به قراردادی تبدیل وضعیت نمود، لذا مصوبه مذکور تأثیری عام الشمول یافته و در مغایرت با قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی و نظریه رئیس مجلس شورای اسلامی می‌باشد. از این رو ابطال مصوبه مذکور را به دلیل مغایرت قانونی مذکور و خروج طرف شکایت از حدود اختیارات خود از بدو صدور (اعمال ماده ۱۳) از محضر قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خواستارم.

متن مقرر در مورد اعتراض به شرح زیر است:

” شهردار محترم رشت

با سلام و احترام

به اطلاع می‌رساند در چهارصد و نودمین جلسه شورای اسلامی شهر رشت مورخ ۱۳۹۱/۹/۱ اعضای شورا پیرو مصوبه شماره ۹۱/۱۱۳۲/ش - ۱۳۹۱/۴/۱۳ شورای اسلامی شهر رشت نقطه نظرات خود را در خصوص تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی بیان نمودند که پس از بحث و تبادل نظر با التفات به مطالعات انجام شده در مرکز پژوهش به استناد مصوبه شورای شهر و همچنین مصوبه شماره ۲/۱۳۴۷۱/ت/۴۷۶۴۳ هـ - ۱۳۹۰/۱۱/۱ هیأت وزیران و دستورالعمل شماره ۲۰۰/۲۸۲۹۸ - ۱۳۹۰/۱۱/۹ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور مبنی بر تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به قراردادی و انعقاد قرارداد مستقیم با آنان که متأسفانه علی‌رغم پیگیری‌ها و مکاتبات عدیده، استناداری از تاریخ ابلاغ مصوبه تاکنون اقدامی در این زمینه به عمل نیامده و از طرفی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور نیز ضمن تأکید بر این مهم همه دستگاه‌های ملی و استانی را مکلف به اجرای مصوبه فوق‌الذکر نموده‌اند، به اتفاق آراء مقرر گردید، شهرداری حداکثر ظرف یک ماه آینده ضمن پیش‌بینی تعهدات لازم حقوقی در قرارداد، نسبت به تبدیل وضعیت و انعقاد قرارداد با کلیه نیروهای شرکتی شهرداری که فعالیت آنان واجد شرایط موضوع بندهای دستورالعمل مصوبه هیأت وزیران می‌باشد، اقدام لازم را به عمل آورد. - رئیس شورای اسلامی شهر رشت ” در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر رشت به موجب لایحه شماره ۹۹۸/۱۷۶۹/ش - ۱۳۹۹/۹/۵ به طور خلاصه توضیح داده است که:

” - مصوبه مورد شکایت تأکیدی است بر اجرای مصوبه هیأت وزیران و جهت تطبیق با قوانین و مقررات به کمیته تطبیق فرمانداری شهرستان رشت ارسال گردید که هیچ‌گونه ایرادی بر مصوبه موصوف اعلام و ارائه نگردیده است.

- از ممر این تصویب‌نامه یکی از آرمانی‌ترین اهداف هر جامعه پویا و عدالت محور محقق شده است و لغو آن تبعات ناگواری خواهد داشت. مستند به بند (ب) ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ذینفع نبودن شاکی از موارد رد شکایت بر شمرده شده است. شاکی به کرات علیه مدیران و پرسنل شهرداری رشت به صورت انفرادی و یا گروهی، اقدام به طرح شکایت نموده است که همگی از سوی شعب دیوان رد شده است. با عنایت به مراتب فوق‌الذکر و لحاظ اینکه تعداد زیادی در سراسر کشور مستند به همان مصوبه هیأت وزیران در آن دوره تبدیل وضعیت یافته‌اند و با استناد به اینکه دارا شدن شغل جزء حقوق اولیه‌ای می‌باشد که در قانون اساسی در نظر گرفته شده است، رای به رد شکایت مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: مصوبه جلسه شماره ۴۹۰ - ۱۳۹۱/۹/۱ شورای اسلامی شهر رشت در رابطه با تبدیل وضعیت کارکنان واجد شرایط شهرداری از شرکتی به قرارداد کار معین بر مبنای تصویب‌نامه شماره ۲/۱۳۴۷۱/ت/۴۷۶۴۳ هـ - ۱۳۹۰/۱۱/۱ هیأت وزیران وضع شده و تصویب‌نامه مذکور در چهارچوب مقررات قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. ثانیاً: در ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، وظیفه و صلاحیتی برای شوراهای اسلامی شهر در خصوص اتخاذ تصمیم در رابطه با تبدیل وضعیت کارکنان شهرداری پیش‌بینی نشده است، بنابراین مصوبه جلسه شماره ۴۹۰ - ۱۳۹۱/۹/۱ شورای اسلامی شهر رشت که در رابطه با تبدیل وضعیت کارکنان واجد شرایط شهرداری از شرکتی به قرارداد کار معین وضع شده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال حکم مقرر در ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تسری ابطال مصوبه به زمان تصویب آن موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

مجرمانه موضوع اخذ عوارض به نرخ روز را به تمامی مناطق و سازمانهای بدون توجه به دفترچه عوارض تصویب سال ۱۳۹۹ ابلاغ نمود. (نامه شماره ۱۰۱/۱۴۳۱۶ - ۱۳۹۹/۳/۲۵ این شورا در جهت احقاق حق موکلین و شهروندان عزیز در حال پیگیری موضوع از طریق مراجع ذیصلاح و قضایی می‌باشد، لذا در خصوص دادخواست خانم شهلا عاصی و آقای محمدرسل صفاری ادعان می‌دارد که نحوه محاسبه عوارض پذیره سال ۱۳۹۷ خلاف مصوبه شورا بوده که در دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ شهرداری کرمانشاه اصلاح گردیده است. لازم به ذکر است برابر مصوبه شورا هیچ قید زمانی برای مصوبه فوق‌الذکر قید نشده و شامل کلیه سنوات ماضی می‌گردد.

در خصوص خواسته شاکیان مبنی بر ابطال ماده ۵ عوارض احداث بنا در تراکم مازاد از تعرفه عوارض مصوب شورای اسلامی شهر کرمانشاه با توجه به رأی شماره ۵۷۶ - ۱۳۹۸/۹/۶ هیأت عمومی قرار ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۹۳۷ - ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ مبنی بر رد دادخواست صادر شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳ این هیأت، وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است، بنابراین ماده ۷ تعرفه تصویبی عوارض محلی، ساختمانی، صنوف و بهای خدمات شهرداری کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ که با عنوان عوارض تفکیک عرصه و اعیان به تصویب شورای اسلامی شهر کرمانشاه رسیده، به دلایل مندرج در آرای فوق‌الاشاره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۸۲۰

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۴۹۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۶۵ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۳ با موضوع: «مصوبه جلسه شماره ۴۹۰ رئیس شورای اسلامی شهر رشت مصوب ۱۳۹۱/۹/۱ ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۹۶۵ شماره پرونده: ۹۹۰۱۸۲۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای امیرسبحان شهنازی سنگاچین

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه جلسه شماره ۴۹۰ رئیس شورای

اسلامی شهر رشت مصوب ۱۳۹۱/۹/۱

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال مصوبه جلسه شماره ۴۹۰ رئیس

شورای اسلامی شهر رشت مصوب ۱۳۹۱/۹/۱ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

” همان‌گونه که استحضار دارید رئیس مجلس شورای اسلامی در راستای قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، تصویب‌نامه هیأت وزیران به شماره ۲/۱۳۴۷۱/ت/۴۷۶۴۳ هـ - ۱۳۹۰/۱۱/۱ با موضوع انعقاد قرارداد مستقیم با کارکنان شرکتی و فسخ قرارداد شرکت‌های پیمان کاری، آن را طی نظریه شماره ۱۵۰۷۴/هـ/ب - ۱۳۹۱/۳/۳۱ لغو نمود، بنابراین مصوبه مذکور از تاریخ اعلام رئیس مجلس ملغی‌الاثرا دانسته شده است. از آنجا که طرف شکایت بر اساس چهارصد و نودمین جلسه خود در ۱۳۹۱/۹/۱ یعنی ۵ ماه پس از لغو مصوبه تبدیل وضعیت، ضمن معتبر برشمردن تصویب‌نامه مذکور مهلت یک ماهه برای تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی طرف قرارداد با شهرداری رشت به قراردادی ناشی از تصویب‌نامه یاد شده، تعیین نمود و شهرداری رشت نیز مستند به این مصوبه، صدها نفر از

شماره ۹۹۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۲۳۵

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۶۶ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «تعرفه شماره ۲۱ سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۱۸ سال ۱۳۹۶ و تعرفه شماره ۱۶ سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ مصوب شورای اسلامی شهر خمین ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۹۶۶ شماره پرونده: ۹۹۰۱۲۵۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: شرکت خدمات ارتباطی ایرانسل با وکالت آقای محمدحسین نوریان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه شماره ۲۱ سال ۱۳۹۳ و سال ۱۳۹۴ و سال ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۱۸ سال ۱۳۹۶ و تعرفه شماره ۱۶ سال ۱۳۹۷ و تعرفه سال ۱۳۹۸ موضوع عوارض خدمات شهرداری خمین

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره ۲۱ سال ۱۳۹۳ و سال ۱۳۹۴ و سال ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۱۸ سال ۱۳۹۶ و تعرفه شماره ۱۶ سال ۱۳۹۷ و تعرفه سال ۱۳۹۸ موضوع عوارض خدمات شهرداری خمین را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«به وکالت از موکل، مراتب اعتراض خود را نسبت به اقدامات غیرقانونی شهرداری خمین دائر بر اخذ عوارض محلی و بهای خدمات بابت نصب آنتن‌های مخابراتی اعلام نموده و به شرح لایحه پیوست توضیحات مقتضی ارائه می‌گردد.

ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً، نظر به اینکه اخذ عوارض در زمینه بهای خدمات بهره‌برداری موقت از اپراتورها و مالکین محل استقرار دکل و آنتن و تأسیسات مخابراتی و ارتباطی در خصوص اخذ بهای خدمات به صورت مضاعف بوده و خدماتی در قبال اخذ بهای مزبور به مالکین و اپراتورهای مخابراتی ارائه نمی‌گردد. ضمن عرض مراتب ذیل، تقاضای ابطال تعرفه شماره ۲۱ تعرفه عوارض خدمات شهرداری خمین برای سال ۱۳۹۳ و تعرفه شماره تعرفه عوارض خدمات شهرداری ۲۱ تعرفه عوارض خدمات شهرداری خمین برای سال ۱۳۹۳ و تعرفه شماره تعرفه عوارض خدمات شهرداری خمین برای سال ۱۳۹۴ و تعرفه شماره تعرفه عوارض خدمات شهرداری خمین برای سال ۱۳۹۵ و تعرفه شماره ۱۸ تعرفه عوارض خدمات شهرداری خمین برای سال ۱۳۹۶ و تعرفه شماره ۱۶ تعرفه عوارض خدمات شهرداری خمین برای سال ۱۳۹۷ و تعرفه شماره ۱۶ تعرفه عوارض خدمات شهرداری خمین برای سال ۱۳۹۸ مستنداً به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ همچنین صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای مصوبات مزبور مورد استدعا است:

۱- مطابق ماده ۶۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی، یک تبصره به ماده ۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور به شرح ذیل الحاق گردیده است: «دریافت و پرداخت هرگونه وجهی تحت هر عنوان توسط دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی باید در چهارچوب قوانین موضوعه کشور باشد و هرگونه دریافت و پرداخت بر خلاف مفاد این ماده در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است، کلیه مسئولان و مقامات ذیربط، مدیران، ذی حسابان و مدیران مالی، حسب مورد مسئول اجرای این حکم می‌باشند.

۲- بند ۲۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداری مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته را منوط به رعایت مقررات مربوطه نموده است. قید رعایت مقررات مربوطه در ماده مزبور بر بردارنده دو نتیجه سلبی و ایجابی می‌باشد. مبنی بر اینکه اولاً خدمت مزبور نمی‌بایست در صلاحیت سایر سازمانها و نهادهای حاکمیتی قرار گیرد و ثانیاً خدمت مزبور می‌بایست صراحتاً جزء وظایف و اختیارات شورای شهر باشد. در خصوص پرداخت بهای خدمات بهره‌برداری موقت دکل‌های مخابراتی مندرج در مصوبات

مورد اشاره، در هیچ یک از مقررات موضوعه، صلاحیتی در خصوص ارائه خدمات مزبور به شورای شهر اعطا نگردیده است. بر عکس مطابق ماده ۱۳ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران، تأسیس شبکه مخابرات و سایر خدمات مرتبط بر عهده اپراتورهای مخابراتی قرار داده شده است. بنابراین با عنایت به اینکه اصل ارائه خدمات مزبور خارج از حدود اختیارات و وظایف شهرداری می‌باشد، تصویب مقرره‌ای مبنی بر دریافت بهای آن نیز خارج از حدود و اختیارات شورای شهر کرج خواهد بود.

۳- صرف نظر از عدم وجود صلاحیت شورا در وضع خدمات مزبور، شهرداری در قابل دریافت وجوهی تحت عنوان بهای خدمات بهره‌برداری موقت، هیچگونه خدماتی به مالکین محل نصب دکل‌ها و آنتن‌های مخابراتی ارائه نمی‌نماید.

حال چنانچه شهرداری خمین بابت نظارت بر دکل‌های مخابراتی خدماتی ارائه می‌نماید (که البته در واقع چنین نمی‌باشد) مطابق مواد اخیر بهای خدمات خود را از اپراتورهای مخابراتی دریافت می‌نماید و دریافت بهای خدمات به صورت مضاعف تحت عنوان خدمات بهره‌برداری موقت فاقد هرگونه توجیه قانونی است. بنابر موارد معنونه و همانطور که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای مختلف از جمله آرای ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۱ مبنی بر ابطال مصوبات شورای شهر مشهد و آرای دیگر، مقرر داشته است دریافت بهای خدمات می‌بایست در قبال ارائه خدمات باشد و در ما نحن فیه شهرداری هیچگونه خدماتی در قبال دریافت بهای خدمات بهره‌برداری موقت ارائه نمی‌دهد، مصوبات فوق در خصوص دریافت خدمات مزبور خلاف قوانین موضوعه تصویب یافته است.

۴- بهره‌برداری از دکل‌های مخابراتی، موضوع فعالیت شخصی غیر از مالکین املاک محل استقرار ملک می‌باشد و به طور معمول استقرار دکل‌های مخابراتی پس از انعقاد قرارداد اجاره توسط اپراتورهای مخابراتی با مالکین املاک صورت می‌پذیرد. مطابق مواد مصوبه فوق نیز مقرر گردیده است وظایف دریافت مجوز نصب دکل‌های مخابراتی بر عهده متقاضی (اپراتورهای مخابراتی) می‌باشد. بنابراین چگونه ممکن است مالک ملک در قبال ارائه خدمات به فعالیت شخص دیگری، ملزم به پرداخت وجوهی به عنوان بهای خدمات موقت بهره‌برداری گردند.

۵- ماده ۱۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده با اصلاحات بعدی بیان می‌دارد: «نرخ مالیات بر ارزش افزوده، نه درصد (۹۵) می‌باشد.» همچنین به موجب حکم ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی، کلیه اپراتورهای تلفن همراه معادل سه درصد از درآمد هر سایت مخابراتی را به عنوان عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌نمایند. مستند به ماده ۳۹ قانون مزبور؛ سازمان امور مالیاتی موظف است که معادل وجوه یاد شده را به حساب شهرداری و دهیاری‌های محل نصب سایت‌های مخابراتی واریز نماید. شایان توجه است که با عنایت به ماده ۵۰ قانون مذکور و نظر به اینکه در خصوص نرخ عوارض کالاها و خدمات در قانون ارزش افزوده تعیین تکلیف گردیده است، برقراری هرگونه عوارض در خصوص موضوع یاد شده توسط شوراهای اسلامی شهر و روستا و سایر مراجع ممنوع می‌باشد. تعیین و اخذ مجدد عوارض و بهای خدمات در خصوص سامان دهی دکل‌ها، آنتن‌ها، سایت‌های مخابراتی و ارتباطی، فاقد مبنا و در مخالفت کامل با تصریح ماد ۵۰ و ۵۲ قانون صدرالاشاره است. با توجه به سابقه تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده سهم شهرداریها از درآمدهای واصله مالیاتی تحت عنوان مالیات بر ارزش افزوده لحاظ و توسط اپراتورهای مخابراتی پرداخت می‌گردد و مشخصاً اخذ عوارض جدید تحت عناوین مختلف بر خلاف قوانین و مقررات جاری کشور می‌باشد.

۶- هیأت دیوان عدالت اداری اخذ عوارض از دکل‌های مخابراتی توسط شهرداریها را برای اولین بار طی دادنامه شماره ۱۷۹۶ الی ۱۸۰۵، ۱۸۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۹ غیرقانونی اعلام نموده است که این موضوع به کرات، در آرای بعدی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مورد تأکید قرار گرفته است غیرقانونی شناخته شده است.

با عنایت به عدم تبعیت اکثر شوراهای اسلامی شهرها از آرای صادره هیأت دیوان عدالت اداری و تصویب مکرر عوارض غیرقانونی، معاون حقوقی و پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری جناب آقای موحد طی نامه شماره ۹۰۰۰/۲۳۴/۱۷۵۷۵۵/۲۰۰ به جناب آقای سامانی معاون حقوقی و پارلمانی وزارت کشور در خصوص تصویب عوارض غیرقانونی، این موضوع را مطرح نموده‌اند که به جهت جلوگیری از تصویب مصوبات شوراهای اسلامی با عناوین مشابه ابطالی (از جمله عوارض دکل‌های مخابراتی) مراتب به شوراهای اسلامی، شهرداریها و استانداریها و فرمانداریها ابلاغ گردد. متعاقباً معاون حقوقی و پارلمانی و قائم مقام وزیر در امور مجلس و هماهنگی استازها طی نامه شماره ۱۶۷۹۴۵ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ موضوع را به استانداران سراسر کشور منعکس نموده و ضمن تأکید بر لزوم خودداری

تعرفه سال ۱۳۹۶

تعرفه شماره (۱۸)

تعرفه بهاء خدمات شهرداری خمین مورد عمل برای سال ۱۳۹۶

توضیحات	منشاء قانونی	ماخذ و نحوه محاسبه خدمات	بهاء خدمات
اگر امکان نصب باشد.	بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها	برای هر دکل در املاک شخصی ماهیانه ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	بهای خدمات دکل‌های مخابراتی جهت دکل‌های مخابراتی (BTS) ایرانشل و همراه اول و غیره
		برای هر دکل عمومی ماهیانه ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	

تعرفه سال ۱۳۹۷

تعرفه شماره (۱۶)

تعرفه بهاء خدمات شهرداری خمین مورد عمل برای سال ۱۳۹۷

توضیحات	منشاء قانونی	ماخذ و نحوه محاسبه خدمات	بهاء خدمات
اگر امکان نصب باشد.	بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها	برای هر دکل در املاک شخصی ماهیانه ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال	بهای خدمات ماهیانه جهت دکل‌های مخابراتی (BTS) ایرانشل و همراه اول و غیره
		برای هر دکل عمومی ماهیانه ۳۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال	

تعرفه سال ۱۳۹۸

۴۶- نام تعرفه بهای خدمات دکل‌های مخابراتی
پیشنهاد دهنده: شهرداری خمین به استناد بند ۳ ماده ۲۹ آیین‌نامه مالی شهرداری
مرجع تصویب کننده: شورای اسلامی شهر به استناد بند ۲۶ ماده ۸۰ قانون شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
ضمانت اجرایی وصول کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری

ردیف	بهاء خدمات	ماخذ و نحوه محاسبه خدمات
۱	بهای خدمات ماهیانه جهت دکل‌های مخابراتی (BTS) ایرانشل و همراه اول و غیره	برای هر دکل در املاک شخصی ماهیانه ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال برای هر دکل عمومی، اداری ماهیانه ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر خمین به موجب لایحه شماره ۹۹/۸۷۶-۱۳۹۹/۷/۲۳ توضیح داده است که:

۱- همانگونه که قضات عالیقدر نیز مستحضردند حسب بند ۱۶ و ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراها (ماده ۸۰ جدید)، تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، وضع عوارض و بهای خدمات بر عهده شوراهای اسلامی شهرها می‌باشد. لذا شورای اسلامی شهر خمین با استناد به مواد مذکور و بر حسب وظیفه ذاتی خود اقدام به تنظیم تعرفه عوارض و بهای خدمات نموده است. اما آنکه تعرفه عوارضی در روزنامه محلی انتشار و مورد اعتراض هیچ شخصی (حقوقی - حقیقی) واقع نگردیده است و به تأییدیه استانداری استان مرکزی به عنوان نماینده عالی دولت رسیده است. مضافاً آنکه طبق مفاد دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۰۲-۱۳۹۹/۳/۲۴ صادره از هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری (اخیرالصدور) ضمن حکم به رد شکایت شاک، اخذ عوارض از دکل‌های مخابراتی قانونی قلمداد شده است. اما آنکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه اخیر خود به شماره ۲۴۰۳-۲۴۰۴/۱۳۹۸/۸/۱۴ اخذ بهای خدمات و عوارض از دکلها موضوع شکایت سازمان بازرسی را باطل نکرده است. که در موارد مشابه نیز چندین رأی از هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری صادر گردیده که جملگی حکم بر رد شکایت و قانونی بودن بهای خدمات و اخذ عوارض از دکلها را صادر نموده‌اند که در ذیل لایحه به آنها اشاره خواهد شد.

۲- همانگونه که ذکر شد شرکت مذکور، یک شرکت تجاری است و فعالیت آن تجاری بوده و در پی کسب سود است و در قبال خدماتی که به مردم ارائه می‌دهد اقدام به اخذ عوارض می‌نماید، حال با توجه به اینکه اموال شهرداری جزء اموال عمومی

شوراهای اسلامی شهرها و روستاها و شهرداریها از وضع عوارض در مواردی که موضوع قبلاً توسط دیوان عدالت اداری رسیدگی و ابطال گردیده است، ضرورت توجه نمایندگان دولت در کمیته‌های انطباق را در بررسی مصوبات شوراها در عایت عدم وضع عوارض غیرقانونی نیز خاطر نشان نموده است. همچنین معاون سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور نیز طی نامه‌ای به شماره ۳۰/۱۱۴۹۸-م - ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ به معاونین هماهنگی امور عمرانی استانداریها، لزوم رعایت مفاد دادنامه شماره ۱۷۹۶ الی ۱۸۰۵، ۱۸۰۸ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۹ دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم وضع عوارض سالیانه در خصوص سایتهای مخابراتی توسط شهرداریها را مورد تأکید قرار داده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۸ و طی دادنامه شماره ۲۱۰، با استناد به مواد ۱، ۳۸، ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، مصوبه شورای اسلامی شهر کرد در خصوص اخذ عوارض بر تأسیسات مخابراتی و ارتباطی مصوب سال ۱۳۹۱ ابطال نموده است. بر اساس دادنامه شماره ۳۲۱-۱۳۹۶/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعرفه شورای اسلامی شهر فلورجان در خصوص تعیین عوارض در قبال آنتن‌های مخابراتی اشخاص حقیقی یا حقوقی ابطال شده است. همچنین بر اساس دادنامه شماره ۳۲۳-۱۳۹۶/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص شکایت سازمان بازرسی کل کشور مصوبه شماره ۹۲/۴/۶۸۷-۱۳۹۲/۱۱/۱۳ در خصوص وضع عوارض و اخذ بهاء خدمات از بانکهای دولتی و خصوصی، صندوقهای قرض‌الحسنه، عوارض حق‌النظاره، عوارض نصب دکل و تجهیزات مخابراتی، عوارض حذف پارکینگ و عوارض کسری فضای باز، مصوبه شورای شهر صدرا با این استدلال که «به‌موجب ماده ۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، عرضه کالا و ارائه خدمات در ایران همچنین واردات و صادرات آنها از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون از ابتدای سال ۱۳۸۸، مشمول مقررات این قانون قرار گرفته است و در ماده ۳۸ قانون یاد شده نرخ عوارض شهرداریها و دهیاریها در رابطه با کالا و خدمات مشمول قانون تعیین شده است و مطابق ماده ۵۰ قانون مذکور، برقراری هرگونه عوارض برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع است و در ماده ۵۲ این قانون نیز برقراری و دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع شده است و دکلها و آنتن‌های مخابراتی جزئی از فرآیند عرضه خدمات مخابراتی است و در نهایت این خدمت مشمول نرخ عوارض مصرح در ماده ۳۸ قانون فوق‌الذکر می‌باشد.» ابطال شده است.

در همین راستا نامه سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص ممنوعیت وضع عوارض جدید در خصوص خدماتی که تکلیف آنها مطابق قانون مشخص شده است نیز به پیوست تقدیم می‌گردد. نظر به موارد مزبور، مصوبات مورد اشاره خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب‌کننده صادر شده، مستنداً بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و ابطال مصوبات مورد شکایت مورد استدعاست.

متن مقررهای مورد شکایت به شرح زیر است:

تعرفه سال ۱۳۹۳

تعرفه شماره (۲۱)

تعرفه بهاء خدمات شهرداری خمین مورد عمل برای سال ۱۳۹۳

ردیف	بهاء خدمات	ماخذ و نحوه محاسبه خدمات	منشاء قانونی	توضیحات
۱	بهای خدمات دکل‌های مخابراتی		بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها	
	بهای خدمات ماهیانه جهت دکل‌های مخابراتی (BTS) ایرانشل و همراه اول و غیره	برای هر دکل ماهیانه ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال		

تعرفه سال ۱۳۹۴

بهاء خدمات	ماخذ و نحوه محاسبه خدمات	منشاء قانونی	توضیحات
بهای خدمات دکل‌های مخابراتی		بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها	
بهای خدمات ماهیانه جهت دکل‌های مخابراتی (BTS) ایرانشل و همراه اول و غیره	برای هر دکل ماهیانه ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال		

قانون مالیات بر ارزش افزوده و تبصره یک ماده ۵ قانون موسوم به تجمیع عوارض و اصل مساوات و برابری همگان، حکم بر رد شکایت و تأیید تعرفه عوارضی شورای اسلامی شهر خمین مورد استدعاست." هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه‌های متعدد از جمله دادنامه شماره ۱۴۳۷ - ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ وضع عوارض درخصوص دکلهای و آنتن‌های مخابراتی را خلاف قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص داده و ابطال کرده است، لذا تعرفه شماره ۲۱ از تعرفه بهای خدمات سالهای ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ تعرفه شماره ۱۸ از تعرفه بهای خدمات سال ۱۳۹۶ و تعرفه شماره ۱۶ از تعرفه بهای خدمات سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ مصوب شهرداری خمین که متضمن وضع عوارض ماهانه درخصوص دکلهای و آنتن‌های مخابراتی است و به تصویب شورای اسلامی شهر خمین رسیده خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۷۸۹ ۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۲۰۵۸۱۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۹۹۷ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «جزء (د) بند یک از مصوبه ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی حقوقی سازمان امور اراضی که طی بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ سازمان امور اراضی کشور ابلاغ شده است ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۹۹۲ شماره پرونده: ۹۹۰۱۷۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم آذین بخردی با وکالت آقای امیرحسین کرمانی حبیب آبادی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال جزء (د) بند ۱ از مصوبه ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای

فنی حقوقی سازمان امور اراضی که طی بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ سازمان امور اراضی کشور ابلاغ شده است.

گردش کار: آقای امیرحسین کرمانی حبیب آبادی به وکالت از خانم آذین بخردی به

موجب دادخواستی ابطال جزء (د) بند ۱ از مصوبه ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی حقوقی سازمان امور اراضی که طی بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ سازمان امور اراضی کشور ابلاغ شده است را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" اینجانب امیرحسین کرمانی به وکالت از خانم آذین بخردی و با استناد به اصل ۱۷۳ قانون اساسی و بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به جهات و دلایل ذیل از سازمان امور اراضی کشور به جهت صدور بخشنامه خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شکایت داشته و از این رو استدعای رسیدگی و ابطال آن را دارم. جهت تبیین بهتر خواسته اعلام می‌دارد از آنجایی که وضع و تصویب هر بخشنامه لزوماً بایستی در جهت تبیین و اجرای هر چه بهتر قانون باشد و سازمانها و ارگانهای مربوطه نمی‌توانند دامنه شمول قانون را توسعه دهند لکن علیرغم این اصل حقوقی، اداره طرف شکایت با وضع بخشنامه موضوع شکایت نه تنها به این اصل توجهی نکرده است بلکه پا را فراتر گذاشته و حتی مبادرت به قانونگذاری و وضع مجازات نموده است که این امر خلاف اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ است چرا که بنا به تصریح ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب سال ۱۳۷۴ محکومیت‌های قانونی اشخاصی که قبل از اصلاح این قانون بدون اخذ مجوز از کمیسیون ذی‌ربط اقدام به تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها می‌نمودند، صرفاً پرداخت ۸۰ درصد عوارض ماده ۲ آن و پرداخت جزای نقدی می‌باشد. بدیهی است در این صورت صرفاً مفاد حکم در مورد متهم اجرا می‌گردد ولو اینکه از زمان صدور حکم و ابلاغ آن

(بیت‌المال) و عام‌المنفعه می‌باشد و شهرداری به صورت شبانه‌روزی در حال ارائه خدمات می‌باشد و چنانچه عوارضی از اشخاص اخذ می‌نماید، متعلق به همان شهر بوده و فعالیت شهرداری خدماتی می‌باشد، چگونه می‌توان شهرداری را از اخذ عوارض منع نمود؟ لذا این تفسیر وکیل که مدعی است شهرداری نباید از شرکت‌های تجاری عوارض اخذ نماید، نافی حقوق عامه است. تبصره ۱ ماده ۵ قانون تجمیع عوارض کسب و پیشه و خدمات شهری، اخذ عوارض را از اماکن و واحدهای صنفی تولیدی و خدماتی و صنعتی و هرگونه منبع درآمد دیگری را قابل وصول دانسته است. لذا مراد تصویب‌کنندگان این آیین‌نامه از کلماتی همچون خدماتی و هرگونه منبع درآمد، شامل شرکت‌های تجاری (شاکي) و دکلهای مخابراتی می‌باشد و همانگونه که نیز ذکر آن گذشت شرکت خدمات ارتباطی ایرانسل یک شرکت سهامی خاص است، و عمل تجاری انجام می‌دهد.

۳- شایان ذکر است از آنجائیکه بودجه شهرداریها مستقل از بودجه دولت است و از عوارض تأمین می‌گردد، عوارض تعیین شده در راستای سیاست عمومی دولت مقرر گردیده و همانگونه که ذکر شد، عوارض مذکور جهت خدمات عموم و عام‌المنفعه می‌باشد.

۴- با مذاقه در نامه شماره ۴۷۵۳۱-۱۳۹۷/۹/۲۷ سازمان دهیاری‌ها و شهرداریها وزارت کشور که مورد استناد وکیل نیز قرار گرفته، به صراحت در بند (ب) این نامه اخذ عوارض از دکلهای مجاز تلقی شده و سازمان شهرداریها و دهیاریها با استناد به آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اعلام نموده‌اند که شوراهای اسلامی شهرها می‌توانند عوارض دکلهای را مورد تصویب قرار دهند. لذا شورای اسلامی با توجه به بند (ب) نامه سازمان شهرداریها و دهیاریها نسبت به وضع عوارض دکلهای اقدام کرده است که استناد وکیل به نامه مذکور به نوعی اقدام بر علیه موکلش بوده است چرا که در بند (ب) نامه مذکور به صراحت وضع عوارض از دکلهای مجاز دانسته است و ظاهراً وکیل بند (ب) نامه مذکور را مطالعه نکرده‌اند.

۵- همانگونه که قضات نیز مستحضرنند، مطابق قانون، اموری که در صلاحیت هیأت عمومی است، ابتدا به هیأت تخصصی ارجاع می‌گردد، که در این راستا هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری در پرونده‌های مشابه حکم به رد شکایت و اخذ عوارض از دکلهای را مجاز دانسته که برخی از آراء عبارتند از: رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۰۰۶ - ۱۳۹۸/۱/۳۱، رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۳۴۵ - ۹۸۰۹۹۷/۷/۱۰، رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۳۰۶ - ۹۸۰۹۹۷/۶/۲۵، رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۳۰۵ - ۱۳۹۸/۶/۲۵، رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۲۵۴ - ۱۳۹۷/۸/۲۰ و رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۰۲ - ۱۳۹۷/۳/۲۰ که اخیراً صادر شده است، لازم به ذکر است هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری در آراء صادره به رأی شماره ۱۲۱۳ - ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری استناد نموده است، مضافاً آنکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه‌های اخیرالصدور خود به شماره ۲۴۰۳ الی ۲۴۰۴ - ۱۳۹۸/۸/۱۴ تعرفه بهای خدمات شهر مشهد (موضوع شکایت سازمان بازرسی) را باطل نکرده است. یعنی علاوه بر هیأت تخصصی، هیأت عمومی نیز اخذ عوارض از دکلهای را مجاز دانسته است. لازم به ذکر است کلیه آراء صادره از هیأت تخصصی قطعی گردیده‌اند.

۶- وکیل به برخی از آراء دیوان عدالت اداری استناد نموده است، معروض می‌دارد آراء مورد استناد وکیل قبل از دادنامه‌های شماره ۱۲۱۳ - ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ و ۲۴۰۳ الی ۲۴۰۴ - ۱۳۹۸/۸/۱۴ هیأت عمومی می‌باشند، لذا با توجه به صدور دادنامه‌های مذکور علی‌الخصوص دادنامه شماره ۲۴۰۳ و ۲۴۰۴ - ۱۳۹۸/۸/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، آراء قبلی را کان لم یکن نموده است. فارغ از بحث تقدم و تأخر آراء، حسب نظریه مشورتی شماره ۸۹/۴۵ - ۱۳۸۹/۱۲/۷ دیوان عدالت اداری که به صراحت اعلام نموده «ابطال یک مصوبه از سوی هیأت عمومی به معنای این نیست که مصوبات مشابه نیز باطل باشد.» لذا استناد وکیل در این خصوص محمل قانونی ندارد و همانگونه که عرض شد، هیأت تخصصی حسب آراء متعدد با استناد به دادنامه شماره ۱۲۱۳ - ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، رأی بر رد شکایت شکات را صادر نموده و اخذ عوارض را قانونی دانسته است.

علی ایحال نظر به اینکه شرکت شاکي، یک شرکت تجاری است و صرفاً در پی کسب سود است و اموال شهرداری جزء اموال عمومی و عام‌المنفعه بوده و عوارض صرفاً در راستای ارائه خدمات به کلیه اشخاص می‌باشد و از طرفی دیگر نیز حسب آراء متعدد صادره از هیأت تخصصی که قطعی گردیده‌اند، علی‌الخصوص دادنامه اخیر (۱۳۹۷/۹/۲۷ - ۱۳۹۹/۳/۲۴) و دادنامه شماره ۱۲۱۳ - ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ و ۲۴۰۳ الی ۲۴۰۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و با عنایت به بند (ب) نامه فوق‌الذکر سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور که با استناد به آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که اخذ بهای خدمات و عوارض از دکلهای را مجاز دانسته است و همچنین مستقل بودن بودجه و درآمد شهرداریها و مصارف آن برای شهر و عام‌المنفعه بودن و با استناد به بند ۱۶ و ماده ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی شهرها (ماده ۸۰ جدید)، تبصره یک ماده ۵۰

احساب ارزش زمین پس از تغییر کاربری بابت عوارض از مالکین وصول و به خزانه داری کشور واریز می‌گردد.

در صورتی که مالکین اراضی زراعی و باغها، بدون اخذ مجوز از کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ قانون اقدام به احداث بنا و مستحقات غیرمجاز نمایند. اقدام مالکین متخلف در تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی بر اساس ماده ۱۰ الحاقی قانون مذکور جرم بوده و به مجازات ماده ۳ اصلاحی که عبارت است از قلع و قمع بنا و جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی و باغها به قیمت روز زمین با کاربری جدید مورد نظر متخلف محکوم می‌شوند. نکته حایز اهمیت در موضوع معترض‌عنه در این قسمت است که مجازات تغییر کاربری غیرمجاز اراضی زراعی و باغها بر اساس ماده ۳ قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴ علاوه بر الزام به پرداخت عوارض موضوع ماده ۲ به پرداخت جزای نقدی تا ۳ برابر بهای اراضی زراعی و باغها به قیمت روز زمین با کاربری جدید است و احکام قضایی در محکومیت مالکین به پرداخت عوارض موضوع ماده ۲ قانون از سال ۱۳۷۴ تا زمان اصلاح قانون مذکور (سال ۱۳۸۵) صادر شده است و ایضاً رأی ۷۳۰ - ۱۳۹۲/۳/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مجازات ماده ۳ اصلاحی نسبت به جرایم واقع شده پیش از لازم‌الاجرا شدن آن ماده حاکمیت ندارد. لازم به ذکر است بر طبق رأی ۱۵۸ و ۱۵۹ - ۱۳۸۴/۴/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴ پیرامون الزام کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ بر صدور مجوز تغییر کاربری ابطال گردید و استدلال قضات دیوان عدالت اداری مبنی بر اینکه حکم ماده ۳ قانون اخیرالذکر موضوع اخذ عوارض از اشخاص داللتی بر جواز بقاء تغییر کاربری غیرمجاز اراضی مذکور ندارد بلکه مفید لزوم حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ می‌باشد. شایان ذکر است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب بند (الف) دادنامه ۳۸۱ - ۱۳۹۲/۶/۴ مقرر می‌دارد:

الف - با توجه به اینکه در ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۸۵/۸/۱ وزارت جهاد کشاورزی موظف شده است آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده را با همکاری وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور و سازمان حفاظت محیط زیست ظرف مدت سه ماه تهیه و برای تصویب به هیأت وزیران ارائه کند و مطابق با ماده ۲ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب سال ۱۳۷۴ در مواردی که به اراضی زراعی و باغها طبق مقررات قانون یاد شده مجوز تغییر کاربری داده می‌شود دریافت ۸۰٪ قیمت روز اراضی زراعی و باغهای مذکور با احتساب ارزش زمین پس از تغییر کاربری بابت عوارض از مالکین تجویز شده است از این جهت تعیین مجدد قیمت به نرخ روز توسط کمیسیون تقویم پس از انقضای مدت ۶ ماه برای پرداخت عوارض مصرح در تبصره ۲ ماده ۸ آیین‌نامه مورد شکایت منطبق با قانون حفظ کاربری اراضی و باغها است و قابل تشخیص نمی‌شود. مع الوصف با توجه به اینکه بعضاً پرونده‌های تغییر کاربری غیرمجاز در محاکم قضایی احکامی صادر گردیده است و مالکین یا متصرفین که مرتکب تغییر کاربری اراضی کشاورزی شده‌اند با عناوین «به هشتاد درصد قیمت روز زمین بابت عوارض ماده ۲ قانون» یا «به مبلغ مشخص بابت عوارض موضوع ماده ۲ قانون» محکوم می‌شوند. لیکن دادنامه در زمان صدور حکم اجراء نگردیده است و یا بعضاً با اطاله زمان در سنوات بعد از زمان صدور رأی اجراء می‌گردند و محکوم علیه در سنوات گذشته و یا در حال حاضر درخواست صدور مجوز تغییر کاربری می‌نمایند. این سازمان در جهت حل موضوع معترض‌عنه و بر اساس نظریه مشورتی شورای فنی، حقوقی سازمان به موجب بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱ - ۱۳۹۷/۹/۳ به شرح ذیل مقرر می‌دارد: «نظر به وجود شبهات و ابهامات در اجرای آراء قطعیت یافته محاکم قضایی پیرامون پرونده‌های تغییر کاربری غیرمجاز اراضی زراعی و باغها موضوع اخذ عوارض موضوع ماده ۲ قانون مذکور با عنایت به رأی ۱۵۸ و ۱۵۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ایضاً بخشنامه‌های متعدد در این زمینه و حسب استعلام شماره ۵۳/۰۲۸/۲۰۶۶۰۳ - ۱۳۹۳/۲/۶ مدیرکل دفتر حفظ کاربری و یکپارچگی امور زمین موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی و حقوقی سازمان مطرح گردید. با عنایت به اختیار حاصله از بند ۵ ماده ۴ دستورالعمل شورای فنی، حقوقی سازمان امور اراضی کشور موضوع ابلاغیه شماره ۵۳/۰۲۰/۳۴۹۲ - ۱۳۹۲/۱۱/۲۷ رئیس سازمان بند ۱ مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی، حقوقی سازمان برای اجراء ابلاغ می‌گردد.

ایرادات شکلی و ماهوی به دادخواست شاکی: ۱- همان گونه که نیک مستحضرد، اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» و در پاسخ به ادعای مغایرت بخشنامه مذکور با اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی اعلام می‌دارد: اولاً - بخشنامه

شش ماه یا بیش از آن هم گذشته باشد حال آن که سازمان امور اراضی کشور در بند (د) بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱ - ۱۳۹۳/۹/۳ خارج از حیطه اختیارات خود و برخلاف قوانین فوق‌الذکر و به نحو مطلق مصوب نموده است که در صورتی که در رأی دادگاه مبلغ عوارض ماده ۲ قانون قید شده باشد و از زمان ابلاغ رأی بیش از شش ماه گذشته باشد لازم است مجدداً نسبت به تقویم جدید و تعیین عوارض ماده ۲ اقدام و صورت تأیید کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ و قبل از صدور مجوز نسبت به اخذ مابه‌التفاوت عوارض اقدام گردد. خلاف قانون بودن این مصوبه زمانی بیشتر متبلور است که سازمان با عطف آن به زمان قبل از تصویب پرونده‌هایی را هم که قبل از تصویب مبادرت به پرداخت عوارض نموده باشند را نیز مشمول مصوبه دانسته و مکلف به پرداخت مابه‌التفاوت عوارض می‌نماید مضاف بر اینکه قانونگذار به موجب ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی نموده است که بخشنامه مزبور در مخالفت آشکار با بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱ - ۱۳۹۳/۹/۳ مدیریت اراضی کشور را دارد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«مدیریت محترم امور اراضی استان ...

با سلام و احترام

نظر به وجود شبهات و ابهامات در اجرای آراء قطعیت یافته محاکم قضایی پیرامون پرونده‌های تغییر کاربری غیرمجاز اراضی زراعی و باغها موضوع اخذ عوارض موضوع ماده ۲ قانون مذکور با عنایت به رأی ۱۵۸ و ۱۵۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و ایضاً بخشنامه‌های متعدد در این زمینه و حسب استعلام شماره ۵۳/۰۲۸/۲۰۶۶۰۳ - ۱۳۹۳/۲/۶ مدیرکل دفتر حفظ کاربری و یکپارچگی امور زمین موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی و حقوقی سازمان مطرح گردید. با عنایت به اختیار حاصله از بند ۵ ماده ۴ دستورالعمل شورای فنی، حقوقی سازمان امور اراضی کشور موضوع ابلاغیه شماره ۵۳/۰۲۰/۳۴۹۲ - ۱۳۹۲/۱۱/۲۷ رئیس سازمان بند ۱ مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی، حقوقی سازمان به شرح ذیل برای اجراء ابلاغ می‌گردد.

بند یک مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی، حقوقی سازمان امور اراضی کشور: الف - طرح کلیه پرونده آراء صادره قطعی از محاکم قضایی در کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها پس از اجرای کامل آراء و وصول عوارض و جزای نقدی می‌باشد.

ب - با توجه به ماده ۸ الحاقی قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مبنی بر الزام دستگاه‌های اجرایی به صدور مجوز خدمات زیربنایی، صدور مجوز تغییر کاربری با تصویب کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور به میزان مساحت ساخت و ساز (تخلف انجام شده) یا شکواییه اولیه پس از اخذ عوارض روز موضوع ماده ۲ بلامانع است.

ج - در مواردی که در حکم محکومیت به عوارض، مبلغ عوارض در متن دادنامه ذکر نگردیده است. ابتدا پرونده به کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ قانون ارجاع و یا احاله موضوع به کمیسیون تقویم و ارزیابی عرصه مورد تغییر کاربری به قیمت روز و محاسبه عوارض قانونی و ابلاغ آن به متقاضی پس از پرداخت عوارض مشمول مراحل بند (ب) می‌باشد. اقدام و در مواردی که متقاضی صدور مجوز موضوع ماده ۸ الحاقی باشد به کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ ارجاع می‌گردد.

د - در صورتی که در رأی دادگاه مبلغ عوارض ماده ۲ قانون قید شده باشد و از زمان ابلاغ رأی بیش از ۶ ماه گذشته باشد لازم است مجدداً نسبت به تقویم جدید و تعیین عوارض ماده ۲ اقدام و در صورت تأیید کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ و قبل از صدور مجوز نسبت به اخذ مابه‌التفاوت عوارض اقدام گردد. - مدیرکل امور حقوقی سازمان امور اراضی کشور

در پاسخ به شکایت مذکور مدیرکل دفتر امور حقوقی سازمان امور اراضی کشور به‌موجب لایحه شماره ۵۳/۰۲۶/۴۳۱۹۸۸ - ۱۳۹۹/۸/۱۷ توضیح داده است که:

«بر اساس ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ که مقرر می‌دارد: «به منظور حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و تداوم و بهره‌وری آنها از تاریخ تصویب این قانون تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در خارج از محدوده قانون شهرها و شهرکها جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد.» تشخیص ضرورت تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها بر اساس تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور بر عهده کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی، کشور و محیط زیست می‌باشد. که بر اساس ضوابط مقرر در ماده ۷ الحاقی قانون مارالبیان در تشخیص ضرورت اتخاذ تصمیم می‌نمایند. بر اساس ماده ۲ اصلاحی قانون اخیرالذکر و پس از موافقت مرجع تشخیص ضرورت تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها با تغییر کاربری طبق مقررات این قانون، هشتاد درصد ۸۰٪ قیمت روز اراضی و باغهای مذکور با

شاکي: آقای بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال عبارت «با سررسید حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۹»

از بند (۸) ماده (۳) تصویب‌نامه ۱۱۳۶۳/ت/۵۷۶۲۲هـ. - هیأت وزیران

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال عبارت «با سررسید حداکثر تا پایان

سال ۱۳۹۹» از بند (۸) ماده (۳) تصویب‌نامه ۱۱۳۶۳/ت/۵۷۶۲۲هـ. - هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام، به استحضار می‌رساند، در بند (م) تبصره ۶ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور، مقرر شده، «در معاملات پیمانکاری که کارفرما یکی از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه است، کارفرما موظف است همزمان با هر پرداخت، مالیات ارزش افزوده متناسب با آن را به پیمانکار پرداخت کند. تا زمانی که کارفرما مالیات برارزش افزوده را به پیمانکار پرداخت نکرده باشد، سازمان امور مالیاتی کشور حق مطالبه آن از پیمانکار یا اخذ جریمه دیرکرد از وی را ندارد. در مواردی که بدهی کارفرما به پیمانکار به صورت اسناد خزانه اسلامی پرداخت می‌شود در صورت درخواست پیمانکار، کارفرما موظف است این اوراق را عیناً به سازمان امور مالیاتی کشور تحویل دهد. سازمان امور مالیاتی کشور معادل مبلغ اسمی اوراق تحویلی را از بدهی مالیاتی پیمانکار کسر و اسناد مذکور را به خزانه داری کل کشور ارائه می‌کند. خزانه داری کل کشور موظف است معادل مبلغ اسمی اسناد خزانه تحویلی را به عنوان وصولی مالیات منظور کند.» چنانکه می‌بینیم، مقنن با این استدلال که اگر دولت بدهی خود به پیمانکاران را با صدور اسناد خزانه بلند مدت تسویه کرده، پیمانکاران نیز می‌توانند بدهی مالیات بر ارزش افزوده خود را با همین اسناد تسویه کنند. مجوز قانونی چنین تسویه‌ای را بدون تعیین شرطی در خصوص سر رسید اوراق خزانه مذکور صادر نموده. در واقع هر چه سر رسید اوراق بلند مدت‌تر باشد، پیمانکار دریافت‌کننده اوراق، جهت تسویه بدهی مالیات بر ارزش افزوده با آن ذیحق‌تر است، چرا که فلسفه این تبصره در قانون بودجه این است که در ازای تسویه طلب پیمانکار از دولت با اوراق خزانه به سر رسید بلند مدت، متقابلاً بدهی مالیات بر ارزش افزوده‌ای که وجهی هم بابت آن دریافت نشده، با همین اوراق تسویه گردد. با این همه در بند ۸ ماده ۳ تصویب‌نامه هیأت وزیران، این تسویه منحصر به «اسناد خزانه اسلامی دولت با سر رسید حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۹» شده، که مصداق نقض غرض و مغایر با بند (م) تبصره ۶ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور است. اگر هم مبنای چنین شرطی، سالانه بودن قوانین بودجه بوده، باید توجه داشت که صدور اوراق خزانه با سر رسید بیش از یک سال نیز بر مبنای همین قانون بودجه صورت گرفته، پس از این حیث نیز تعیین چنین شرطی درست نیست. لذا با توجه به این مغایرت قانونی و از آنجا که توسیع و تضییق حدود و ثغور قانون، از شئون و منحصر به مقنن است و لذا چنین تضییقی خارج از حدود اختیارات هیأت وزیران نیز می‌باشد درخواست ابطال عبارت «با سر رسید حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۹» از بند ۸ ماده ۳ تصویب‌نامه ۱۱۳۶۳/ت/۵۷۶۲۲هـ. - هیأت وزیران را دارم.

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

«۸ - سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان خصوصی‌سازی و گمرک جمهوری اسلامی ایران، با لحاظ نمودن مشوقهای مناسب، حداکثر دو ماه پس از تصویب این آیین‌نامه، تمهیدات لازم برای پذیرش اسناد خزانه اسلامی دولت با سر رسید حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۹ را در قبال مطالبات معوق خود از دارندگان اسناد مذکور اتخاذ و مراتب را به نحو مقتضی اطلاع‌رسانی نمایند. مبلغ اسمی اسناد فوق‌الذکر در سررسیدهای مقرر، به حساب‌های درآمدی دستگاه‌های مذکور نزد خزانه داری کل کشور واریز می‌شود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت (حوزه معاونت حقوقی رییس‌جمهور) به موجب لایحه شماره ۴۳۷۸۱/۱۲۵۲۲۷-۴۳۷۸۱/۱۱/۱-۱۳۹۹ توضیح داده است که:

«حسب اصل پنجاه و دوم (۵۲) قانون اساسی و مواد ۱ و ۶ قانون محاسبات عمومی کشور، قوانین بودجه مصوب مجلس به صورت سالیانه به تصویب می‌رسد و اعتبار احکام آن نیز اصولاً ناظر به همان سال مالی مورد تصویب است. بنا بر بند (ه) تبصره ۲۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور نیز مقرر شده است: «هـ اجرای احکام مندرج در این قانون مربوط به سال ۱۳۹۹ است.» بنابراین و از آنجایی که لازم است پیش‌بینی‌های درآمدی و هزینه‌ای مندرج در قانون بودجه سالیانه در همان سال محقق گردد، مفاد بند (۸) ماده (۳) تصویب‌نامه مورد شکایت نیز که در مقام تبیین احکام قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور تصویب گردیده، صرفاً اسناد خزانه اسلامی دولت با سر رسید تا پایان سال ۱۳۹۹ را از سوی دستگاه‌های ذیربط در قبال مطالبات معوق شان قابل پذیرش دانسته است. به بیان دیگر، اوراقی که تا پایان سال بودجه‌ای (سال ۱۳۹۹) قابل وصول باشند، قابل پذیرش در قبال مطالبات دستگاه‌های دولتی ذیربط بوده و تنها چنین اوراقی قابلیت محاسبه به

معارضه در راستای اجرای ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴ و اجرای احکام صادره از محاکم قضایی و منطبق با اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی است و ایضاً مطابق با رأی ۱۵۸ و ۱۵۹ و رأی ۳۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تنظیم و ابلاغ گردیده است و ادعای شاکي در وضع قانونگذاری و وضع مجازات واهی و فاقد وجهت حقوقی و قانونی است. ثانیاً - اخذ عوارض تغییر کاربری بر اساس ماده ۲ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و مجازات مقرر در ماده ۳ مصوب ۱۳۷۴ و بر مبنای احکام مراجع قضایی است و استناد شاکي به ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ فاقد وجهت قانونی و محکوم به رد است. لذا با توجه به اینکه ادعای شاکي در ابطال بخشنامه معترض‌عنه واهی و بی‌اساس و بدون ذکر جهات حقوقی و قانونی موضوع بند ۱ ماده ۱۲ و بندهای (پ) و (ت) ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌باشد. لذا صدور حکم شایسته به رد درخواست شاکي مورد استدعاست.

۲- نحوه فرایند صدور مجوز تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در تبصره ۱ ماده ۱، تبصره ۳ ماده ۲ و ماده ۷ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها تصریح و همچنین در مواد ۳، ۴ و ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۸۸۷۹/ت/۳۷۱۱۰هـ. - هیأت وزیران و دستورالعمل اصلاحی نحوه تقویم و ارزیابی تبیین شده است و ضرورت اعتبار مصوبات کمیسیون تقویم ارزیابی اراضی زراعی و باغها در مدت ۶ ماه از تاریخ ابلاغ و بازنگری آن در صورت انقضای مدت یاد شده و عدم واریز مبلغ مورد تقویم تصریح گردیده است. در خاتمه با عنایت به تشریح موضوع به شرح مفاد لایحه و ایرادات شکلی و ماهوی به درخواست شاکي و عدم مغایرت بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱-۱۳۹۳/۹/۳ با اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و عدم استناد و ذکر جهات قانونی مغایرت بخشنامه مذکور و ایضاً با عنایت به اینکه بخشنامه معترض‌عنه مطابق با ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴ و آراء ۱۵۸ - ۱۵۹ و ۳۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تنظیم و ابلاغ گردیده است. درخواست صدور حکم به رد شکایت شاکي مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر مبنای مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۴۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری هرگونه رفع ابهام و اجمال و مشکلات راجع به اجرای حکم با دادگاه صادرکننده رأی است و بر همین اساس، حکم مقرر در جزء (د) بند ۱ از مصوبه ۱۳۹۳/۳/۲۶ شورای فنی حقوقی سازمان امور اراضی که طی بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۶/۲۱۸۴۳۱-۱۳۹۳/۹/۳ سازمان امور اراضی کشور ابلاغ شده و بر مبنای آن مقرر گردیده است که: «در صورتی که در رأی دادگاه مبلغ عوارض ماده ۲ قانون قید شده باشد و از زمان ابلاغ رأی بیش از ۶ ماه گذشته باشد، لازم است مجدداً نسبت به تقویم جدید و تعیین عوارض ماده ۲ اقدام و در صورت تأیید کمیسیون تبصره یک ماده یک و قبل از صدور مجوز نسبت به اخذ مابه‌التفاوت عوارض اقدام گردد»، با موازین قانونی مذکور مغایرت دارد و وضع آن خارج از حدود اختیار مقام واضع آن است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۴۵۶

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۶۴ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «عبارت «با سررسید حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۹» از بند ۸ ماده ۳ تصویب‌نامه شماره ۵۷۶۲۲/ت/۱۱۳۶۳هـ. مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۰ هیأت وزیران ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۱۰۶۴ شماره پرونده: ۹۹۰۱۴۵۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

کمیسیون مزبور موکل را بابت ۲۵۳/۳۷ متر مربع تجاری و بر اساس (یک پنجم) ارزش روز ملک، به میزان (۲۱۰۲۶/۹۶۰/۱۰۰۰ ریال) جریمه می‌نماید. منطقاً و قانوناً اخذ عوارض تغییر کاربری بعد از حکم کمیسیون ماده ۱۰۰ سالب به انتفای موضوع بوده و خلاف قانون است. از طرف دیگر؛ همانطور که گفته شد بر اساس تبصره ذیل ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض، به شهرداری اجازه دریافت عوارض بر دارایی و ثروت صرفاً به میزان ۰/۵٪ (نیم درصد) ارزش دارایی را داده است. این آیین‌نامه به عنوان سیاست عمومی و اقتصادی دولت در وضع عوارض و بر اساس قسمت اخیر بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور، برای تمامی شورای شهرها لازم‌الاتباع است و تاکنون تغییر نکرده است.

عوارض تغییر کاربری نیز به نوعی عوارض بر دارایی محسوب می‌گردد و شورای شهر موظف به رعایت این نکته در مصوبه خود بوده است که متأسفانه رعایت نکرده و عوارض را به شرح آتی، حداقل تا ۱۸۰٪ قیمت ملک افزایش داده است. مبنای عوارض تغییر کاربری در مصوبات معترض‌عنه، قیمت منطقه‌ای (موضوع ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم) قرار گرفته است و بر اساس ماده ۶۴ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم، هیأت تقویم املاک موظف است قیمت منطقه‌ای را سالیانه به میزان ۰/۲٪ قیمت روز املاک مشخص نماید و در سالهای بعد تا سقف ۲۰٪ قیمت ملک را افزایش دهد. حال انصاف دهید که اگر مصوبات معترض‌عنه با ضرایب ۱۲۰٪ و ۹۰٪ اجرا شود، چه نتیجه‌ای حاصل می‌گردد؟ یعنی اگر هیأت تقویم املاک فقط در سال ۱۳۹۶ قیمت‌ها را بر مبنای ۰/۲٪ قیمت ملک مشخص کرده باشد، عوارض تغییر کاربری در سال ۱۳۹۶، ۲۴۰٪ قیمت روز ملک و در سال ۱۳۹۷، ۱۸۰٪ قیمت روز ملک می‌گردد.

آیا این انصاف است؟ آیا دیگر در این مملکت حرفی از تکریم ارباب رجوع می‌توان زد؟ آیا می‌توان گفت که سیاست‌های عمومی و اقتصادی اجرا شده است؟ آیا وظیفه شهرداری اخذ ۲ الی ۳ برابر قیمت ملک است؟ آیا تصویب اینگونه مصوبات، نتیجه‌ای جز افزایش نرخ تورم دارد؟ شهرداری به این موضوع فکر نکرده است که با افزایش نرخ تورم هزینه‌های خودش را زیاد کرده و «دود این اقدام بر چشم خودش وارد می‌شود؟» و جالب اینکه؛ علاوه بر اینکه سیاست عمومی دولت در تصویب عوارض (موضوع تبصره ۱۶ ماده ۸۰ قانون شوراها) را رعایت ننموده‌اند، در کمال آرامش مصوبه خود را مستند به همان قانون اعلام نموده و بر اساس آن از خود دفاع می‌کنند.

ب: مغایرت با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در بررسی مصوبات شورای اسلامی سایر شهرها در باب عوارض تغییر کاربری و اخذ رایگان قسمتی از اراضی و املاک نیز به کرات نسبت به ابطال مصوبات اقدام نموده که به عنوان مثال می‌توان به آراء ذیل اشاره نمود:

الف: رأی شماره ۵۶۱-۱۳۸۴/۱۰/۱۱ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر کرج

ب: رأی شماره ۱۳۵۷-۱۳۸۶/۱۱/۱۶ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر اسفراین

ج: رأی شماره ۵۶۳-۱۳۹۰/۱۲/۸ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان

د: رأی شماره ۴-۱۳۹۱/۱۱/۱۴ در ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر شاهرود

فلذا با توجه به آراء یاد شده و مغایرت آشکار مصوبه معترض‌عنه با ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تبصره ذیل ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض، بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و همچنین با توجه به سابقه ابطال چنین مصوباتی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تقاضای اعال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و رسیدگی خارج از نوبت و نهایتاً بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال مصوبه معترض‌عنه را از تاریخ تصویب دارم.

شورای شهر صدرای بیان ننموده است که آیا با بالا بردن ضریب عوارض، می‌تواند اجازه اخذ نصف قیمت روز ملک را به شهرداری دهد؟ آیا دریافت ۲۰٪ قیمت ملک بابت جریمه و ۵۱٪ قیمت روز ملک بابت عوارض، اجحاف بر شهروندان نیست؟ آیا اینگونه مصوبات مصداق بارز «خراب البلاد و اهلک العباد» نیست؟ آیا با وضعیت اقتصادی و رکود - توری که هم اکنون بر جامعه حاکم است، اخذ ۷۱٪ قیمت ملک بابت جریمه و عوارض را می‌توان توجیه نمود؟ آیا مصوبات معترض‌عنه که اجازه دریافت ۵۱٪ قیمت روز ملک داده است با مصوبه دولت که صرفاً اجازه اخذ ۰/۵٪ قیمت ملک را داده است، سنخیتی دارد؟ در بند ۲-۲۳ تعرفه سال ۱۳۹۶ نیز شورای شهر نیت خود را به صورت آشکار بیان نموده است و بابت تغییر کاربری ناشی از مصوبات کمیسیون ماده ۵، به صراحت به شهرداری اجازه اخذ ۳۰٪ قیمت روز ملک تجاری را داده است. این موضوع نیز به نوعی اجحاف بر شهروندان است و نتیجه‌ای جز ناراضی از حکومت اسلامی بر جای نمی‌گذارد. فلذا با توجه به مطالب پیش گفته، تقاضای ابطال مصوبات معترض‌عنه را از بعد شرعی دارم.

عنوان درآمدهای وصولی آن سال در بودجه کل کشور را خواهند داشت. نظر به مراتب فوق و با توجه به اینکه تصویب‌نامه مورد شکایت هیچگونه مغایرتی با قوانین جاری کشور نداشته و در حدود صلاحیت‌های عام هیأت وزیران در وضع مقررات نیز وضع گردیده است، لذا اتخاذ تصمیم شایسته دایر بر رد شکایت مطروحه مورد تقاضاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس بند (م) تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور: «در معاملات پیمانکاری که کارفرما یکی از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه است، کارفرما موظف است همزمان با هر پرداخت، مالیات ارزش افزوده متناسب با آن را به پیمانکار پرداخت کند. تا زمانی که کارفرما مالیات بر ارزش افزوده را به پیمانکار پرداخت نکرده باشد، سازمان امور مالیاتی کشور حق مطالبه آن از پیمانکار یا اخذ جریمه دیرکرد از وی را ندارد. در مواردی که بدهی کارفرما به پیمانکار به صورت اسناد خزانه اسلامی پرداخت می‌شود در صورت درخواست پیمانکار، کارفرما موظف است این اوراق را عیناً به سازمان امور مالیاتی کشور تحویل دهد. سازمان امور مالیاتی کشور معادل مبلغ اسمی اوراق تحویلی را از بدهی مالیاتی پیمانکار کسر و اسناد مذکور را به خزانه‌داری کل کشور ارائه می‌کند. خزانه‌داری کل کشور موظف است معادل مبلغ اسمی اسناد خزانه تحویلی را به عنوان وصولی مالیات منظور کند.» نظر به اینکه بر مبنای اطلاق ماده فوق‌الذکر اسناد خزانه اسلامی که به عنوان بدهی کارفرما به پیمانکار پرداخت می‌شود، باید به عنوان بدهی مالیاتی پیمانکار کسر و در خزانه‌داری کل کشور به عنوان وصولی مالیات منظور گردد، بنابراین حکم مقرر در مقرر مورد اعتراض از آن جهت که پذیرش این اسناد را صرفاً محدود به اسناد با سررسید حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۹ نموده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۷۰۱۹۵۸

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۶۵ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «تبصره یک تعرفه شماره ۲-۲۳ عوارض شورای اسلامی شهر صدرای در سال ۱۳۹۶ به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۱۰۶۵ شماره پرونده: ۹۷۰۱۹۵۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای بهرام طهماسبی با وکالت آقایان شکران زینی و طیار تبادکان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۱ تعرفه شماره ۲-۲۳ عوارض شورای

اسلامی شهر صدرای در سال ۱۳۹۶

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۱ تعرفه شماره ۲-۲۳

عوارض شورای اسلامی شهر صدرای در سال ۱۳۹۶ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم؛ احتراماً به وکالت از آقای بهرام طهماسبی به استحضار می‌رسانم:

بر اساس به دستور صریح مقام معظم رهبری به وکلای این پرونده که اقدام در جهت ابطال هر مصوبه خلاف شرع یا قانونی را (واجب شرعی) و در راستای انجام فریضه (امر به معروف و نهی از منکر) عنوان نمودند و به جهت اینکه مصوبات مورد اعتراض از جنبه‌های مختلف خلاف شرع و قانون تصویب شده است و باعث (اجحاف) بر شهروندان از جمله موکل می‌گردد، فلذا دادخواست حاضر تقدیم گردیده و تقاضای رسیدگی داریم.

بدواً شرح مختصری از ماوقع؛ در ملک موکل، تخلف ساختمانی (تبدیل و تغییر کاربری) حادث گردیده و به همین جهت موضوع به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارجاع می‌گردد.

دلایل غیرقانونی بودن مصوبه معترض‌عنه:

الف - تصویب چنین بندهایی، خارج از اختیارات قانونی شورای شهر می‌باشد، زیرا اجازه تغییر کاربری املاک، به نوعی تغییر طرح تفصیلی محسوب می‌گردد و مطابق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، این امر (تغییر طرح تفصیلی) صرفاً در صلاحیت کمیسیون مقرر در همان ماده است. شهرداری و شورای شهر نیز بر مبنای ماده ۷ همان قانون، موظف به رعایت و اجرای دقیق طرح تفصیلی بوده و حق تغییر خود سرانه کاربری املاک را ندارند.

نکته‌ای که در رأی شماره ۳۶۷ الی ۳۸۱ مورخ ۱۳۹۷/۳/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورد لحاظ قرار گرفته و در این رأی اخذ عوارض تغییر کاربری صراحتاً و صرفاً بعد از اخذ مجوز از کمیسیون ماده ۵ تجویز گردیده است. در بندهای ۲-۲۵ تعرفه سال ۱۳۹۶ و ۱-۱۴ تعرفه سال ۱۳۹۷ به صراحت اجازه اخذ این عوارض را بعد از صدور حکم کمیسیون ماده ۱۰۰ به شهرداری داده است. در تبصره ۱ بند ۲-۲۳ نیز با شرایطی حق اخذ عوارض تغییر کاربری بعد از صدور حکم کمیسیون ماده ۱۰۰ به شهرداری داده شده است. حال آنکه موضوع تغییر کاربری در صلاحیت کمیسیون ماده ۱۰۰ نیست که شهرداری بتواند بعد از حکم کمیسیون ماده ۱۰۰ عوارض آن را اخذ نماید. بحث تغییر کاربری با بحث مزاد تراکم متفاوت است و در اخذ عوارض تغییر کاربری نمی‌توان علی‌الاطلاق به آراء ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ استناد نمود. زیرا کمیسیون ماده ۱۰۰ به موجب تبصره ۱ الی ۴ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، حق صدور حکم به جریمه مالکین متخلف را دارد و مفروض تمامی این تبصره‌ها، احداث بنا (بدون پروانه و یا مزاد بر پروانه) مطابق با کاربری مصوب است. در هیچ‌کدام از این تبصره‌ها، سخنی از تغییر کاربری به میان نیامده و علت هم مشخصاً عدم صلاحیت کمیسیون ماده ۱۰۰ در مورد تغییر کاربری املاک است. در صورتی که مالک نسبت به تغییر کاربری ملک به تجاری اقدام نماید، تکلیف کمیسیون ماده ۱۰۰ بر اساس بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، صرفاً صدور حکم به «تعطیل محل کسب و پیشه» و کمیسیون ماده ۱۰۰ تحت هیچ شرایطی حق جریمه نمودن ملک تغییر کاربری یافته را ندارد.

بنابراین هنگامی که کمیسیون ماده ۱۰۰ صلاحیت تغییر کاربری املاک را نداشته و حقی هم در جریمه نمودن تغییر کاربری ندارد، فلذا پرونده ملک موکل مجدداً به شهرداری ارجاع شده و شهرداری بر اساس مصوبات معترض‌عنه و طی ردیف ۸ فیش عوارض، میزان عوارض را فقط برای تبدیل کاربری، مبلغ (۵/۱۶۳/۸۶۳/۸۶۰ ریال) اعلام می‌نماید.

حالیه بر اساس دلایل ذیل، ابطال این مصوبه را از تاریخ تصویب خواستارم:

دلایل غیرشرعی بودن مصوبه معترض‌عنه:

امیرالمؤمنین (ع) طی نامه شریفی به جناب مالک اشتر، در خصوص وضع و اخذ خراج و مالیات، چنین دستور می‌فرمایند: «و تفقد امر الخراج بما یصلح اهله ... ولیکن نظرک فی عماره الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج، لان دلك لا یدرک الا بالعماره و من طلب الخراج بغير عماره اخرج البلاد و اهلك العباد» (نهج البلاغه نامه ۵۳) دستور مولای متقیان، بر مبنای قواعد و احادیث شریف دیگری چون «لناس مسلطون علی اموالهم»، «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» به جناب مالک صادر گردیده و علی القاعده می‌بایست در آینده ملاک عمل حاکمان اسلامی باشد. این موضوع در نظریات فقهی علمای عظام و هم چنین فقهای شورای نگهبان مد نظر بوده و در نظریات شورای نگهبان به صورت قاعده «لزوم عدم اجحاف عوارض» متبلور گردیده است. به عنوان مثال می‌توان به نظریه شماره ۹۶/۱۰۲/۲۷۵۶ مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۲ که عنوان می‌نماید: «اطلاق مصوبه از جهت لزوم اجحاف خلاف موازین شرع دانسته شد» و یا نظریه شماره ۹۷/۱۰۰/۵۹۱۸ - ۱۳۹۷/۴/۲۳ که بیان می‌دارد: «... البته باید اخذ ۲۰٪ اجحاف نباشد به خصوص اگر مراد قیمت بازار باشد نه منطقه ای»، اشاره نمود. در نظریات دیگری مانند ۹۷/۱۰۰/۵۹۳۷ و ۹۷/۱۰۰/۵۹۳۲ همین موضوع تکرار گردیده است.

هیأت وزیران نیز با در نظر گرفتن همین موضوع و اینکه عوارض شهرداری‌ها اثر مستقیم بر وضعیت معیشت مردم و نرخ تورم سالیانه دارد، در تبصره ذیل ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض، به شهرداری اجازه دریافت عوارض بر دارایی و ثروت صرفاً به میزان ۵٪ (نیم درصد) ارزش دارایی را داده است. این آیین‌نامه به عنوان سیاست اقتصادی دولت در وضع عوارض و بر اساس قسمت اخیر بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور، برای تمامی شورای شهرها لازم‌الاجراست. لیکن در مصوبات معترض‌عنه به شرحی که در ذیل می‌آید، شورای شهر صدر بدون در نظر گرفتن قواعد و احادیث شرعی و بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی حاکم بر جامعه و هم چنین بدون در نظر گرفتن بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون اخیرالذکر، اجازه اخذ «بیش از ۵۰٪ قیمت و بهای روز» املاک بر مبنای «ارزش‌گذاری تجاری» را به شهرداری داده است و این موضوع مسلماً باعث اجحاف بر شهروندان می‌گردد.

بدین توضیح که؛ در رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ که منضم به دادخواست است، موکل بابت متراتژ تجاری احداث شده و بر اساس «یک پنجم» ارزش سرفقلی به پرداخت مبلغ ۲۰۲ میلیون تومان محکوم شده است و شهرداری بر اساس مصوبات معترض‌عنه، عوارض همین تخلف را ۵۱۶ میلیون تومان اعلام نموده است. بنابراین با در نظر گرفتن نسبت میزان جریمه - یک پنجم ارزش ملک - با میزان عوارض می‌توان نتیجه گرفت که مصوبه معترض‌عنه اجازه دریافت ۵۱٪ قیمت روز ملک را به شهرداری داده است. درست است که در تعرفه ۲-۲۵ سال ۱۳۹۶ و ۱-۱۴ سال ۱۳۹۷، عوارض بر مبنای ضریبی از P تعیین شده، لیکن منطقاً شورای شهر حق ندارد که ضریب عوارض را آنقدر بالا ببرد که در عمل از ۵۰٪ قیمت ملک هم بیشتر گردد. موضوعی که در مصوبه معترض‌عنه عملاً اتفاق افتاده است و شورای شهر با (بازی با کلمات و اعداد) قصد پنهان نمودن نتیجه مصوبه خود را دارد.

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

«تعرفه شماره ۲-۲۳ عوارض ارزش افزوده ناشی از درخواست تغییر کاربری (اراضی و ساختمان)

ردیف	نوع عوارض	مصوب سال ۹۶ (به ازاء هر مترمربع)	منشاء قانونی	توضیحات
۱	ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری و ضابطه‌های مختلف: چنانچه موضوع از طریق مراجع ذیصلاح (اصلاح و بازنگری طرح تفصیلی، کمیسیون ماده ۵، شورای عالی معماری و شهرسازی و ...) مورد موافقت قرار گرفته باشد.	۲۰٪ ارزش افزوده مطابق نظر کارشناس رسمی دادگستری محاسبه و اخذ می‌گردد.	بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده	تبصره (۱): اگر مالکین محترم قبل از دریافت مجوزهای مربوطه اقدام به تبدیل کاربری یا تغییر ضابطه نمایند موضوع از طرف شهرداری به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارجاع خواهد شد که در صورت صدور رأی ابقاء بنا چنانچه موضوع تبدیل کاربری صورت گرفته جزء مورد ذکر شده در تعرفه شماره ۲-۲۵ نباشد، عوارض مصادیق این تعرفه (۲-۲۳) محاسبه و اخذ خواهد شد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر صدر با لایحه شماره ۹۸/۵/۱۱۷۰ - ۱۳۹۸/۸/۲۱ توضیح داده است که:

«مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با سلام

طبق مصوبه شماره ۹۵/۴/۹۷۱ - ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ شورای اسلامی شهر صدر، تعرفه شماره ۲-۲۳ و ۲-۲۵ در سال ۱۳۹۶ و مصوبه شماره ۹۶/۵/۱۸۷۱ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ شورای اسلامی شهر صدر، تعرفه شماره ۱-۱۴ در سال ۱۳۹۷ مورد اجرا واقع شده است. عوارض فوق با توجه به تبصره ۱ ذیل ماده ۵۰ قانون ارزش افزوده «شوراهای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید، که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد، تصویب و اعلام عمومی نمایند.» و با توجه به ایجاد ارزش افزوده ناشی از تبدیل کاربری مورد بهره‌برداری با توجه به تبدیل از کاربری با ارزش افزوده سطح پایین‌تر به بالاتر در جهت احقاق حقوق شهر ناشی از عدم استفاده ملک طبق طرح تفصیلی مصوب مشاور وضع گردیده است.

همچنین به پیوست نامه شماره ۲۰۸۶۱ مورخ ۱۳۹۷/۵/۳ مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و بودجه سازمان شهرداریها و دهیاری‌های کشور و همچنین نامه شماره ص ۵۶/۴۲/۲۰۳۴۵/۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۷ مدیر کل دفتر شهری و شوراهای و دادنامه‌های مرتبط در خصوص قابل وصول بودن عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک پس از صدور مجوز توسط کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به استناد بند (د) دادنامه شماره ۳۶۷ الی ۳۸۱ مورخ ۱۳۹۷/۳/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خدمتتان ارسال می‌گردد.

ضمناً با توجه به شکایت سازمان بازرسی جهت ابطال تعرفه‌های شماره ۲-۲۵ و ۲-۲۳ در هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری که منجر به صدور رأی طی دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۲۴۶ مورخ ۱۳۹۸/۵/۲۸ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۲۴۶ مورخ ۱۳۹۸/۵/۲۸ به ترتیب با مضمون رد شکایت سازمان بازرسی به طرفیت شهرداری صدر در خصوص

شماره ۹۹۰۱۵۳۱
بسمه تعالی
جناب آقای اکبر پور
رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام
یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۶۶ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با موضوع: «ماده ۲۳ تعرفه منابع درآمدی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بوشهر در سال ۱۳۹۸ که متضمن اخذ ۵٪ مبلغ قرارداد بابت صدور مجوز هر تبلیغ بر روی تابلوها و سازه‌های تبلیغاتی است ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.
مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۵ شماره دادنامه: ۱۰۶۶ شماره پرونده: ۹۹۰۱۵۳۱
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکا: شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران
موضوع شکایت و خواسته: ابطال عبارت «فرودگاه» از متن ماده ۲۳ لایحه درآمدهای سال ۱۳۹۸ سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بندر بوشهر مصوب شورای اسلامی شهر بوشهر
شورای اسلامی شهر بوشهر

گردش کار: شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران به موجب دادخواستی ابطال عبارت «فرودگاه» از متن ماده ۲۳ لایحه درآمدهای سال ۱۳۹۸ سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بندر بوشهر مصوب شورای اسلامی شهر بوشهر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

۱- دو فقره قانون خاص بر فعالیتها و اماکن فرودگاهی به نام لایحه قانونی واگذاری و تخلیه اماکن و محلها در فرودگاههای کشور مورخ ۱۳۵۸/۶/۲۷ و آیین‌نامه اجرایی نحوه و شرایط اجاره و واگذاری و محلها در فرودگاههای کشور مورخ ۱۳۵۸/۹/۲۱ که هر دو به تصویب شورای انقلاب (مرجع قانونگذاری در سال ۱۳۵۸ پس از انقلاب اسلامی) رسیده است، حاکم می‌باشد که به صورت مشروح و مدلل به نحوه واگذاری اماکن و محلها در فرودگاهها (شامل تابلوهای تبلیغاتی) پرداخته است. ماده ۱ لایحه قانونی فوق‌الذکر مقرر داشته: «به سازمان هواپیمایی کشور اجازه داده می‌شود اماکن و محل‌هایی نظیر دفتر کار شرکتها و مؤسسات محل رستوران، تریا، فروشگاه، غرفه، کیوسک، زمین و غیره را در فرودگاههای کشور با احراز ارتباط با فعالیتها و نیازمندی‌های هواپیمایی کشوری حسب ضرورت به تشخیص خود، به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط با اجاره واگذار نماید.» همچنین ماده ۱۲ آیین‌نامه فوق‌الاشاره مقرر می‌دارد: نصب هرگونه تابلو و علائم آگهی‌های تجارتي و غیره به هر شکلی که باشد در محل‌های واگذاری و محوطه و حدود فرودگاهها و خیابان‌های وابسته به آن به طور کلی ممنوع است ولی مستاجر و یا استفاده‌کننده می‌تواند هر کدام از آنها را برای انجام موضوع اجاره و واگذاری در عین مستاجره و محل مورد استفاده لازم بداند پس از تحصیل اجازه از سازمان هواپیمایی کشوری در عین مستاجر یا محل مورد استفاده نصب نماید.» مستفاد از مواد فوق، باید گفت شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران نسبت به کلیه اماکن و محل‌های واقع در فرودگاهها، اختیار کامل دارد و بهای آن تماماً متعلق به همان شرکت می‌باشد.

۲- از سوی دیگر میزان عوارض و مالیات متعلقه به فعالیت‌های حمل و نقل هوایی کشور در بند ۱۲ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ تکلیف گردیده است و به موجب آن ارائه این گونه خدمات از پرداخت هر نوع مالیات و عوارض معاف می‌باشند. خاطر نشان می‌سازد بند (الف) ماده ۴۳ قانون مذکور میزان پنج درصد (۵٪) از بهای بلیط‌های فروخته شده به مسافران هوایی برون شهری را عوارض خاص تلقی نموده و وجوه یاد شده بر اساس بند (ب) ماده ۴۶ همان قانون به حساب شهرداری محل فعالیت واریز می‌گردد. همچنین ماده ۴۷ همان قانون نیز اشخاص مسئول حمل و نقل را موظف به همکاری با شهرداریها جهت وصول عوارض مرقوم نموده است. لذا نظر به اینکه به موجب نص صریح ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، «برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است، همچنین برقراری عوارض به درآمدهای ماخذ محاسبه مالیات، سود سهام شرکتها و ... توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد.» و نسبت به فعالیت‌های حمل و نقل، عوارض خاص از سوی قانونگذار تعیین گردیده است لذا شوراهای اسلامی محل از وضع هرگونه عوارض مزاد بر میزان مشخص قانونی، ممنوع می‌باشند.

۳- به موجب دادنامه‌های شماره ۸۱۶ الی ۸۳۶ - ۱۳۹۴/۶/۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، شوراهای اسلامی صرفاً اختیار تصویب عوارض محلی را وفق تبصره ماده ۵۰

ابطال تعرفه شماره ۲- ۲۵ دفترچه عوارض و بها خدمات سال ۱۳۹۶ (که دارای مضمون مشابه به تعرفه شماره ۱- ۱۴ در سال ۱۳۹۷ می‌باشد) و رد شکایت سازمان بازرسی به طرفیت شهرداری صدرا در خصوص ابطال تعرفه شماره ۲- ۲۳ دفترچه عوارض و بها خدمات سال ۱۳۹۶ گردیده است و با عنایت به اینکه درخواست مجدد مواردی که رأی برای آن صادر شده از امور مختومه قلمداد می‌گردد. خواهشمند است نسبت به رد شکایت ایشان اقدام فرمائید.

در پاسخ به ادعای خلاف شرع شاکا در خصوص مقرره مورد شکایت قائم مقام دبیر شورای نگهبان قانون اساسی به موجب نامه شماره ۹۸/۱۰۲/۱۱۰۸۹ - ۱۳۹۸/۴/۲۷ - اینگونه اعلام کرده است که:

رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۱۹۵۸/۹۷ - ۱۳۹۷/۸/۷:

موضوع تعرفه شماره ۲- ۲۳ و ۲- ۲۵ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ و تعرفه شماره ۱- ۱۴ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر صدرا در خصوص عوارض تبدیل کاربری‌ها و عوارض ارزش افزوده ناشی از اجرا یا تغییر طرح‌های مصوب شهری، در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۹ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد:

- در فرضی که شورای شهر قانوناً دارای حق جعل عوارض مذکور باشد و عوارض جعل شده اجحاف نباشد مورد شکایت خلاف شرع نیست و تشخیص این مطلب که قانوناً شورای شهر دارای این حق است بر عهده دیوان عدالت اداری می‌باشد.

در خصوص خواسته شاکا مبنی بر ابطال تعرفه شماره ۲- ۲۵ عوارض سال ۱۳۹۶ طبق دادنامه ۵۰۶ - ۱۳۹۹/۴/۱۴ به استناد ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قرار رد درخواست صادر شده است.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۰۰۸۷/۰۹۰۶۰۱۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۶۶ - ۱۴۰۰/۲/۲۰ و ردیف‌های ۱ الی ۴ از تعرفه شماره (۱-۱۴) تحت عنوان عوارض ارزش افزوده از اجرا و یا تغییر طرح‌های مصوب شهری را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به ابطال تبصره ۱ تعرفه شماره ۲- ۲۳ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی شهر صدرا در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۸/۱۰۲/۱۱۰۸۹ - ۱۳۹۸/۴/۲۷ و در رابطه با جنبه شرعی مقررات مورد شکایت اعلام کرده است که: «در فرضی که شورای شهر قانوناً دارای حق جعل عوارض مذکور باشد و عوارض جعل شده اجحاف نباشد، مورد شکایت خلاف شرع نیست و تشخیص این مطلب که قانوناً شورای شهر دارای این حق است، برعهده دیوان عدالت اداری می‌باشد.» ثانیاً: هرچند براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۶۷ الی ۳۸۱ - ۱۳۹۷/۳/۸ این هیأت، وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از طرح‌های توسعه شهری و تغییر کاربری توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص نگردیده است، لکن طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان توسط کمیسیون موضوع آن ماده انجام می‌شود و تعیین عوارض ارزش افزوده برای املاک یا اراضی قبل از طرح در کمیسیون ماده ۵ یا بدون اخذ مجوز از مراجع ذیربط قانونی مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است. بنا به مراتب فوق، تبصره ۱ تعرفه شماره ۲- ۲۳ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ شهر صدرا که به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است و با توجه به حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و لزوم تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۳ از بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدام نیروی پیمانی مشاغل آتش نشانی شهرداری‌های کشور (تیرماه ۱۳۹۸) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

احتراماً به استحضار می‌رساند:

پس از شرکت در آزمون و اعلام قبولی در مرحله کتبی از سوی جهاد دانشگاهی، سایر مراحل جذب و استخدام از جمله آزمون عملی را طی کرده که پس از گذشت ۳ ماه از اعلام نتایج قبولی اولیه مجدداً در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ با اعمال پنج درصد سهمیه استخدامی به مشمولین ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ نتایج جدیدی را منتشر کرده و نتایج قبلی را باطل اعلام کرده‌اند که علی‌رغم اعلام قبولی قطعی؛ در اعلام مجدد پذیرفته‌شدگان، اینجانبان به عنوان مردود در آزمون اعلام شده ایم که پس از پیگیری‌های به عمل آمده متوجه شدیم اعمال سهمیه فوق‌الذکر، دلیل خروج از دایره پذیرفته‌شدگان بوده است.

از آنجا که نتایج اعمال شده نهایی از ناحیه مجری برگزارکننده آزمون (جهاد دانشگاهی) پس از اعمال سهمیه مندرج در ماده ۴۸ قانون فوق‌الاشعار صورت پذیرفته است در حالی که بر اساس دادنامه شماره ۸۸۲-۸۸۳ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ به شماره پرونده ۹۶/۲۳۱۵/۹۷ - ۱۲۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ مبنی بر الزام یکی از فرزندان ایثارگران به استخدام به علت مغایرت با قانون جامع خدمت رسانی به ایثارگران منسوخ گردیده است و اقدام بر اساس آن فاقد مبنای قانونی است و در حال حاضر مفاد تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون جامع خدمت‌رسانی به ایثارگران حاکم است که حکم مقرر در آن متفاوت از ماده ۴۸ است. لہذا مختصراً به اطلاع می‌رساند چون نتایج اعمال شده پذیرفته‌شدگان آزمون استخدامی با اعمال سهمیه ماده ۴۸ قانون مرقوم صورت پذیرفته که ماده ۴۸ قانون مرقوم به موجب ماده ۲۱ قانون جامع ایثارگران منسوخ گردیده است و رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری نیز بر این مطلب تصریح دارد. ضمناً در نامه جهاد دانشگاهی به شماره ۱۱۱۲۴۶ در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۳ صراحتاً اعلام شده که از ۱۸۰ نفر سهمیه آزاد آتش نشان مشهود که در دفترچه ذکر شده، تعداد ۲۷ نفر به سهمیه ماده ۴۸ تعلق گرفته است. لذا از آنجا که نتایج نهایی اعلام شده مغایر با ماده ۲۱ قانون جامع ایثارگران می‌باشد تقاضای ابطال تصمیم سازمان جهاد دانشگاهی مبنی بر ابطال نتایج آزمون استخدامی را به شماره ۷۱۱۳۰۴-۱۳۹۷/۱۲/۱۹ را دارم.

متن مقررہ مورد شکایت به قرار زیر است:

بخش چهارم: امتیازات و سهمیه‌های قانونی

الف) سهمیه ایثارگران

۳) پنج درصد سهمیه استخدامی مربوط به مشمولین ماده ۴۸ قانون:

پنج درصد سهمیه استخدامی به مشمولین ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی «فرزندان کارکنان شهید، فرزندان جانبازان بیست و پنج درصد و بالاتر و آزاده» در همان شهرداری (اعم از شاغل، فوت شده، بازنشسته و یا ازکارافتاده) که واجد شرایط عمومی استخدام باشند و آن شغل دارای ظرفیت بیش از یک نفر باشد و همچنین جزء مشاغل مشخص شده برای سهمیه ۲۵ درصد ایثارگران نباشد، تخصیص می‌یابد.

تبصره: کسب حد نصاب نمره آزمون علمی برای مشمولین این بند الزامی نمی‌باشد. در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور شهری و شوراهای استانداری خراسان رضوی به موجب لایحه شماره ۳۸/۴۲/۱۳۵۱۸-۱۳۹۹/۵/۷ توضیح داده است که:

«فرآیند اجرای آزمون استخدامی شامل صدور کارت، تهیه و تصحیح پاسخ نامه و اعلام نتایج نهایی داوطلبان طی توافقنامه‌ای به سازمان جهاد دانشگاهی استان خراسان رضوی واگذار گردیده است. مطابق مفاد آگهی آزمون مقرر گردیده بود که ۵ درصد سهمیه استخدامی به مشمولین ماده ۴۸ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ اختصاص یابد که پس از صدور دادنامه شماره ۸۸۲-۸۸۳ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع نحوه اعمال سهمیه فوق‌الذکر از جهاد دانشگاهی استان خراسان رضوی استعلام گردید که مرجع مذکور با ارسال پاسخ مرکز آزمون جهاد دانشگاهی اعلام داشته که باتوجه به ملغی شدن ماده ۴۸ چون آزمون برگزار شده و این افراد هم در آزمون شرکت کرده‌اند لذا با توافق بنیاد شهید و امور ایثارگران کشور به عنوان بخشی از سهمیه ۲۵ درصد ایثارگران لحاظ شده و این افراد سهمیه خاص داشته باشند.»

رئیس سازمان جهاد دانشگاهی استان خراسان رضوی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۹/۵/۲۹ - ۱۳۹۹/۴۸/۲۱۳۲ ضمن ارسال نامه شماره ۹۹/۸۰۰۸/ص - ۱۳۹۹/۵/۲۶

قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ دارند و صلاحیت تصویب هرگونه عوارضی که مشمول دستگاه‌های اجرایی غیرمحلّی شود را ندارند. نظر به اینکه فرودگاه بوشهر یکی از زیر مجموعه‌های شرکت مادر تخصصی صد در صد دولتی فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران بوده که دارای فعالیت غیرمحلّی و کشوری است، بنابراین وضع عوارض محلّی بر فعالیتها و اماکن واقع در محدوده فرودگاه از جمله عوارض تابلوهای تبلیغاتی، جایگاه قانونی نداشته و فاقد قابلیت اجرایی است. لذا به نظر می‌رسد حکم صاداری از ناحیه شورای اسلامی شهر بوشهر با اصول و ضوابط قانونی انطباق نداشته و متضمن نقض و پایمال نمودن حقوق بدیهی شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران قلمداد می‌گردد. لذا از آن مقام تقاضای بذل توجه و ابطال مصوبه موضوع خواسته را مستنداً به مطالب فوق‌الذکر و مستنداً به بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ دارد.»

متن مقررہ مورد شکایت به شرح زیر است:

ماده ۲۳- کلیه کانون‌های تبلیغاتی که دارای سازه تبلیغات محیطی می‌باشند و یا در محیط‌های بسته‌ای همچون فرودگاه و مراکز تجاری و غیره کار تبلیغاتی انجام می‌دهند، موظفند ۵٪ مبلغ قرارداد بابت صدور مجوز هر تبلیغ بر روی تابلوها و سازه‌های تبلیغاتی خود را به عنوان صدور مجوز تبلیغات به سازمان پرداخت نمایند.

علی‌رغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ پاسخ واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است و همچنین برقراری عوارض درخصوص درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات، سود سهام شرکتها، سود اوراق مشارکت، سود سپرده‌گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز، توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع است و با عنایت به اینکه مطابق بند «الف» ماده ۳۸ قانون یادشده، نرخ عوارض مربوط به خدمات از جمله قراردادهای پیمانکاری تعیین شده است، بنابراین ماده ۲۳ تعرفه منابع درآمدی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بوشهر در سال ۱۳۹۸ که متضمن اخذ ۵٪ مبلغ قرارداد بابت صدور مجوز هر تبلیغ بر روی تابلوها و سازه‌های تبلیغاتی است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد مصدق

شماره ۹۹۰۱۹۹۶

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۶۹ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ با موضوع: «ابطال بند ۳ از بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدام نیروی پیمانی مشاغل آتش‌نشانی شهرداری‌های کشور (تیرماه ۱۳۹۸)» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۴/۱ شماره دادنامه: ۱۰۶۹-۱۰۶۸

شماره پرونده: ۹۹۰۲۱۶۷ - ۹۹۰۱۹۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقایان سید مصطفی حسینی و مصیب عزیزی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۳ از بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های

قانونی دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدام نیروی پیمانی مشاغل آتش‌نشانی شهرداری‌های کشور (تیرماه ۱۳۹۸)

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۳۷۱۸ت/۵۷۵۹۳هـ

– ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۳۷۱۸ت/۵۷۵۹۳هـ – ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

” نظر به مصوبه هیأت وزیران در خصوص سقف حقوق شاغلین و مورد استثناء قرار دادن (هیأت علمی، کارکنان وزارت اطلاعات، قضات دادگستری، کارکنان ارشد وزارت امور خارجه، دیوان محاسبات ...) اینجانب به عنوان جانباز شیمیایی و تحت درمان دوران دفاع مقدس تقاضا دارد ضمن حذف سقف افزایش حقوقی و اصلاح حکم کارگزینی اینجانب، از ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری و برخورداری از مزایای حذف سقف حقوق در مصوبه هیأت وزیران در ۱۳۹۹/۱/۲۰ بخشنامه شماره ۳۷۱۸ت/۵۷۵۹۳هـ به پیوست ایفاد می‌گردد. لازم به ذکر می‌باشد که در همین خصوص جانبازان موارد فوق‌الذکر دستگاه‌ها و گروه‌ها از مزایای حذف سقف افزایش حقوقی برخوردار می‌باشند. مستدعی است جهت رفع تبعیض و ابطال ماده ۷۶ اقدام لازم را مبذول فرمایید.”

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۹ – ۱۸۲۱ – ۲ مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۱ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده، توضیح داده است که:

” با تقدیم احترام اینجانب سیدعلی اشرف حسنی جانباز شاغل در دانشگاه تربیت مدرس تهران تقاضای ۱- ابطال بند ۵ مصوبه شماره ۳۷۱۸ت/۵۷۵۹۳هـ – ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران ۲- بند ۵ مصوبه فوق‌الذکر مغایر با ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد.”

متن مصوبه مورد اعتراض به شرح زیر است:

” تصویب‌نامه هیأت وزیران

سازمان برنامه و بودجه کشور – سازمان اداری و استخدامی کشور

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۹/۱/۲۰ به پیشنهاد مشترک سازمان‌های برنامه و بودجه کشور و اداری و استخدامی کشور و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶) و بند (پ) ماده ۲۸ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۵) و جزء ۱ بند (الف) تبصره ۱۲ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور تصویب کرد.

۵ – حداقل حقوق و مزایای مستمر شاغلین موضوع ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری برای کارمندان دستگاه‌های اجرایی مشمول این قانون و سایر مشمولین ماده مذکور به استثنای مشمولین قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در سال ۱۳۹۹ به میزان هفده میلیون و نهصد و هفتاد و چهار هزار و پانصد (۱۷/۹۷۴/۵۰۰) ریال و حداکثر حقوق و مزایای مستمر این قبیل کارکنان به میزان هفت برابر حداقل حقوق مذکور در این بند تعیین می‌شود.

تبصره – در اجرای ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور – مصوب ۱۳۹۵ – اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی از شمول حداکثر این بند مستثنی می‌باشند. ” در پاسخ به شکایت مذکور معاون امور حقوقی دولت (معانت حقوقی رئیس‌جمهور) به موجب لایحه شماره ۴۴۰۹۴/۱۰۶۲۸۴ – ۱۳۹۹/۹/۲۲ توضیح داده است که:

” به موجب ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری «حداقل و حداکثر حقوق و مزایای مستمر شاغلین، حقوق بازنشستگان و وظیفه بگیران مشمول این قانون و سایر حقوق بگیران دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی وابسته به دستگاه‌های اجرایی، هر سال با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.» همچنین بنا بر بند (پ) ماده ۲۸ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران «دولت در حدود اعتبارات هزینه‌ای سالانه و متناسب با نرخ تورم، نسبت به تعیین ضریب حقوق کارکنان دولت اعم از مشمولان و غیرمشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری در لویح بودجه سنواتی اقدام کند.» بر همین اساس و وفق اختیارات قانونی یاد شده، هیأت وزیران مبادرت به تصویب مصوبه مورد شکایت نموده و شاکی نیز دلایل و جهات موجهی که دلالت بر مغایرت مفاد مصوبه با قوانین جاری کشور نماید ارائه نموده است، در نتیجه اتخاذ تصمیم شایسته دایر بر رد شکایت مطروحه مورد تقاضاست.”

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

مدیر مرکز آزمون سازمان جهاد دانشگاهی به طور خلاصه توضیح داده است که: ” بعضی از امتیازات داوطلبان اشتباه وارد سامانه شده و دقیق نبوده پس از بررسی مجدد و تأیید همه دستگاه‌ها، اعم از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و استانداری خراسان رضوی نتایجی که در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ در سامانه مرکز آزمون اعلام شده، نتایج واقعی و قطعی و نهایی بوده و نتایجی که قبلاً اعلام شده بود، باطل اعلام گردیده است. همچنین در استان خراسان رضوی و در شغل آتش نشان برای شهر مشهد که ۳۰۰ مجوز وجود داشت، ۱۲۰ مجوز برای ایثارگران ۲۵ درصد، ۱۲۷ مجوز برای سهمیه آزاد، ۲۵ مجوز برای ایثارگران ۵ درصد و ۲۷ مجوز برای داوطلبان دارای سهمیه ماده ۴۸ و ۱ نفر هم در سهمیه ۳ درصد معلولان در نظر گرفته شده است.”

رئیس امور حقوقی و مجلس سازمان اداری و استخدامی کشور نیز به موجب لایحه شماره ۳۸۴۱۶۷ – ۱۳۹۹/۱۰/۱۹ توضیح داده است که:

” آزمون استخدامی آتش‌نشانی خراسان رضوی که نامبرده تقاضای ابطال اعلام نتایج آنرا نموده است، توسط مرکز آزمون جهاد دانشگاهی و با نظارت سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور برگزار گردیده و این سازمان در نحوه برگزاری و اعلام نتایج آن نقشی نداشته ضمن اینکه اطلاعاتی در خصوص آزمون مذکور نیز در دسترس ندارد. لذا در خصوص شکایت نامبرده دستگاه برگزارکننده آزمون مزبور اصلح است پاسخ گو باشد.

علیهذا با عنایت به موارد یاد شده تقاضای رد شکایت ایشان به طرفیت این سازمان را دارد.”

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: به موجب ماده ۷۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ کلیه قوانین و مقررات مغایر با قانون مذکور ملغی‌الاثربوده و براساس مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوانینی که از سال ۱۳۸۶ تا تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲ به نفع ایثارگران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، به قوت خود باقی است. ثانیاً: کلیه سهمیه‌های مربوط به استخدام و تأمین نیروی مورد نیاز دستگاه‌های اجرایی از میان ایثارگران و خانواده آنها در ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و تبصره‌های آن مشخص شده است. بنا به مراتب فوق، ماده ۴۸ قانون الحاق مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ در زمان صدور آگهی آزمون (تیرماه ۱۳۹۸) به علت مغایرت با قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران منسوخ بوده و تعیین و اختصاص سهمیه استخدام براساس آن فاقد مبنای قانونی است و دادنامه شماره ۸۸۳ – ۸۸۲ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مؤید این نظر است و بر همین اساس وضع بند ۳ از بخش چهارم (امتیازات و سهمیه‌های قانونی دفترچه راهنمای ثبت‌نام آزمون استخدام نیروی پیمانی مشاغل آتش‌نشانی شهرداری‌های کشور – تیرماه ۱۳۹۸) خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری – مهدی دربین

شماره ۹۹۰۱۸۲۱ ۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۷۱ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ با موضوع: «ابطال تبصره بند ۵ مصوبه شماره ۳۷۱۸ت/۵۷۵۹۳هـ – ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران که برخی شاغلین را از رعایت حداکثر حقوق و مزایای مستمر مستثنی کرده است» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری – یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۴/۱ شماره پرونده: ۹۹۰۱۸۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سیدعلی اشرف حسنی

رأی هیأت عمومی

به موجب ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶: «حداقل و حداکثر حقوق و مزایای مستمر شاغلین، حقوق بازنشستگان و وظیفه بگیران مشمول این قانون و سایر حقوق بگیران دستگاههای اجرایی و صندوقهای بازنشستگی وابسته به دستگاههای اجرایی هر سال با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» و براساس تبصره همین ماده: «سقف حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مستمر نباید از ۷ برابر حداقل حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مستمر تجاوز کند. فوق‌العاده‌های مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۵) ماده ۶۸ فوق‌العاده مستمر تلقی می‌گردند.» مستفاد از حکم مقرر در تبصره ماده مذکور و آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۱۳۹۹/۱۰/۶ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۲۱۱ آن هیأت این است که رعایت حکم مقرر در ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری به عنوان یک حکم خاص در مورد سقف حقوق و مزایای مستمر (شامل حقوق ثابت به علاوه فوق‌العاده‌های مستمر مذکور در بند ۲ «فوق‌العاده ایثارگری»، بند ۳ «فوق‌العاده سختی کار» و بند ۵ «فوق‌العاده شغل») شامل کلیه شاغلین دستگاههای اجرایی اعم از مشمولین قانون مدیریت خدمات کشوری و یا شاغلین دارای مقررات خاص استخدامی می‌شود و استثناء نمودن برخی شاغلین از این حکم فاقد وجهت قانونی است. بنا به مراتب فوق، تبصره بند ۵ تصویب‌نامه شماره ۳۷۱۸/ت۵۷۵۹۳ هـ - ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران که برخی شاغلین را از رعایت حداکثر حقوق و مزایای مستمر مستثنی نموده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۹۰۰۸۶۲

۱۴۰۰/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس محترم هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت‌عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۰۷۲ مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ با موضوع: «ماده ۴ عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک مصوب سال ۱۳۹۹ شهر اراک ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت‌عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۳/۲۹ شماره دادنامه: ۱۰۷۲ شماره پرونده: ۹۹۰۰۸۶۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای ایمان قوامی فرد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۴ عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک مصوب سال ۱۳۹۹ شهر اراک

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال ماده ۴ عوارض ارزش افزوده ناشی

از تغییر کاربری املاک مصوب سال ۱۳۹۹ شهر اراک را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

«با توجه به ابطال عوارض تغییر کاربری در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و تجویز آن صرفاً با درخواست شخص و موافقت کمیسیون ماده ۵ لذا استثناء بایستی در موضع نص تفسیرگردد و شورای شهر صلاحیتی برای تعیین اخذ وجوه یا اسناد از اشخاص توسط شهرداری چه تحت عنوان امانت و سپرده یا غیر آن جز به تجویز قانونگذار ندارد و تا قبل از موافقت کمیسیون ماده ۵ صلاحیتی نسبت به اخذ وجه بابت امری که در صلاحیت نهاد دیگری است، ندارد و نیک مستحضرید عوارض خود تابع اصل قانونی بودن است که وفق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و نیز تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه، اخذ هر گونه وجه، کالا و خدمات توسط دستگاههای اجرایی منوط به تجویز قانونگذار گردیده است. همچنین شایان ذکر است وفق منطوق و مفاد دادنامه شماره ۱۲۷۴ - ۱۳۹۷/۵/۲ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، همچنین مطابق دادنامه شماره ۲۱۵ الی ۲۲۰ - ۱۳۹۶/۳/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تصویب اخذ عوارض از مالکین بدون مصوبه کمیسیون ماده ۵ به لحاظ اینکه شوراهای اسلامی صلاحیت تغییر کاربری ندارند در نتیجه حق

وضع عوارض تغییر کاربری هم ندارند، ابطال شده است، بنابراین صرفاً اطلاق مصوبه مورد شکایت در مواردی که تصویب اخذ عوارض بدون طرح در کمیسیون ماده ۵ و کمیسیون ماده ۱۰۰ با توافق تجویز شده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص می‌شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود. بدین وسیله ابطال مصوبه موضوعه معنونه شورای اسلامی شهر اراک از زمان تصویب مستنداً به مواد ۱۳، ۸۸ و ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مورد استدعاست.»

متن مقرر در مورد اعتراض به شرح زیر است:

«ماده ۴: عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری املاک

در صورتی که مالکین برای تغییر کاربری ملک درخواست داشته باشند و با موافقت شهرداری و متولی طرح و کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تغییر کاربری حاصل گردد شهرداری می‌بایست این عوارض را وصول نماید. لازم به ذکر است مبلغ عوارض محاسبه شده قبل از ارسال درخواست تغییر کاربری به کمیسیون ماده ۵ با تنظیم توافق نامه به حساب سپرده شهرداری (به صورت امانت) که به همین منظور افتتاح می‌گردد واریز و پس از موافقت کمیسیون ماده ۵ با تغییر کاربری، مبلغ از حساب سپرده به حساب درآمدی شهرداری انتقال می‌یابد و نرخ عوارض تغییر کاربری براساس زمان پرداخت به حساب سپرده ملاک عمل قرار خواهد گرفت و در صورت عدم موافقت کمیسیون مذکور با تغییر کاربری مبلغ سپرده به مالک مسترد خواهد شد همچنین مالکین می‌توانند معادل عوارض تغییر کاربری ضمانت نامه بانکی یا سند رهنی ارائه نمایند که پس از تأیید کمیسیون ماده ۵ عوارض تغییر کاربری بر اساس زمان پرداخت محاسبه و دریافت خواهد گردید و در صورت عدم تغییر کاربری ضمانت نامه ابطال یا سند رهنی فک می‌گردد.

ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری به ازاء هر مترمربع $Z (A/500/000 \leq 1/5 K p \leq 40/000/000)$ محاسبه و اخذ می‌گردد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر اراک به موجب لایحه شماره ۹۹/۷۷۵/ش - ۱۳۹۹/۶/۳ به طور خلاصه توضیح داده است که:

«اولاً: تبصره ۵ تعرفه موضوع شکایت صرفاً متضمن تجویز توافق با مالک بوده و از آن اجبار مالک مستفاد نمی‌گردد. توافق با مالکین در خصوص تغییر کاربری از سوی شورای نگهبان (نامه شماره ۱۳۹۹/۱۲/۵ - ۳۱۵) مغایر شرع و قانون تشخیص داده نشده است. ثانیاً: هیأت تخصصی (۱۳۹۶/۱۲/۵ - ۳۱۵) عوارض ارزش افزوده (شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۱۷۲۰۴۱/۲۰۰ - ۱۳۹۵/۱۰/۲۹) و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در دادنامه شماره ۱۳۰۹ - ۱۳۹۷/۵/۹ عوارض مورد شکایت را منطبق با قانون تشخیص داده است. به موجب دادنامه‌های متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۱۳۰۸ - ۱۳۹۷/۵/۹ وضع عوارض برای ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری منطبق با موازین قانونی تشخیص داده شده است. لذا رأی به رد شکایت تقاضا می‌گردد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۶۷ الی ۳۸۱ - ۱۳۹۷/۳/۸ این هیأت، وضع عوارض ارزش افزوده ناشی از طرح‌های توسعه شهری و تغییر کاربری توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص نگردیده است، لکن ذکر قیود ناظر بر اخذ وجوه امانی یا ضمانت نامه بانکی به شرح مندرج در مصوبه مورد شکایت از این حیث که قبل از طرح در کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از شهروندان وجه اخذ می‌شود، فاقد مبنای قانونی است و بر همین اساس ماده ۴ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ شهرداری اراک که تحت عنوان عوارض ناشی از تغییر کاربری املاک به تصویب شورای اسلامی شهر اراک رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تسری اثر ابطال مصوبه به زمان تصویب آن موافقت نشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین